



گفتگو با اسکندر لطفی
سخنگوی شورای هماهنگی
تشکل‌های صنفی
فرهنگیان ایران

مجله ۱۲۵

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰

راهی جز کنش میدانی برای
معلمان باقی نمانده



حسین حق‌وردی
عضو کمیسیون آموزش مجلس:
در کشور واکسن برای دانش‌آموزان
موجود نیست

پرونده ویژه

مطالبات معلمان در آغاز سال تحصیلی

با یادداشت‌ها و اظهارنظراتی از

نجات بهرامی، عزیز قاسم‌زاده، محمدعلی مهدی‌زاده، محمد خاکساری، احمد مدادی، نوید میهن‌دوست،
رایحه مظفریان، نادر پورخانی، بهار عباسی، رادا مردانی، شریف حسن‌زاده، محمد ممندزاده، عزیزه انظاری،
رامین کریمی‌نیا، حسام‌الدین پورثابت، عبدالله بائی لاشکی، مصطفی سپهرنیا و جمعی دیگر از مدافعان حقوق بشر

ماهانامه حقوقی - اجتماعی خط صلح
صاحب امتیاز: مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

سر دبیر: سیمین روزگرد
دبیر ویراستاری: علی کلائی
مشاور حقوقی: محمد مقیمی
دبیر فرهنگی: رضا نجفی
ویراستار: نیما راهی
صفحه آرایی: غزل شکبیا

همکاران این شماره: نجات بهرامی، عزیز قاسم‌زاده، محمدعلی مهدی‌زاده، محمد خاکساری، احمد مدادی، نوید میهن‌دوست، رایحه مظفریان، نادر پورخانی، بهار عباسی، رادا مردانی، شریف حسن‌زاده، محمد ممندزاده، اسکندر لطفی، عزیزه انظاری، رامین کریمی‌نیا، حسام الدین پورثابت، مهرنوش نوع‌دوست، عبدالله بائی لاشکی، مصطفی سپهرنیا و مرتضی هامونیان.



اطلاعات تماس با ما:

Address:
12210 Fairfax Towne Center, Unit 911
Fairfax VA 22033
United State

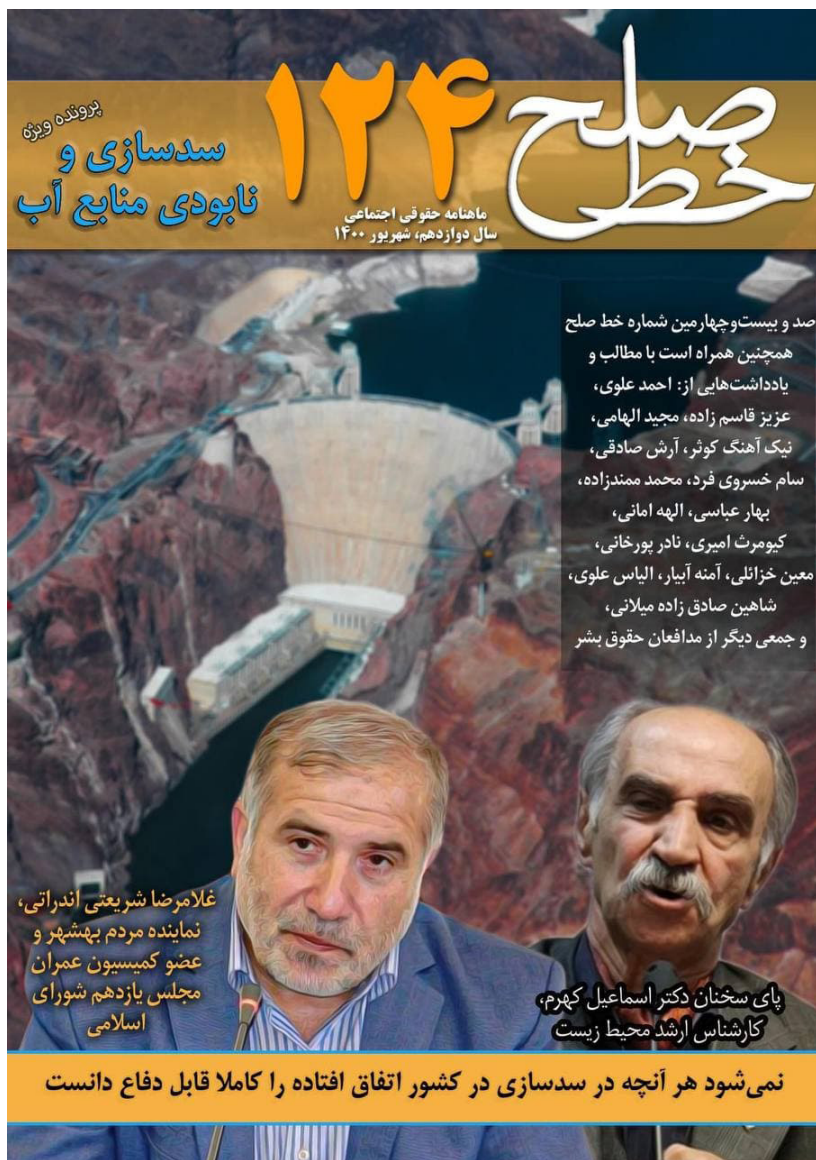
Phone: +1 (571) 223 54 06
Fax: +1 (571) 298 82 17
E-mail: editor@peace-mark.org
Web: www.peace-mark.org

ماهانامه خط صلح حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می‌دارد.
استفاده از مطلب خط صلح با ذکر منبع بلامانع است.

ISBN: 978-1-7332858-1-0

فهرست

- « برگزیده‌ی اخبار / ۴ »
- « جان‌هایی که پول می‌سازند / مهرنوش نوع‌دوست / ۶ »
- « شکستن چرخه‌ی خشونت؛ راه حلی پایدار برای جامعه‌ای بدون خشونت / عبدالله بائی لاشکی / ۹ »
- « شعر؛ نان و دندان / مصطفی سپهرنیا / ۱۲ »
- « پرده‌ی مندرس مرشدان / نوید میهن‌دوست / ۱۳ »
- « آغاز سال تحصیلی در اوج کرونا و مطالبات معلمان / بهار عباسی / ۱۷ »
- « کتاب درسی تابلوی تبلیغات حکومتی نیست / نجات بهرامی / ۲۰ »
- « رتبه‌بندی معلمان در گروگان سیاست / عزیز قاسم‌زاده / ۲۲ »
- « روز جهانی معلم؛ معلمان پیشرو در بحران / شریف حسن‌زاده / ۲۴ »
- « مصائب معلم بودن در دوران کرونا / محمد خاکساری / ۲۷ »
- « مدرسه در آغوش مهر / نادر پورخانی / ۳۰ »
- « کتاب درسی، حیاط خلوت تبلیغات ایدئولوژیکی / محمدعلی مهدی‌زاده / ۳۲ »
- « در کشور واکسن برای دانش آموزان موجود نیست؛ در گفتگو با حسین / ۳۷ »
- « بحران کرونا و نظام آموزشی / رادا مردانی / ۴۰ »
- « آسیب شناسی آموزش مجازی و مشکلات ایجاد شده برای معلمان / عزیزه انظاری / ۴۱ »
- « چالش‌های دولت رئیسی در آغاز سال تحصیلی و راه‌کارهای آن / رامین کریمی‌نیا / ۴۳ »
- « مقایسه‌ی تطبیقی شأن معلمی در ایران و سایر کشورها / محمد ممندزاده / ۴۵ »
- « مقایسه‌ی اجمالی تفاوت حقوق معلمان با سایر کارمندان / حسام‌الدین پورثابت / ۴۷ »
- « راهی جز کنش میدانی برای معلمان باقی نمانده؛ در گفتگو با اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان / گفتگو از علی کلائی / ۴۹ »
- « در ضرورت و فوریت بازگشایی حضوری مدارس / احمد مدادی / ۵۳ »
- « معرفی کتاب: گره / ۵۵ »



خوانندگان

□ شما چه گفته‌اید درباره...

روز جهانی صلح؛ مسئولیت مردم، جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر / آرش صادقی

مجدید الهامی در گفتگو با علی کلائی: احساس می‌کنیم طرحی وجود دارد که خوزستان آبادی و عمران نبیند

محبوبه گلشن: کاش در مورد اعتراضات خوزستان هم می‌پرسیدید. ما که آن‌جا زندگی نمی‌کنیم اصلاً خبر نداریم چی شد. اینترنت را قطع کردند. سرکوب کردند. مردم بی‌گناه را کشتند. آب چند تا سد را باز کردند. بعد تمام شد؟

عبدالله علیپور: این طرح‌ها برای کل استان‌هایی که زبانشان فارسی نیست وجود دارد. وضع کردستان و سیستان و بلوچستان و هرمزگان هم همین است. ما مردم را مخصوصاً بدبخت و گشنه‌نگه می‌دارند. ما برای دولت خطر به حساب می‌آییم. پول ما باید در استان‌های دیگر خرج شود. این‌ها را بگویید. مهم است. چرا تهران و اصفهان که بی‌آب می‌شوند همه جا غوغاست ولی خوزستان این همه سال بی‌آب است مردم هم دلشان نمی‌سوزد؟

صلح
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

محمدرضا دوستی: این که بعد از مدت‌ها مطلبی از آرش صادقی عزیز می‌خوانیم و او را آزاد می‌بینیم واقعاً دلچسب است. می‌شود به آینده امید داشت. اما روز جهانی صلح... اسم صلح که در خاورمیانه می‌آید، مثل این است که تمام جهان می‌خواهد با ما شوخی تلخی بکند. امسال این روز همزمان شده با پیشروی و یکه‌تازی طالبان در افغانستان. یک پله‌ی دیگر هم از صلح فاصله گرفتیم.

علی انظاری: درود بر آرش صادقی عزیز که بعد از این همه سال زندان و ستم هنوز هم مقاوم است و بر آرمان‌هایش پافشاری می‌کند. به راستی که اگر خواهان دنیایی عاری از خشونت و جنگ هستیم چاره‌ای جز مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن موازین حقوق بشر و پشت سر گذاشتن موانع آن پیش روی آن وجود ندارد.

□ برگزیده اخبار

- شعبه‌ی ۱۱۹ دادگاه کیفری اورمیه برای چند متهم در این شهرستان حکم جایگزین حبس ارائه‌ی رایگان خدمات محیط زیستی در منطقه‌ی پارک ملی دریاچه ارومیه صادر کرد.
- رئیس مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضاییه از رهایی ۵۸۳ محکوم به اعدام با رضایت اولیای دم در سال ۹۹ خبر داد.
- «محمدعلی منصوری»، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، پس از تحمل ۱۴ سال حبس، برای نخستین بار به مرخصی اعزام شد.
- افشای بی‌سابقه‌ی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های نظارتی زندان اوین، واکنش مسئولان و افکار عمومی را در پی داشت.
- شماری از معلمان کارنامه سبز از اواسط شهریورماه در تجمعات اعتراضی روزانه، خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.
- شماری از معلمان در استان‌های مختلف کشور در اعتراض به عدم اجرای طرح فوق‌العاده ویژه معلمان تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر وزارت آموزش و پرورش از وجود سه هزار و ۶۲۶ دانش آموز بازمانده از تحصیل در میان دانش آموزان عشایر خبر داد.
- وزیر آموزش و پرورش از ترک تحصیل ۲۵ درصد دانش آموزان کشور به دلیل نداشتن تلفن همراه خبر داد.
- نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از بیکار شدن بیش از ۲ میلیون کارگر ساختمانی فصلی فاقد بیمه، در ۱۸ ماه اخیر خبر داد.
- «بیژن عبدالکریمی»، دانشیار گروه فلسفه‌ی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، طی حکمی توسط این دانشگاه، از کار اخراج شد.
- دوازده تن از فعالین ترک (آذربایجانی)، طی

ابلاغیه‌ای الکترونیکی به شعبه‌ی دوم دادگاه انقلاب اردبیل احضار شدند.

● فرماندهی انتظامی دزفول از احضار و تشکیل پرونده برای مشارکت‌کنندگان در یک موزیک ویدئو خبر داد.

● دادستان عمومی و انقلاب یاسوج، از بازداشت یک شهروند در این شهرستان به دلیل آتش زدن مجسمه‌ی قاسم سلیمانی خبر داد.

● فرماندهی نیروی انتظامی گیلان از بازداشت ۷۹ شهروند در یکی از جنگل‌های این استان به دلیل آن‌چه «ترویج عرفان‌های نوظهور» عنوان کرده است، خبر داد.

● «امیرعباس آزمون»، روزنامه‌نگار و فعال کارگری توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در تهران بازداشت شد.

● در آستانه‌ی سالروز اعدام نوید افکاری، «سعید افکاری» برادر وی، در ورودی شهر شیراز توسط نیروهای لباس شخصی با ضرب و شتم بازداشت شد.

● «توماج صالحی»، خواننده‌ی رپ اعتراضی ساکن اصفهان، توسط نیروهای امنیتی در منزل خود بازداشت شد.

● «فرزانه زیلابی»، وکیل مدافع کارگران هفت تپه به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد.

● سه نوکیش مسیحی به نام‌های «امین خاکی»، «میلاد گودرزی» و «علیرضا نورمحمدی» مجموعاً به ۹ سال حبس محکوم شدند.

● «سوران شریفی»، شهروند اهل بوکان توسط دادگاه کیفری این شهرستان به هفت سال حبس محکوم شد.

● «محسن پریش»، شهروند اهل کرج که در ندامتگاه مرکزی این شهر محبوس است، به اتهام «سب النبی» محاکمه شد.

● «خالد پیرزاده»، زندانی سیاسی تبعیدی در زندان شیبان اهواز علی‌رغم حال نامساعد جسمانی، از نزدیک به یک ماه قبل در اعتصاب غذا به سر می‌برد.

● «نصرالله لثنی»، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، در اعتراض به «عدم استقلال قوه قضائیه» و «سلطه‌ی بازجوها بر زندگی و سرنوشت متهمین و زندانیان سیاسی» دست به اعتصاب غذا زد.

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

● ۷ تن از بازداشت شدگان اعتراضات بهبهان، در اعتراض به تمدید قرار بازداشت خود، دست به اعتصاب غذای جمعی زدند.

● فرماندار شهرستان راور، از مرگ یک کارگر بر اثر ریزش معدن زغالسنگ هجدک واقع در استان کرمان خبر داد.

● بر اثر ریزش قسمتی از کارگاه استخراج شرکت معدنچو از توابع شهرستان طبس، دو کارگر معدن جان خود را از دست داده و مصدوم شدند.

● یک سرباز در پادگان نیروی هوایی ارتش قدس تهران از طریق حلق آویز کردن دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد.

● یک معلم در استان فارس به نام «غلام عباس یحیی‌پور» به دلیل مشکلات معیشتی از طریق حلق آویز کردن دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد.

● یک مرد ۸۰ ساله در تهران توسط دو فرد که سوار بر موتور بودند، هدف اسیدپاشی قرار گرفت و از ناحیه‌ی صورت و دست‌ها دچار سوختگی شد.

● یک دختر قربانی کودک-همسری به نام «مینا سوری» ۱۴ ساله، اهل بخش سوری استان لرستان با انگیزه‌ی ناموسی توسط یکی از اعضای خانواده‌ی خود به قتل رسید.

● بخش‌هایی از آرامستان بهاییان (گلستان جاوید) در روستای کتا از توابع در شهرستان دنا واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت شبانه تخریب شد.

● «شوکت قربانی» اهل نودشه واقع در استان کرمانشاه، در مناطق مرزی هورامان هنگام کولبری بر اثر ایست قلبی جان باخت.

● در پی تیراندازی نیروهای نظامی در شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان، سوختبری به نام «خداداد شهنوازی (مهیم زهی)» کشته شد.

● با تیراندازی نیروهای انتظامی در زاهدان، یک سوختبر به نام «دادالله کیازهی» کشته شد.

● کولبری به نام «سیروان گلزاری» اهل روستایی از توابع شهرستان مریوان، با تیراندازی مستقیم ماموران امنیتی کشته شد.

● بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی در مناطق مرزی بانه، کولبری به نام «محمدامین قادری» کشته شد.

● با شلیک مستقیم نیروهای نظامی در مناطق مرزی شهرستان بانه، کولبری به نام «رسول کریمی» کشته شد.

● «محمدخالد عبدالله‌زاده» کولبر اهل پیرانشهر در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی در مناطق مرزی کشته شد.

● در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی در مناطق مرزی شهرستان سردشت، یک کولبر به نام «امید محمدزاده» به قتل رسید.

● «اکبر خرم‌مدین»، پدر بابک و آرزو خرم‌مدین که متهم به قتل دو فرزند و دامادش است، در پی رضایت اولیای دم داماد این خانواده از مجازات سنگین در امان خواهد ماند.

● سپاه بیت‌المقدس کردستان، از کشته و زخمی شدن چند تن توسط نیروهای این نهاد امنیتی تحت عنوان «ضد انقلاب» در شهرستان سروآباد خبر داد.

● سه متهم در شهرستان نقده واقع در استان آذربایجان غربی با دستور دادستان این شهرستان، برخلاف اصل حفظ کرامت انسانی توسط نیروی انتظامی در خیابان‌های این شهرستان گردانده شدند.

● چند متهم در خرم‌آباد برخلاف اصل حفظ کرامت انسانی توسط نیروی انتظامی در خیابان‌های این شهر گردانده شدند.

● دو مرد تبعه‌ی کشور چین که چندی پیش در پی انتشار تصاویری از دختران ایرانی در کاشان بازداشت شده بودند، با حکم دادگاه کیفری به تحمل ضربات شلاق در کنار سایر مجازات‌ها محکوم شدند.

● سخنگوی قوه‌ی قضاییه از صدور حکم مجموعاً بیش از ۵۹۰ ضربه شلاق در کنار سایر مجازات‌ها برای ۸ متهم اقتصادی خبر داد.

● «اسماعیل گرامی»، فعال کارگری، به ۵ سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق و دو میلیون تومان جریمه‌ی نقدی محکوم شد.

● یک زندانی به نام «علی‌مردان بلندگرامی» که با وجود نبود دلایل کافی و تنها با اجرای مراسم قسامه از بابت اتهام قتل به اعدام محکوم شده بود، در زندان یاسوج اعدام شد.

● «یاسر منگوری»، شهروند اهل پیرانشهر که به اتهام «همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام» در بازداشت بود، به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد.



عکس از تجارت نیوز

اجتماعی

□ جان‌هایی که پول می‌سازند

گزارش میدانی از روند درمان کرونا در ایران



مهرنوش نوع دوست
روزنامه‌نگار

عنوان تب‌بر و چرک‌خشک‌کن دریافت می‌کند. بعد از سه روز علائم شدیدتر و بی‌اشتهایی، از دست‌دادن بویایی و چشایی، حالت تهوع و ضعف به حالت‌های بیمار اضافه می‌شود. بیمار دوم مردی شصت‌ساله و بیمار سوم دختری پانزده‌ساله است که در تماس با بیمار اول بوده‌اند و از روز سوم درگیری بیمار اول، علائمشان آغاز می‌شود. پزشک عمومی همان نسخه‌ی اول را برای بیمار دوم هم تجویز می‌کند، اما برای بیمار سوم علاوه بر آن نسخه‌ی داروی «هیدروکسی کلروکین» هم داده می‌شود.

علامت‌های بیماری در سه روز نخست برای هر سه بیمار به شکل ضعیف و متوسط بروز می‌کند و از روز چهارم شدت می‌گیرد. با حادث شدن وضعیت، بیمار اول در روز پنجم به یک بیمارستان دولتی حوالی میدان ونک تهران مراجعه می‌کند که بعد از سه ساعت معطلی در انتظار پزشک عمومی نتیجه‌ای نمی‌گیرد و در نهایت بعد از تماس‌های مکرر با بیمارستان‌های مختلف برای انجام سی‌تی‌اسکن ریه و ویزیت دوباره به بیمارستانی خصوصی در خیابان مطهری می‌رود. پزشک اورژانس در آن بیمارستان هر دو بیمار اول و دوم را می‌بیند. التهاب و درگیری کم ریه برای بیمار اول تشخیص می‌دهد و برای هر دوی آن‌ها نسخه‌ای شبیه به هم با داروهای سنگین‌تری تجویز می‌کند. بیماران بعد از مراجعه به بیمارستان قرص «فاوپیرواویر» با دُز بالای هشت قرص در روز اول و سه قرص در روزهای بعد، «پردنیزولون» به عنوان کورتون و ضد التهاب، چرک‌خشک‌کن «داکسی سایکلیلین»، قرص معده «فاموتیدین» و داروهای دیگری

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

واکسن کرونا در سایه‌ی جمهوری اسلامی دیر به ایران رسید و موج پنجم شدیدتر از موج‌های قبلی و در کم‌تر از یک ماه همه‌ی کشور را درگیر کرد، اما به جز اهمال در واکسیناسیون مسئله‌ی دیگری که حکومت در بحرانی شدن آن نقش دارد، درمان کرونا است. روند درمان کرونا در ایران بدون توجه به پروتکل‌های داخلی و جهانی و تحت تاثیر مافیای دارو به مسیر پیچیده و سختی برای بیماران بدل شده. هر پزشک و بیمارستانی رویه‌ی خود را دارد و بسته به تجربه‌ی شخصی برای بیمار درمانی تجویز می‌کند که گاهی منجر به وخیم‌شدن حال او می‌شود. این گزارش تجربه‌ی نزدیک و میدانی از روند درمان سه بیمار کرونایی با حال وخیم است.

پنج روز اول

بیمار اول زنی چهل‌وهفت‌ساله است که روز اول با علائم تب، گلودرد و سرفه به پزشک عمومی مراجعه و داروهای «ناپروکسن» و «دیفن‌هیدرامین» هر کدام برای بدن‌درد، گلودرد و سرفه، «استامینوفن» و «آزیترومایسین» به

را طبق دستور شروع می‌کنند. هم‌چنین اسکن ریه، دریافت جواب اسکن و ویزیت پزشک اورژانس دو ساعت‌ونیم دیگر طول می‌کشد و در آخر بیماران با حال نسبتاً وخیم به خانه فرستاده می‌شوند.

پنج روز دوم

علائم بیمار سوم از روز پنجم بیماری کم‌تر می‌شود. تب قطع می‌شود و حال عمومی او رو به بهبود می‌رود، اما علائم در دو بیمار دیگر شدیدتر می‌شود. بیمار دوم از همان روز دچار التهاب تنفسی و افزایش تب می‌شود، اما حال عمومی بهتری نسبت به بیمار اول دارد. بیمار اول که روز هشتم را آغاز می‌کند هم دچار تنگی نفس شدید و افت اکسیژن می‌شود. بعد از حمله‌ی تنفسی اورژانس تهران برای بازدید بیمار اول به محل سکونت او مراجعه می‌کند و با توجه به شلوغی و بحرانی بودن وضعیت بیمارستان‌ها از انتقال بیمار به بیمارستان خودداری می‌کند. دکتر اورژانس پیشنهاد می‌دهد دستگاه اکسیژن‌ساز یا کپسول اکسیژن برای بیماران تهیه و سرم‌تراپی برای هر سه بیمار آغاز شود. بعد از پیگیری‌های متعدد از شرکت‌های خصوصی خدمات درمانی و تماس با بیمارستان‌های مختلف پزشک عمومی برای ویزیت دوباره‌ی بیماران به منزل آن‌ها مراجعه می‌کند. پزشک برای آن‌ها سرم، ویتامین سی تزریقی، «دگزامتازون» تزریقی و چرک‌خشک‌کن دیگری با نام «سفت‌ریاکسون» تجویز می‌کند و به این صورت بیماران وارد پروسه‌ی تهیه سرم و دستگاه اکسیژن‌ساز می‌شوند. ویزیت و تزریق سرم و دارو در خانه برای هر نفر روزانه پانصد هزار تومان هزینه داشت.

تهیه‌ی سرم و دستگاه اکسیژن‌ساز آغاز بحران برای این بیماران بود. تنها پنج داروخانه‌ی دولتی در سطح تهران با نسخه پزشک متخصص به بیماران سرم می‌دادند. سرم اما در بازار آزاد به وفور پیدا می‌شد؛ فقط کافی بود آشنایی در داروخانه‌ی خصوصی وجود داشته باشد تا بتوان سرم سی‌هزار تومانی را با قیمت صد تا صد و بیست هزار تومان آن هم به شکل پنهانی و دور از چشم مشتریان داروخانه تهیه کرد. این موضوع برای ویتامین سی تزریقی و ویتامین ب-کمپلکس نیز صدق می‌کرد. از طرفی خرید دستگاه اکسیژن‌ساز مبلغی حدود صد میلیون تومان تمام می‌شد. کپسول اکسیژن بزرگ با قیمت چهار میلیون تومان نایاب بود و برای تهیه‌ی آن باید ساعت‌ها در سطح شهر و صف‌های طولانی وقت گذاشته می‌شد. تنها گزینه‌ی ممکن فوری اجاره‌ی دستگاه اکسیژن‌ساز بود که ماهیانه سیزده میلیون تومان هزینه داشت. باید در نظر داشت این بیماران امکان مالی و ارتباطی تهیه سرم و دستگاه اکسیژن‌ساز را داشتند و توانستند این امکانات را بعد از چند ساعت مهیا کنند.

فردای آن‌روز هر سه بیمار به مطب یک متخصص عفونی

مراجعه می‌کنند. این پزشک همه‌ی داروها را قطع و استفاده از دستگاه اکسیژن‌ساز و سرم‌تراپی همراه با ویتامین‌های تزریقی و زینک خوراکی تجویز می‌کند. تب بیمار اول بعد از دریافت سرم قطع می‌شود و حالش از روز دهم بیماری رو به بهبود می‌رود؛ هم‌چنین علائم بیمار سوم به جز ضعف و بی‌حالی بعد از سرم قطع می‌شود، اما بیمار دوم با گذشت ده روز از مریضی هم‌چنان تب، لرز و تنگی نفس شدید داشته و حالش وخیم‌تر می‌شود. لازم به ذکر است که این بیمار یک ماه قبل از ابتلا یک دُز واکسن «سینوفارم» دریافت کرده بود؛ هم‌چنین زن و دختر از خوردن و تزریق کورتون‌ها خودداری کردند، اما مرد به علت سابقه‌ی آلرژی و آسم همه‌ی داروهای تجویزی را مصرف کرده بود.

این سه بیمار در ده روز اول بیماری با توجه به تجویزهای مختلف پزشکان و شرایط بحرانی درمان در پیک پنجم و هم‌چنین استفاده از نظرات دیگران که در زمینه‌ی کرونا تجربه داشتند، به شدت دچار سردرگمی و استیصال شدند. هیچ دستورالعمل مشخص و ثابتی در برخورد با سوبه‌ی دلتا وجود نداشت و پیگیری‌های متعدد به جای آن‌که نگرانی آن‌ها را کم کند یا راه‌حل مشخصی در برابرشان بگذارد، بیش‌تر آن‌ها را مضطرب می‌کرد.

پنج روز سوم

بیمار دوم روز دوازدهم را با حال بسیار وخیمی آغاز می‌کند؛ در حالی که در دو نفر دیگر بیماری افت کرده و علائم بهبودی ظاهر می‌شود. او دوباره به پزشک عفونی مراجعه می‌کند و برای سی‌تی‌اسکن مجدد ریه و آزمایش خون فرستاده می‌شود. روند انجام سی‌تی، آزمایش و دریافت جواب آن‌ها یک روز دیگر طول می‌کشد و بیمار در روز سیزدهم با درگیری چهل درصدی ریه -به گفته‌ی متخصص عفونی- نسخه‌ی داروی «رمدسویر» دریافت می‌کند. بیمار که از عوارض این دارو نگران بوده، بعد از دریافت نسخه به دکتر متخصص ریه هم مراجعه می‌کند و در آخر بعد از چند ساعت معطلی در شلوغی مطب‌ها با دستور پزشک ریه برای بستری به بیمارستان فرستاده و پیگیری برای یافتن بیمارستانی با تخت خالی دوباره از سر گرفته می‌شود. بیمارستانی خصوصی در غرب تهران با شرط این که بستری و درمان حدود دویست میلیون تومان هزینه برمی‌دارد، اعلام پذیرش می‌کند. در آخر بیمار توسط بستگان و آشناهایی که داشت در اورژانس بیمارستان دولتی در خیابان پاسداران بستری می‌شود. پروسه‌ی بستری تا نیمه‌شب روز سیزدهم طول می‌کشد. مسئول تریاژ بیمارستان، پزشک عمومی و دستیار اورژانس هر کدام بیمار را معاینه می‌کنند. بیمار در این بین با حال وخیم روی صندلی راهروی بیمارستان اکسیژن می‌گیرد و بعد از دو ساعت به قسمت اورژانس منتقل می‌شود. پزشک

عفونی اورژانس بیمارستان ابتدا از تزریق «رمدسویر» برای بیمار با این علت که تزریق این دارو از روز دهم به بعد جزو پروتکل‌های این بیمارستان نیست، خوداری می‌کند و در آخر با اصرار همراه بیمار و قبول مسئولیت آن دارو برای بیمار تزریق می‌شود. بیمار سه روز در اورژانس در کنار بیماران غیرکروناوی و کروناوی بستری بود و بعد به بخش منتقل شد.

هر پرستار اورژانس مسئولیت چهار تا شش بیمار را بر عهده داشت. ویزیت بیماران اکثراً توسط آنترن‌ها انجام می‌شد و پزشکان متخصص شیفت یک یا نهایتاً دو بار به اورژانس سر می‌زدند. بیماران غیرکروناوی که اکثراً پیوند عضو داشتند، در کنار بیماران کرونایی نگهداری می‌شدند. اورژانس لحظه‌ای

خلوت نمی‌شد و خیلی از بیماران نوبتی از مانیتور ضربان قلب و دستگاه اکسیژن‌سنج استفاده می‌کردند. گاهی حتی برای پتو میان بیماران، همراهان و خدمه دعوا می‌شد.

کرونا؛ تجارت یا بیماری؟

سیر وقایعی که برای این سه بیمار رخ داد، مشتی نمونه‌ی خروار است که سوال‌های زیادی در پی دارد. چرا درمان کرونا در ایران پیچیده شده؟ چرا کادر درمان یا سیستم بهداشت و درمان در ایران از پروتکل مشخصی تبعیت نمی‌کند؟ چرا کادر درمان در روند این بیماری از بیماران سردرگم‌ترند؟ آیا پروتکل واحدی وجود دارد؟ اگر وجود دارد، چرا از آن استفاده نمی‌شود؟ آیا پزشکان پروتکل‌ها را می‌خوانند؟ آیا پروتکل‌ها در ایران مطابق پروتکل‌های جهانی است و به روز می‌شود؟ آیا ایران از تجربه‌ی کشورهای دیگر برای درمان کرونا استفاده می‌کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای هر فردی که در ایران به کرونا مبتلا می‌شود، متفاوت و متناقض است؛ مثلاً یکی از متخصصان عفونی در برخورد با این سوال که طبق پروتکل دارو می‌نویسد یا نه، می‌گوید: «پروتکل خود منم». یا پزشکی به بیمارانش نسخه‌ای طبق پروتکل داده و بیمار قبول نکرده و اصرار داشته داروهایی که خودش می‌گوید، برایش تجویز شود، اما چیزی که تجربه‌ی بیماران بررسی‌شده نشان می‌دهد، حاکی از آن است که بخشی از کادر درمان مثل پرستاران فشار حداکثری را تحمل می‌کنند و بخش

دیگری دست در دست حکومت و مافیای دارو بیماران را به سمت مرگ سوق می‌دهند. درمان کرونا در ایران به تجارت بدل شده؛ قسمت اعظمی از بخش خصوصی درمان هزینه‌های گزاف و سنگینی روی دست بیماران می‌گذارد و بخش دولتی هم با کمبود امکانات از عهده‌ی درمان خارج از ظرفیتش برنمی‌آید.

با آغاز موج پنجم تبلیغ گسترده‌ای برای تزریق داروی «رمدسویر» و مصرف «فاویراویر» در فضای مجازی شروع شد. خیلی از پزشکان و داروسازان شروع به تبلیغ این داروها کردند؛ حتی برخی پزشکان برای درگیری پنج‌درصدی ریه هم این دارو را تجویز می‌کردند. چند هفته بعد خبر هزینه‌ی یک میلیارد یورویی



عکس از ایرنا

از صندوق توسعه‌ی ملی برای درمان کرونا بیرون آمد و معلوم شد داروهای تهیه‌شده باید به هر طریق ممکن توسط بیماران استفاده شود تا این هزینه توسط مردم به صندوق توسعه یا جیب مافیا بازگردد.

همه‌ی این موارد فضای بی‌اعتمادی جامعه را نسبت به حکومت و کادر درمان بیشتر می‌کند. مسلماً بخشی از مردم از قبل به حکومت اعتماد نداشتند، اما بحران کرونا باعث شد کادر درمان در میان مردم تکریم شود و شاید نقطه‌ی اتکای مردم باشد. این اتکا و اعتماد در این دو سال رنگ باخت و امروز گروهی از مردم که درگیر کرونا شده‌اند، دیگر به کادر درمان و مخصوصاً پزشکان بی‌اعتمادند. در بحران اخیر موارد بسیار زیادی از بیماران به جای اعتماد به سیستم بهداشت و درمان ترجیح دادند در خانه بمانند و خوددرمانی کنند که مسائل فاجعه‌باری را هم تجربه کردند. بخشی از بیماران هم یا برای تهیه‌ی مایحتاج درمان کرونا قربانی بی‌پولی شدند یا خودشان را بی‌هیچ سوالی به دست پزشکانی سپردند که از این بازار سود می‌برند.

روند واکسیناسیون تسریع و موج پنجم نزولی شده، اما چیزی که به جا مانده خانواده‌هایی داغ‌دار، مردمی خسته و بیمارانی بهبودیافته با عوارض داروهای بی‌حد و اندازه است. احتمالاً روزی در ایران کرونا هم به پایانش نزدیک می‌شود، اما آسیب‌های سوءمدیریت آن تا سال‌ها ادامه خواهد داشت.



INTERNATIONAL DAY OF 02 OCTOBER NON-VIOLENCE



عکس از مرکز مطالعاتی آی‌ای‌اس

انلیشه

□ شکستن چرخه‌ی خشونت؛ راه حلی پایدار برای جامعه‌ای بدون خشونت

به مناسبت ۲ اکتبر، روز جهانی عدم خشونت

به عنوان یک روی‌داد مستقل یا به عنوان یک اثر دیگر از آسیب‌های جسمی یا روانی در ایران رواج پیدا کرده، غافل شد که چه‌بسا در برخی از موارد اثراتی به مراتب ماندگارتر از خشونت‌های فیزیکی دارند. این شکل از خشونت ذهن و روح قربانیان خشونت را هدف قرار می‌دهد. موضوع مهم دیگر در خصوص خشونت که کمتر به آن پرداخته شده، رابطه‌ی بین خشونت و نفوذ است. تأثیرات منفی ایجادشده در قالب تنبیه‌های مختلف نیز به دلیل این‌که شخص با گروهی انجام آن عمل را شایسته‌ی تنبیه می‌دانند، می‌تواند در زمره‌ی انواع خشونت قرار گیرد. در مقابل مواقعی وجود دارد که تأثیر مثبت به عنوان پاداشی برای انجام کاری که شخص

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

عبدالله بائی لاشکی
دانشجوی دکترای حقوق بشر



امتناع از به کارگیری خشونت را می‌توان به عنوان ابتدایی‌ترین تعریف از عدم خشونت بیان کرد. این در حالی است که باید به درستی اعتراف کرد که خشونت در اشکال مختلف وجود دارد. روی‌کردهای مختلف علمی در زمینه‌ی عدم خشونت به این مسأله اذعان می‌کنند که انواع مختلفی از خشونت وجود دارد. بارزترین نوع خشونت که به صورت عریان در بسیاری از جوامع — خصوصاً ایران — دیده می‌شود، خشونت فیزیکی است که معمولاً به صورت صدمه‌ی جسمی به شخص یا اشخاصی ظاهر می‌شود؛ اما نباید از خشونت روانی که این روزها

یا گروهی آن را درست تلقی می‌کنند نیز به دلیل مجبور کردن دیگران به اعمال خشونت می‌تواند در زمره‌ی انواع خشونت قرار گیرد. خشونت عریان که می‌توان در دسته‌بندی انواع خشونت آن را در دسته‌ی خشونت شخصی قرار داد، توسط یک بازیگر قابل شناسایی آغاز می‌شود و تهدیدی برای زندگی، نیازهای اساسی یا رفاه شخص یا گروه دیگر است. خشونت عریان معمولاً به راحتی قابل تشخیص است که ممکن است رسیدگی به آن را آسان‌تر کند. در مقابل موضوعی که در ایران بسیار با آن روبه‌رویم، خشونت ساختاری است که توسط یک بازیگر خاص انجام نمی‌شود، بلکه در عوض توسط یک ساختار اعمال می‌شود. نمونه‌ی بارز آن را در سیستم حقوقی ناعادلانه‌ی ایران می‌توان مشاهده کرد که مجازات‌های خشونت‌آمیزی برای تخلفات جزئی یا قوانین از نظر اخلاقی مشکوک اعمال می‌شود؛ علاوه بر این در ایران گاهی خشونت فرهنگی که با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی آمیخته شده، بروز می‌کند. اعمال خشونت‌های ساختاری و فرهنگی توسط گروه‌های اجتماعی خاص یا در مقیاس بزرگ‌تر طبقه‌ی حاکمی که مشروعیت مردمی را با خود همراه ندارد، توزیع نابرابر قدرت یا منابع را حفظ می‌کند و منجر به شانس‌های نابرابر زندگی در جوامع تحت خشونت ساختاری می‌شود.

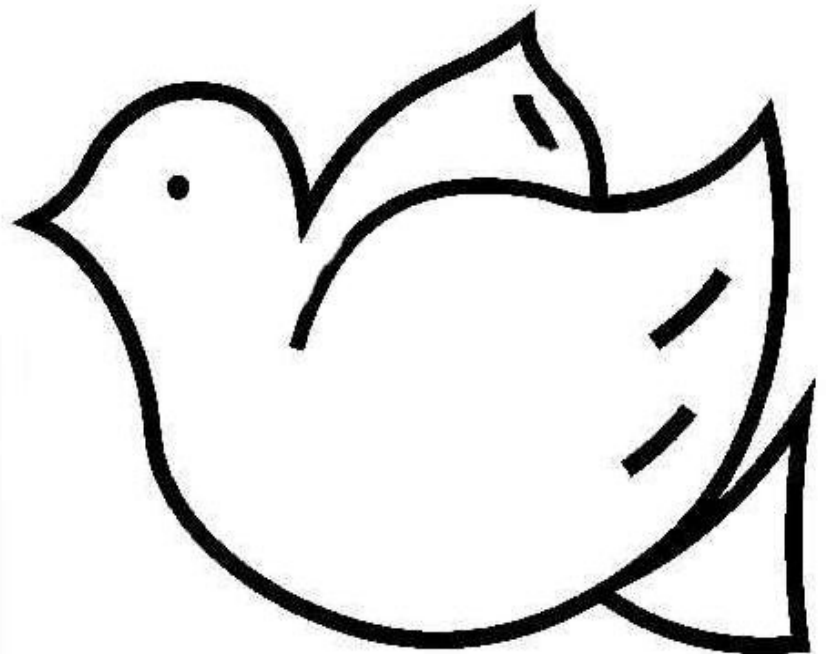
با توجه به این‌که خشونت‌های ساختاری معمولاً غیرمستقیم‌اند و به لحاظ فرهنگی به مردم قبولانده شده‌اند، شناسایی و پرداختن به آن‌ها کمی دشوار است. در خصوص مثال‌های عینی این خشونت‌ها می‌توان به مواردی چون تبعیض علیه ساکنان بهایی ایران یا دگرپاشان اشاره کرد. در مقابل در میان گروه‌های حقوق بشری یا کنش‌گران اجتماعی عدم خشونت یک کلمه‌ی غالباً مورد بحث است، اما به ندرت تعریف جامه‌ای از آن ارائه شده. بحث‌هایی که در خصوص عدم خشونت در ایران صورت گرفته، عدم خشونت را در چارچوبی منفی و مثبت معرفی می‌کنند. عدم خشونت در ساختار منفی به فقدان خشونت مستقیم اشاره دارد؛ اگرچه فقدان خشونت امری مطلوب تلقی می‌شود، اما کمکی به دستیابی

به عدالت اجتماعی یا توزیع عادلانه‌ی قدرت و منابع در ایران نمی‌کند. از سوی دیگر عدم خشونت مثبت به عدم وجود خشونت ساختاری و فرهنگی اشاره دارد؛ بنابراین عدم خشونت مثبت در حضور عدالت اجتماعی و برابری قابل مشاهده خواهد بود. با در نظر گرفتن هر دو تعریف منظور از عدم خشونت موضوعی دوگانه است: عدم وجود خشونت مستقیم و وجود عدالت اجتماعی.

عدم به رسمیت شناختن گسترده‌ی خشونت در ایران توسط قدرت حاکمه واکنش‌های انفعالی و مخالفت‌های خشونت‌آمیز را به عنوان دو واکنش به تهدید و خشونت رواج داده، اما برخی کنشگران اجتماعی عدم خشونت فعال را راه‌حل سومی برای مقابله با خشونت معرفی می‌کنند. از نظر این گروه اگرچه واکنش‌های انفعالی در ایران خشونت‌آمیز به حساب نمی‌آیند، اما از پرداختن به تهدید اجتناب می‌کند؛ بنابراین انفعال می‌تواند به صورت تسلیم ظاهر شود که گریبان‌گیر اکثریت جامعه ایران شده. در مقابل رویارویی با خشونت از طریق خشونت متقابل می‌تواند به صورت انتقام، شورش مسلحانه یا شورش خشونت‌آمیز ظاهر شود که خود در موارد زیادی سبب خشونت‌های عریان‌تر گروهی شده؛ هرچند این نگاهی خوش‌بینانه است و با توجه به خشونت افسارگسیخته‌ی طبقه‌ی حاکم امکان اجرایی شدن آن در ایران غیرعملی به نظر می‌رسد، راه عدم خشونت فعال، راه سوم برای رسیدن به جامعه‌ای عاری از خشونت است. برخلاف تصورات «عدم خشونت فعال» منفعلانه نیست؛ عدم خشونت فعال پاسخی فعال است که مستقیماً تهدید را برطرف می‌کند و قدرت تبدیل مخالفان به متحدان را دارد. عدم خشونت فعال در ایران می‌تواند به صورت عدم همکاری، مداخله، اعتراض و ایجاد سیستم‌های جای‌گزین نوین اجتماعی در ایران ظاهر شود. علاوه بر این موفقیت عدم خشونت فعال در ایران نیاز به خلاقیت، نظم، شجاعت و قدرت دارد. خلاقیت و نظم و انضباط برای هدایت خشم از بی‌عدالتی به سمت ایجاد فرصت‌هایی است که چرخه‌های خشونت را مختل و در مقابل ساختار خشونت‌گرا

ایستادگی می‌کند. برای کنترل ترس و استقامت در مواجهه با بی‌عدالتی، شجاعت و قدرت لازم است؛ به خاطر همین ویژگی‌هاست که گاندی عدم خشونت را سلاح قوی‌ها و خشونت را سلاح افراد ضعیف می‌نامد. همان‌طور که مهاتما گاندی گفت: «عدم خشونت بزرگ‌ترین و فعال‌ترین نیروی جهان است. این نیرویی است که از الکتریسیته مثبت‌تر و حتی از اتر قوی‌تر است».

عدم خشونت اصولی در ایران می‌تواند با انگیزه یا تعهد اخلاقی یا مذهبی همراه باشد. هدف آن تغییر روابط و مخالفان از طریق اقدامات مستقیم بدون خشونت است تا افراد مورد ظلم و استثمار قرار نگیرند. اطمینان از تداوم بین ابزارها و اهداف جزء کلیدی عدم خشونت اصولی است. این امر مستلزم استفاده از ابزارهای غیرخشونت‌آمیز برای دستیابی به اهداف غیرخشونت‌آمیز است؛ به عنوان مثال این شامل تمایل به تحمل — و نه تحمل رنج — و به دنبال تغییر دشمنان است. عدم خشونت اصولی قدرت خود را از ثبات آن می‌گیرد و عدم خشونت به عنوان یک شیوه‌ی زندگی تلقی نمی‌شود.



نمونه‌هایی از کمپین‌های اصولی عدم خشونت در ایران وجود ندارد، اما در خارج از ایران می‌توان به جنبش حقوق مدنی ایالات متحده و جنبش مردم در ایرلند شمالی اشاره کرد. عدم خشونت تاکتیکی که

به عنوان عدم خشونت عملی نیز شناخته می‌شود، ماهیت فایده‌گرایی دارد. هدف آن دستیابی به اهداف خاص و شکست دشمنان از طریق اقدامات مستقیم بدون خشونت است. عدم خشونت تاکتیکی خشونت فیزیکی را مؤثر یا غیرعملی می‌داند. عدم خشونت تا زمانی که مؤثر و کاربردی باشد، ترجیح داده می‌شود و قرار نیست به عنوان یک شیوه‌ی زندگی تلقی شود. یکی از نکاتی که باید به آن توجه داشت، این است: به دلیل این‌که عدم خشونت تاکتیکی همیشگی نیست و با توجه به نگاه به قدرت در میان مردم ایران، ممکن است مردم پس از به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی قابل توجه تعهد خود به عدم خشونت را کنار بگذارند. اقدامات بدون خشونت را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

مقاومت مدنی شامل اعتراض و اقناع بدون خشونت، عدم همکاری با سیستم‌های ظالمانه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین ایجاد نهادهای موازی اجتماعی است. مقاومت مدنی ممکن است منجر به ایجاد صلح شود، طرفین درگیری را به توافق برسانند یا منجر به سرنگونی رژیم یا سرنگونی قوانین و سیاست‌های ظالمانه شود. دفاع مدنی شامل ایجاد و حفظ ساختارهای دموکراتیک در برابر تهاجم، کودتا و دیگر تهدیدهاست. دفاع مدنی عمدتاً حوزه‌ی ایجاد صلح، توسعه‌ی ابزارهایی برای تغییر ساختارها، سیستم‌ها و سیاست‌های ناعادلانه و همچنین حل تنش‌ها، اختلافات و درگیری‌ها بدون توسل به خشونت را در بر می‌گیرد. تمرین استقرار تیم‌های غیرنظامی آموزش‌دیده و غیرمسلح قبل، در حین یا بعد از درگیری‌های خشونت‌آمیز یکی دیگر از راه‌حل‌هاست. هدف از این کار پیش‌گیری یا کاهش خشونت، حمایت مستقیم فیزیکی از مردم غیرنظامی تحت تهدید و تقویت یا ایجاد زیرساخت‌های صلح محلی مقاوم است. با توجه به شرایط موجود در ایران اقدامات ارائه‌شده به نظر خوش‌بینانه است، اما می‌توان به عنوان یک نقشه‌ی راه برای ترویج عدم خشونت به آن توجه داشت؛ البته موضوعی که باید در نظر داشت، آمادگی جامعه برای پذیرش موارد مورد اشاره است.

دندان برای آدم بی نان چه فایده؟
نان در زمان غیبت دندان چه فایده؟

بر آن که بند بند وجودش گرسنه شد
توصیفِ خوانِ روضه‌ی رضوان چه فایده؟

با مادری که طفلِ صغیرش گرسنه است
حرف از حجاب و پاکیِ دامن چه فایده؟

از خوانِ بی بضاعت هر مردِ بی نوا
امیدِ هفت سینِ بهاران چه فایده؟

امروزه درد دارم و درمانم آرزوست
درمانِ بعدِ پر زدن جان چه فایده؟

وقتی گُلویِ گل ز عطش خشک می‌شود
بارانِ بعدِ مرگِ گلستان چه فایده؟

با تیغِ آب دیده‌ی مشاطه‌های شهر
صحبتِ زِ رقصِ مویِ پریشان چه فایده؟

با آن تبر که قاصدِ مرگِ صنوبر است
رفتن به سویِ جنگل و بستان چه فایده؟

با هیزمی که آتشِ نمرود را فروخت
گفتنِ زِ داغِ شعله‌ی پنهان چه فایده؟

کو عادل‌ی که بارِ عدالت به دوش داشت؟
بی عدل و داد، دفتر و دیوان چه فایده؟

وقتی که عدل، در تله‌ی مصلحت فتاد
بنیادِ میزِ قاضی و میزان چه فایده؟

کشتی شکستگان به دریا فتاده را
ساحلِ زِ بعدِ خفتنِ طوفان چه فایده؟

وقتی هزار مرتبه چوپان دروغ گفت
فریادِ گرگِ آمدِ چوپان چه فایده؟

وقتی که در سپهرِ عدالت سحاب نیست
چشم انتظارِ رحمتِ باران چه فایده؟

شعر

□ نان و دندان



شعری از مصطفی سپهرنیا



عکس از ایسنا

فرهنگی

□ پرده‌ی مندرس مرشدان

یادداشتی در قهقرای سینمای امروز ایران

به کلام بهتر هدایتی‌ست که توسط حاکمیت بر این پدیده فراگیر اعمال شده (عامدانه از عنوان «هنر» برای سینما پرهیز می‌کنم چون آن را بیشتر صنعتی می‌دانم که از ابتدای پیدایشش برای سرگرمی مردم پدید آمده؛ ولی از این مطلب درمی‌گذرم چون می‌دانم بحثی طولانی و چالش‌برانگیز می‌طلبد).

متخصصان جامعه‌شناسی به خوبی می‌دانند که هر پدیده‌ای که با توده‌ی مردم در ارتباط باشد و توان تأثیرگذاری فراگیر بر جامعه را داشته باشد، به‌سرعت مورد توجه حاکمان سیاسی قرار می‌گیرد که طبیعتاً سینما نیز چنین بوده.

در ایران ورود سینما در اواخر دوران قاجار رخ داده که سال‌های ابتدایی عمرش را صرفاً در دربار طی کرده و سپس همراه سیل عظیم تجدد و مدرنیته در اوایل دوران پهلوی به میان توده‌های مردم می‌آید و از یک پدیده‌ی خاص و اشرافی

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



نویسنده و کارگردان
نویدمیه‌ن دوست

سینمای ایران از بدو تولدش تاکنون مسیر پرتلاطمی را سپری کرده؛ از میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی و خان‌بابا معتضدی که اولین فیلم‌ها را در این کشور فیلم‌برداری کردند و اوانس اوگانیانس که اولین فیلم صامت سینمای ایران را ساخت، تا زمانه‌ی حال که دیگر همه‌چیز از جمله نمایش و اکران فیلم‌ها دیجیتالی شده و حتی به علت شیوع ویروس کووید ۱۹ به‌سرعت به سمت اکران آن‌لاین روی پلتفرم‌های اینترنتی در حرکت است.

اما فارغ از تمامی اتفاقات تاریخی آن‌چه از نظر نگارنده قابل توجه و بررسی است، بحث نظارت حکومتی و شاید

تبدیل می‌شود به یک سرگرمی عمومی و همگانی.

من در این جا قصد واکاوی دقیق تاریخ سینمای ایران را ندارم، ولی برای بررسی تاریخی‌های نظارت بر سینما مجبور به ذکر برخی نکات تاریخی مهم؛ از جمله تصویب اولین آیین‌نامه برای کنترل کمی و کیفی سینماها در وزارت کشور در خرداد ۱۳۲۹ و سپس تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ که پس از انقلاب ۵۷ و در سال ۱۳۵۹ تبدیل به وزارت ارشاد اسلامی می‌شود و بعدتر در سال ۱۳۶۵ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر نام می‌یابد.

در روند تاریخی سینمای ایران نشانه‌های پراکنده و مختصری از اعمال سانسور بر فیلم‌های ساخته‌شده در دوران پهلوی مشاهده می‌شود، ولی قوانین مدون و مشخصی که حاوی ممیزی و از همه مهم‌تر اعمال سیاست‌های هدایتی و حمایتی بر فیلم‌های سینمایی باشد، وجود ندارد و آنچه از برخورد با سینماگران شنیده‌ایم، در اتفاقاتی خلاصه می‌شود که برای برخی فیلم‌های ابراهیم گلستان افتاده یا تغییراتی که بر فیلم «گوزن‌ها» ساخته‌ی مسعود کیمیایی اعمال شده که این‌ها نیز بیشتر از طرف سازمان‌های قضایی و نظامی بوده تا مسئولان فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ.

آنچه از اعمال هدایت‌های سازمان‌یافته و قوانین نظارتی سفت و سخت شاهدیم، برمی‌گردد به دورانی که دیگر از «وزارت فرهنگ و هنر» خبری نیست و با عنوان عجیب و نامأنوس «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» روبه‌رویم. به نظر همین جای‌گزینی به ظاهر ساده‌ی «هنر» با «ارشاد اسلامی» در عنوان این وزارت‌خانه می‌تواند گویای بسیاری چیزها باشد.

«هنر» را نمی‌توان هدایت کرد، ولی برای «ارشاد» که معنای لغوی‌اش می‌شود «راه راست نمودن» و «راه درست را نشان دادن» مسیر هدایت بسیار باز و هموار است. دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما در دهه‌های شصت و هفتاد با عنوان پرطمطراق «بنیاد سینمایی فارابی» به خوبی آشنایند؛ بنیادی که در خرداد ۱۳۶۲ به دستور فخرالدین انوار، معاون وقت سینمایی وزارت ارشاد تأسیس شد و عده‌ای از مسئولان و در رأس آن‌ها سیدمحمد بهشتی، مسئول رسیدگی امور مربوط به سینما و راه‌اندازی دوباره‌ی آن در ایران پس از انقلاب شدند. در آن سال‌ها تقریباً تمامی امکانات سخت‌افزاری سینما اعم از دوربین و تجهیزات فیلم‌برداری و مواد مصرفی شامل نگاتیو و پوزیتیو و حتی میزهای تدوین در اختیار این بنیاد بود و عملاً ساخت هیچ فیلمی بدون هماهنگی با آن امکان‌پذیر نبود؛ علاوه بر این‌ها ورود و نمایش فیلم‌های

خارجی نیز در انحصار ایشان بود و از همین‌جا بود که سیاست‌های هدایتی خاصی بر سینمای ایران اعمال می‌شد. سیاست‌های اولیه بیشتر حول مفاهیم عرفانی بود و بدین ترتیب فیلم‌های فیلم‌سازی چون تارکوفسکی و پارajanف به طور گسترده در سینماهای ایران نمایش داده می‌شد و از تولید فیلم‌های ایرانی با چنین مفاهیمی حمایت می‌شد که شاخص‌ترین‌هایش نار و نی (سعید ابراهیمی‌فر) و نقش عشق (شه‌ریار پارس‌پور) بودند؛ البته آش این حمایت‌های خاص چنان شور بود که حتی فیلم‌ساز شاخص سینمای اکشن ایران ساموئل خاچیکیان را نیز به ساخت فیلمی چون چاووش واداشت که نتیجه‌اش مانند سایر آثار حمایتی، مضحک از آب در آمد و فقط پول و امکاناتی بود که برای منویات حاکمان هدر داده می‌شد.

در این میان فیلم‌سازان خاصی مورد حمایت قرار گرفتند و بهتر است بگویم تربیت شدند و اساساً مورد آموزش قرار گرفتند تا فیلم‌های مورد نظر حاکمان را بسازند. مخملباف و حاتمی‌کیا و مجیدی از شاخص‌ترین‌هایشان بودند و البته بگذریم که فیلم‌سازان فراوانی مورد حمایت‌های مقطعی قرار گرفتند و فقط یکی دو فیلم با بودجه‌های کلان ساختند و دیگر ناپدید شدند. افرادی چون کریم زرگر و محمدرضا اسلام‌لو و علی‌اصغر شادروان و ابراهیم سلطانی‌فر و رحیم رحیمی‌پور و بسیاری دیگر که فیلم‌های دولتی ساختند و فقط خرج و هزینه روی دست سینمای ایران گذاشتند و دیگر هیچ؛ البته افرادی هم بودند که قرار بود مدیر سینمایی شوند و در ابتدا فیلم ساختند یا برعکس، مدیر بودند و بعد فیلم ساختند. افرادی مانند جواد شمقدری و محمد مهدی عسگرپور و فرج‌الله سلحشور و جمال شورجه و نام‌های بسیاری از این دست.

مسئولان سینمایی که با نسل قدیمی از سینماگران مانند مهرجویی و تقوایی و بیضایی و کیارستمی روبه‌رو بودند که چندان حرف‌شنو نبودند، دو سیاست عمده را در پیش گرفتند: عَلم کردن فیلم‌سازی مانند مجید مجیدی که حضور بین‌المللی داشته باشند، در مقابل فیلم‌سازان شاخصی مانند کیارستمی که مورد توجه جشنواره‌های معتبر خارجی بودند و هم‌چنین پرورش فیلم‌سازی مانند حاتمی‌کیا که مخاطب پرشمار داخلی را جذب کنند، در مقابل فیلم‌سازان پرمخاطبی مانند مهرجویی. این در حالی بود که حاتمی‌کیا گاهی در سال دو فیلم می‌ساخت و بیضایی و مهرجویی و تقوایی هر چند سال یک فیلم می‌ساختند؛ یعنی شرایطی نابرابر برای رقابت منصفانه.

در این میان جشنواره‌ای سینمایی نیز به نام «فجر» بنا گذاشته شد که در ابتدا به ضرب و زور عنوان «بین‌المللی» را یدک می‌کشید، ولی پس از مدتی خود مسئولان نیز از مضحک بودن آن مطلع شدند و زمان برگزاریش را تغییر دادند. این جشنواره نیز مانند سایر جشنواره‌های دولتی که با حمایت وزارت ارشاد برگزار می‌شدند، محفلی بود برای تشویق فیلم‌سازان حمایتی که چون سهمی از جشنواره‌های معتبر خارجی نداشتند، سرشان بی‌کلاه نماند و سیمرغ پشت سیمرغ به ویتترین افتخاراتشان بیفزایند. کار به آنجا کشید که فیلم‌ساز دست‌پرورده‌ی جمهوری اسلامی (ابراهیم حاتمی‌کیا) چنان سیمرغ‌های این جشنواره را حق مسلم خود می‌دانست که وقتی در سال ۹۶ چند سیمرغ به سایر فیلم‌سازان حمایتی تعلق گرفت، روی صحنه اعتراض کرد و

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

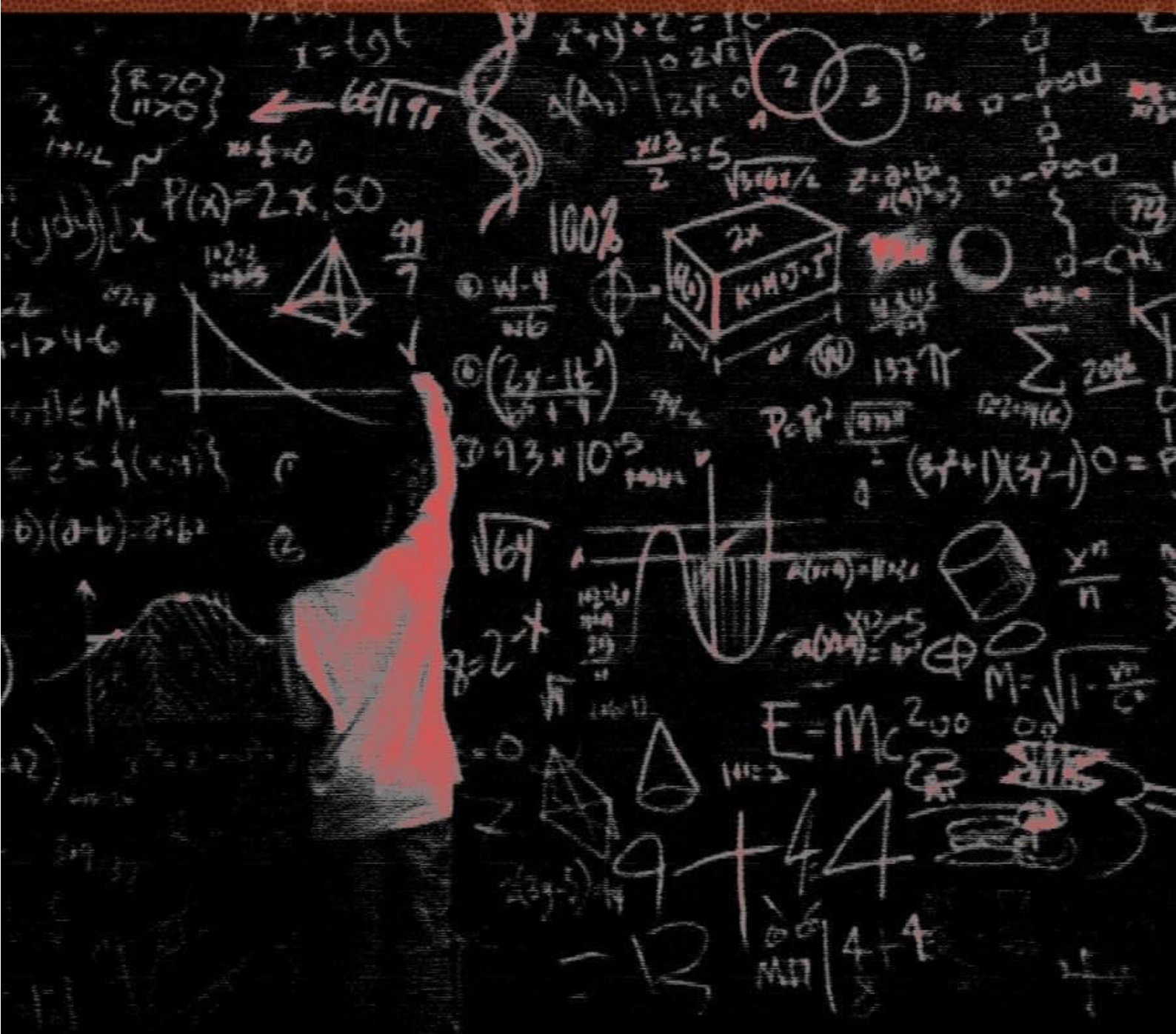
خود را فیلم‌ساز نظام ناامید و از مسئولان گله کرد. نتیجه‌ی این همه سال سینمای فربه‌شده‌ی حمایتی و هدایت‌شده را حالا می‌توان در شرایط تولیدات کنونی سینمای ایران دید. زمانی در دهه‌ی شصت و هفتاد در بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی فجر فیلم‌سازانی مانند بیضایی و تقوایی و مهرجویی و حاتمی و کیارستمی و کیمیایی با هم رقابت داشتند، در حالی که اکنون آبیاری و مهدویان و حاتمی‌کیا رقابت می‌کنند. نتیجه‌ی سینمای هدایتی وزارت ارشاد در تمام این چهل‌وسه سال، حذف فیلم‌سازان شاخص از جریان سینمای ایران، کوچ اجباری برخی فیلم‌سازان جوان به خارج از کشور، ممنوع‌الکاری فیلم‌سازانی مانند پناهی و رسول‌اف و ایجاد یک انحصار فرهنگی با امثال آبیاری و مهدویان است. قضاوت با مخاطبان که از کجا به کجا رسیده‌ایم.

عکس ماه



کامران دوپلورهای شهروندی که در زمان کولبری بر اثر حادثه‌ای هر دو پای خود را از دست داده است، در اعتراض به وضعیت نامناسب حمایت از شهروندان معلول، تداوم کشتار کولبران و همچنین وضعیت اسفبار محیط زیست و تخریب درختان زاگرس، راهپیمایی اعتراضی خود را از شهر مریوان تا ساختمان مجلس واقع در تهران آغاز کرده بود. به گفته‌ی فعالان محیط زیست زاگرس این شهروند به دلیل شرایط جسمانی در طی این مسیر طولانی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شد و هر قدمی که برمی‌داشت سلامتی خود را به خطر می‌انداخت. از این جهت علی‌رغم برحق بودن اعتراض آقای دوپلورهای، آن‌ها او را از طی کردن این مسیر طولانی منصرف کردند.

پرونده ویژه



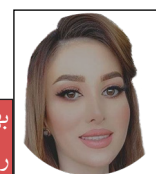


عکس از پانا

فرهنگی

■ آغاز سال تحصیلی در اوج کرونا و مطالبات معلمان

گزارشی اجمالی از جلسه‌ی گفت‌و شنود در کلاب‌هاوس



بهار عباسی
روزنامه‌نگار

رتبه‌بندی معلمان و طرح فوق‌العاده ویژه را نیز مطرح کردند؛ طرح‌هایی که اجرای آن به دلیل اختصاص‌ندادن بودجه توسط دولت در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و بسیاری از معلمان معتقدند امکان اجرایی‌شدن آن اساساً وجود ندارد. تعدادی از معلمان به واکسینه‌نشدن مردم معترض بودند و می‌گفتند در ایران توجهی به سلامتی مردم نشان داده نمی‌شود. در حالی که در کشورهای پیشرفته مدارس به دلیل واکسینه‌شدن اکثریت مردم در حال بازگشایی‌اند، در ایران به دلیل شیوع کرونا بازشدن مدارس و آموزش حضوری وضعیت سلامتی جامعه را به خطر می‌اندازد.

در این جلسه محمد حبیبی، عضو هیات مدیره‌ی کانون صنفی معلمان استان تهران درباره‌ی بازشدن مدارس و آموزش حضوری گفت: «کرونا وضعیت طبقه‌ی فرودست را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تحریم‌های بین‌المللی فشار معیشتی را بر طبقه‌ی پایین بیشتر کرده. کرونا معلمان را با فراز و نشیب‌های متعددی روبه‌رو کرده. نرم‌افزار شاد که برای آموزش آنلاین طراحی شده بود، شکست خورده و بسیاری

صالح
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

ماهانامه‌ی خط صلح در تاریخ ۸ شهریورماه ۱۴۰۰ جلسه‌ی گفت‌و شنودی در کلاب‌هاوس برگزار کرد تا مطالبات معلمان در آغاز سال تحصیلی جدید - که با اوج‌گرفتن چن‌دباره‌ی کرونا در کشور همراه شده - به بحث گذاشته شود. در این اتاق تجربه‌ی بازگشایی مدارس در سایر کشورها در مقایسه با ایران مورد بحث قرار گرفت و معلمان مطالبات و خواسته‌های خود را نسبت به وضعیت فعلی آموزش و پرورش در ایران بیان کردند. معلمان به دو طیف تقسیم شدند: برخی در شرایط فعلی آموزش آنلاین را تنها فرصت و امکان موجود برای دانش‌آموزان دانستند و برخی دیگر نسبت به آموزش آنلاین خوش‌بین نبودند و آن را در بهترین حالت یک آموزش مکمل توصیف کردند. معلمان مطالبات دیگری مثل طرح

از همکاران برای آموزش مجازی از اپلیکیشن‌های دیگر نظیر واتساپ استفاده می‌کنند».

او در ادامه افزود: «بازشدن مدارس یک کار عقلانی نیست و تا زمانی که واکسیناسیون گروه‌های هدف و دانش‌آموزان بالای دوازده سال انجام نشود، هر اقدام نسنجیده‌ای می‌تواند قربانیان بیشتری به جامعه تحمیل کند». او درباره‌ی طرح رتبه‌بندی معلمان گفت: «دولت با کمبود بودجه مواجه است و شرایط به گونه‌ای است که تا پایان سال با تورم بیش‌تری هم مواجه خواهیم شد. طرحی در مجلس برای رتبه‌بندی معلمان در حال بررسی است. هیأت رئیسه‌ی مجلس به بهانه‌ی عدم تخصیص منابع از سوی دولت دوازدهم جلوی ارائه‌ی طرح در صحن علنی را گرفت. همین مسئله با واکنش‌های منفی زیادی از جانب معلمان روبه‌رو شد. شرایط معیشتی معلمان این‌قدر بد است که در سال جدید احتمالاً شاهد اعتراضات و تجمعات بیش‌تری خواهیم بود. در بحث مخالفت رهبر جمهوری اسلامی با ورود واکسن کرونا به ایران همان دی‌ماه سال ۹۹ تشکل‌های صنفی معلمی و کارگری و بازنشستگان بیانه‌ای اعتراضی نوشتند، ولی کسی جواب‌گو نبود و از سوی جامعه‌ی مدنی و به‌خصوص جامعه‌ی پزشکان اعتراضی صورت نگرفت. شاید اگر همان موقع مطالبه‌ی واکسیناسیون فوری و سراسری به مطالبه‌ی اصلی جامعه تبدیل می‌شد، شاهد این حجم از مرگ‌ومیر به خاطر کرونا نبودیم».

رسول بدافی، عضو هیأت مدیره‌ی کانون صنفی معلمان اسلامشهر در این جلسه عنوان کرد: «متأسفانه در رابطه با واکسیناسیون اصلاً نمی‌شود به دولت اعتماد داشت. افرادی بودند که می‌خواستند واکسن چینی بزنند، اما می‌گویند به جای واکسن چینی به آن‌ها واکسن برکت زده‌اند. از طرف دیگر اگر اشتباه نکنم، سازمان جهانی بهداشت فقط یکی از واکسن‌های تولید چین را تأیید کرده؛ منتها در ایران چندین واکسن چینی وجود دارد. اساساً مسئولان طی این سال‌ها این‌قدر به مردم دروغ گفته‌اند که هیچ‌چیزشان قابل‌باور نیست؛ در نتیجه در درجه‌ی اول واکسیناسیون در ایران اصلاً اعتبار چندانی ندارد. مسئله‌ی دیگر این است که کلاس‌های درس در ایران بعضاً چهل‌نفره است. در مدارس یک الکل برای ضدعفونی وجود ندارد؛ در نتیجه با بازگشایی مدارس در ایران با یک انفجار عظیم روبه‌رو خواهیم شد؛ قتل‌عام میلیونی اتفاق می‌افتد. تنها راه، بسته نگه‌داشتن مدارس است. در ایران متأسفانه افرادی وجود دارند که مخالف واکسیناسیون‌اند و این جان بشریت را به خطر می‌اندازد. واکسینه‌نکردن مردم قتل عمد است. ممنوعیت واردکردن

واکسن خارجی در ایران یعنی تکبر و خودبینی و بازی کردن با جان بشریت».

حسین رئیسی، حقوق‌دان و استاد دانشگاه نیز در این اتاق کلابهاوس حضور داشت و ضمن مقایسه‌ی وضعیت بازگشایی مدارس در ایران و کانادا این‌طور ذکر کرد: «در شرایط بحرانی کرونا حقوق معلمان و دانش‌آموزان باید تامین شود. در آموزش آنلاین در ایران فقر عیان شد. برای آموزش آنلاین امکانات خاصی نیاز بود که دانش‌آموزان و معلمان به آن دسترسی نداشتند. دانش‌آموزان تلفن همراه هوشمند و اینترنت لازم داشتند، اما امکانات و نرم‌افزارهای لازم در اختیار آن‌ها قرار داده نشد؛ هم‌چنین در ایران حریم خصوصی معلمان و دانش‌آموزان تامین نمی‌شود و چه معلم و چه دانش‌آموز در طول شبانه‌روز درگیر آموزشند. در کانادا تمام امکانات را برای تدریس فراهم کردند، به‌سرعت بیش‌تر دانش‌آموزان و معلمان واکسینه شدند و مدارس هم با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی حضوری شده‌اند، ولی در ایران حتی یک دُز واکسن کرونا دریافت نکردند».

احمد مدادی، کارشناس آموزش بین‌الملل در این جلسه گفت: «یونیسف و بانک جهانی بحران کرونا را یک بحران بزرگ در صدسال گذشته دانسته‌اند. یونسکو درخواست کرده تمام کشورها مدارس را باز کنند و به برنامه‌های آموزشی کودکان توجه کنند و به ترمیم عقب‌ماندگی درسی دانش‌آموزان و آموزش دیجیتال معلمان کمک کنند. آموزش آنلاین تبعیض و شکاف‌ها را بیش‌تر کرده. مدارس باید باز و معلمان و دانش‌آموزان واکسینه شوند. تأکید این اطلاعیه این است که نباید منتظر واکسن باشند و فاصله‌ی اجتماعی باید بیش‌تر رعایت شود. معلمان باید درخواست و مطالبات خود را از دولت بیش‌تر کنند. اولویت اصلی موضوع کرونا است. بسته‌مندان مدارس آخرین راه‌حل است. بازکردن مدارس و واکسیناسیون معلمان مهم است، اما سیاسی کردن مطالبات از سوی حکومت فرصت حل مشکلات را از ما گرفته. باید دنبال راه‌حل‌های جایگزین باشیم».

محمد داوری، عضو شورای مرکزی سازمان معلمان از دیگر سخنرانان این جلسه بود، اشاره کرد: «به دلایل فرهنگی، اقتصادی و ضعف سواد دیجیتال و ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی، آموزش مجازی در بهترین حالتش یک آموزش مکمل است. طولانی‌شدن آموزش آنلاین شکاف عدالت آموزشی را عمیق‌تر کرده و آسیب‌های اجتماعی و روانی در پی داشته. من موافق برگزاری حضوری کلاس‌ها هستم. ادامه‌ی آموزش آنلاین آسیب‌های بیش‌تری دارد. سالهاست

ناکارآمدی نظام آموزشی وجود دارد و با عوض شدن وزیرها ریشه‌ی ناکارآمدی نظام آموزشی عوض نمی‌شود. مدیران و معلمان باید خلاق شوند و باید به مدارس اختیارات بیشتری داده شود تا نظام آموزشی عوض شود. محتوای برنامه‌های درسی، نظام معلمی و ارزش‌یابی تحصیلی در ایران با نظام کارآمد فاصله‌ی زیادی دارد».

نجات بهرامی، روزنامه‌نگار و معاون سابق مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش نیز از دیگر سخنرانان حاضر در این جلسه بود. او عنوان کرد: «مشکلات در ایران مسائل کلانند. آموزش و پرورش همیشه در حاشیه بوده. من به واکسیناسیون صنفی اعتقادی ندارم. واکسیناسیون باید سراسری باشد».

بهرامی در ادامه افزود: «مسئولان گفتند نزدیک سه میلیون نفر از تحصیل محروم شده‌اند. در شهرهای بزرگ که اینترنت وجود دارد و در واقع دسترسی مردم به امکانات بیشتر است، باز هم بسیاری مشکل داشتند و از تحصیل محروم شدند. آموزش و پرورش نرم‌افزارها را انحصاری کرده، چون از آن پول درمی‌آورد. نرم‌افزارهای حکومتی برای آموزش تولید کردند که پر از اشکال و برای معلمان دردسرساز بود و هیچ امکاناتی نداشت. یک معلم با این برنامه‌ها باید سه برابر زمانی که در مدرسه حضور داشت و آموزش مجازی نبود، کار کند؛ این در حالی‌ست که محتوای آموزشی بیشتر از طریق واتساپ فرستاده می‌شد و اپلیکیشن شاد اساساً قابلیت چندانی نداشت؛ ضمن این‌که معلمان مجبور شدند با وسیله‌ی شخصی خودشان کار کنند و کسانی که تلفن همراه هوشمند نداشتند، در این شرایط اقتصادی مجبور به خرید آن شدند. از نظر من چشم‌انداز روشنی برای مطالبات معلمان و دانش‌آموزان وجود ندارد».

سارا سیاهپور، از دیگر معلمان حاضر در این اتاق کلاب‌هاوس گفت: «هیچ آموزشی جایگزین آموزش حضوری نمی‌شود. آموزش مجازی مکمل است، اما با توجه به نبود امکانات بهداشتی بازشدن مدارس اسفناک است. مدارس در حاشیه از تهیه‌ی کوچک‌ترین وسایل بهداشتی عاجزند. معلمان بیشتر تهدید می‌شوند و هیچ حمایت مالی و روحی از آن‌ها نمی‌شود. با گذشت یک سال‌ونیم آمادگی روحی این را نداریم، چون آموزشی به ما داده نشده. در نظر بگیرید که بحث تولید محتوا بر عهده‌ی معلمان گذاشته شده، در حالی‌که بر عهده‌ی آموزش و پرورش است. مشکل دیگر این است که آموزش مجازی وقت بیش‌تری از معلمان می‌گیرد و زمان و زندگی خصوصی ما را تحت تاثیر قرار داده. ما در طول شبانه‌روز دائماً باید

پاسخ‌گوی پیغام‌های دانش‌آموزان و سوالات و ابهامات آن‌ها و اولیای‌شان باشیم».

رادا مردانی، معلم دیگری بود که در این جلسه سخنرانی نمود. وی اشاره کرد: «هدف از آموزش، یادگیری زندگی است. در ایران هرگز این اتفاق نیفتاده. آموزش و پرورش در ایران مانع زندگی واقعی دانش‌آموزان است. اگر نظام آموزش رسمی فعلی ایران تعطیل شود، بهتر از شرایط فعلی است. کرونا برای بچه‌ها الزاماً نتیجه‌ی بدی در پی نداشت و اتفاقاً تاثیر مثبتی بر سبک زندگی آن‌ها گذاشت. دانش‌آموزان در این دو سال ارتباط بیش‌تری با زندگی برقرار کردند. تمرکز معلمان فعال باید بیش‌تر به سمتی برود که معلمانی پرورش بدهیم که با آموزش مجازی ارتباط بیش‌تری برقرار کنند».

محسن عمرانی، معلم و فعال صنفی نیز خاطر نشان کرد: «بازگشایی مدارس منتفی است، چون کودکان ناقل‌اند و فضای آموزشی محدود است و کمبود نیروی انسانی وجود دارد. معلمان و دانش‌آموزان باید واکسینه شوند و وسایل آموزشی برای آن‌ها تهیه شود. ما معلمان، مطالباتی داریم. واکسیناسیون و آموزش باید رایگان شوند. اصل سیام قانون اساسی می‌گوید دولت موظف است وسایل آموزش رایگان و باکیفیت را تا پایان دوره‌ی متوسطه برای همه فراهم کند. مسئله‌ی بهداشت دانش‌آموزان مهم است و باید واکسینه شوند. مطالبات ما داخل قانون است و باید با کمک مردم این مطالبات را درخواست کنیم تا شرایط آموزشی بهتر شود».

هم‌چنین الهه امانی، فعال امور زنان در این اتاق کلاب‌هاوس گفت: «در آمریکا از ۱۶ اوت ۲۰۲۱ پانصد هزار دانش‌آموز به مدارس برگشتند و ایالت کالیفرنیا پوشیدن ماسک در فضای بسته را برای دانش‌آموزان اجباری کرد. در فضای بسته ماسک اجباری است و در فضای عمومی و روباز ماسک اجباری نیست. تمام دانش‌آموزان و معلمان و کادر آموزش باید هر هفته تست کرونا بدهند. در آمریکا هم متأسفانه همه به وسایل دیجیتالی دسترسی یکسان ندارند».

در پایان نیز سید جمال موسوی اشاره کرد: «در مجلس هفتم از آقای حداد درخواست کردیم بودجه فرهنگیان بیشتر شود، ولی بودجه را منحل کردند. حدود سه ماه است طرح همسانسازی معلمان به مجلس آمده، ولی در مرحله‌ی آخر بودجه را تقسیم و آن را منحل کردند. برای مطالبات معلمان شفافیت و روشنی در وضعیت استخدامی لازم است. باید مطالبه‌گری بیش‌تری را از طریق تشکلهای مدنی، معلمان و وکلا دنبال کرد. معلمان باید مشاوره‌ی قضایی رایگان دریافت کنند تا بتوانند اصولی‌تر مطالبات خودشان را پیش ببرند».



عکس از ایسنا

اندیشه

■ کتاب درسی تابلوی تبلیغات حکومتی نیست



نجات بهرامی
روزنامه نگار

درسی بچه‌ها را هم درست مانند دیوارهای شهرها به جایی برای تبلیغ حکومت خود تبدیل کرده‌اند. اگر به دیوار شهرها و محیط‌های اداری در کشورهایی با چنین حکومت‌هایی نگاه کنیم، متوجه این نکته خواهیم شد که از نظر حاکمان، رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و رسانه‌های رسمی برای رساندن پیام انقلاب آن‌ها کافی نیست و به همین دلیل برای شفاف کردن مردم و بهره‌مند شدن آن‌ها از آموزه‌های ایدئولوژیک خود، دیوارهای شهرها را هم نقاشی کرده و نمادهای حکومت و سخنان بزرگان‌شان را مقابل چشم مردم قرار می‌دهند و آن‌ها را محکوم به دیدن و خواندن هر روزی این پیام‌ها می‌کنند.

نوامبر ۲۰۲۰ خبری منتشر شد مبنی بر این که چین قصد دارد مطالبی ستایش آمیز در حمایت از حکومت و در ارتباط با مقابله‌ی این کشور با همه‌گیری کرونا در کتاب‌های درسی مدارس کشور بگنجاند. به گفته‌ی وزارت آموزش و پرورش چین، این مطالب به کتاب‌های زیست‌شناسی، بهداشت و آمادگی جسمانی، و تاریخ و ادبیات چینی دوره‌های دبستان

کتاب درسی در کشورهای توسعه یافته اغلب حاوی مطالبی در راستای تقویت جامعه‌پذیری و نیز افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان و دانش‌آموزان هستند. احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی، حفظ طبیعت و مراقبت از زیست‌بوم و نیز آموزش بهداشت فردی و عمومی بخش جدایی‌ناپذیر آموزش‌هایی هستند که در فرم‌ها و قالب‌های مناسب سن دانش‌آموزان در محتوای درسی و آموزشی و نیز فعالیت‌های جنبی و فوق برنامه‌ی مدارس قرار می‌گیرد. نکات کلی در ارتباط با وطن و احترام به نمادهای ملی و میهنی و تلاش برای پاسداری از کشور نیز در محتوای بسیاری از نظام‌های آموزشی وجود دارد.

اما کشورهایی که دارای حکومت‌های ایدئولوژیک و مخصوصاً حاکمیت‌های توتالیتر هستند، مدرسه و کتاب‌های

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

و راهنمایی اضافه خواهد شد تا «دانش‌آموزان بهتر از این واقعیت آگاه شوند که زندگی و ایمنی مردم همواره اولویت نخست حزب کمونیست و دولت است». وزارت آموزش و پرورش چین اعلام کرد: «دانش‌آموزان با چهره‌های اصلی و اقدامات انجام گرفته برای جلوگیری از همه‌گیری و مهار کرونا آشنا می‌شوند و یاد می‌گیرند که آگاهی و

تعهد مردم را افزایش دهند و از مزیت‌های نظام سوسیالیستی چینی بیش‌تر آگاه می‌شوند».

اما در ایران هم امسال به کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی نهم مدارس جمهوری اسلامی، صفحه‌ی ۵۲، چنین مطلبی اضافه شده است: «جمهوری

اسلامی ایران با در اختیار داشتن امکانات و تجهیزات بهداشتی و درمانی پیشرفته و کادر درمانی متخصص، دلسوز و پرتلاش، توانست جزو کشورهای برتر جهان در درمان بیماری کرونا باشد. این در حالی است که در برخی کشورهای غربی حتی از پذیرش و درمان بیماران مسن نیز خودداری می‌شد».

اگر چه مدتی بعد خبری منتشر شد که از اصلاح این درس و حذف این مطالب

در چاپ بعدی خبر می‌داد، اما اولاً چنین مطلبی اولین مطلب تبلیغاتی در نوع خودش نبوده و سال‌ها و دهه‌هاست که کتب درسی سرشار از چنین مطالبی است و ثانیاً اگر تمرکز رسانه‌ها و ناکارآمدی عریان حکومت در موضوع کرونا نبود، نه تنها از حذف این مطلب خبری نبود، بلکه شاهد تکرار و تراکم چنین موضوعاتی در محتوای آموزشی کودکان ایران بودیم.

نتیجه‌ی غیرقابل اجتناب چنین اقداماتی در مرحله‌ی اول ایجاد آشوب ذهنی در کودکان و سرگردانی آن‌ها میان واقعیت و دروغ، مخصوصاً در موضوعاتی است که خانواده و جامعه

پیرامون آن‌ها نظری خلاف رویکردهای منتشر شده حکومت در کتاب‌های درسی دارند. خانواده‌ها در این چند دهه با این معضل مهم مواجه بوده‌اند که چگونه دروغ‌های کتاب‌های درسی را با واقعیت‌های مورد نیاز کودکان خود کنار هم قرار داده و برای فرزندان خویش تشریح کنند. چگونه با برخی از عادی‌ترین مسائل زندگی خود که در محتوای رسمی

آموزشی از آن‌ها تعبیر به گناه و خطا شده، مواجه شوند که هم کودک را متوجه موضوع کنند و هم در محیط مدرسه و در مواجهه با معلم و مدیر و غیره اتفاق ناخوشایندی برای فرزندشان نیفتد.

نگاه ایدئولوژیک به آموزش و پرورش، خود مولد مشکلات عدیده دیگری نیز هست که شاید عمده‌ترین آن شکاف عمیق میان اهداف فرد با برنامه‌های سیستم است. نظام آموزشی به دنبال تربیت فردی خاص و خانواده و جامعه در پی طرحی دیگر هستند. آن یکی از اهداف متعالی و رشد و بالندگی روحی و اخلاقی و دینی می‌گوید و این یکی از نمرات بالای ریاضی و زبان و پذیرش در فلان مدرسه نیزهوشان و اعزام به دانشگاه‌های خارج از کشور! هر چه که هست ارتباط چندانی با امروز بچه‌ها

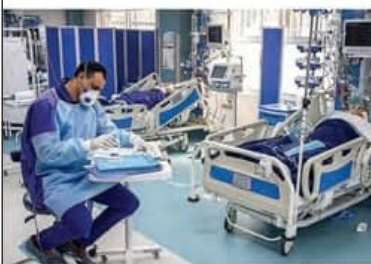
و زیست واقعی آن‌ها نداشته و به سرزندگی و شادابی و حل معماهای لاینحل آن‌ها در همین دوران کودکی کمکی نمی‌کند. علاوه بر این با وجود هشدارهای متعدد و اصلاحات جزئی در کتب و متون آموزشی، اما هنوز هم این دروس و کتاب‌های متمرکز تفکر روش‌مند را به کودکان یاد نمی‌دهد، بلکه حافظه محور بوده و اطلاعات عمومی نه چندان سودمند را به حافظه‌ی او منتقل می‌کنند. دانش آموز ایرانی هنوز هم بیش از همسالان خود در کشورهای توسعه یافته در مدارس و کلاس‌ها درس دینی می‌خواند و سرگذشت حکومت‌ها و سلسله‌ها را مرور کرده و اسامی پایتخت‌ها را از بر می‌کند.



گردآوری آب آشامیدنی غیر بهداشتی، هند



ایران، تولید کننده تجهیزات پزشکی پیشرفته



جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن امکانات و تجهیزات بهداشتی و درمانی پیشرفته و کادر درمانی متخصص، دلسوز و پرتلاش، توانست جزو کشورهای برتر جهان در درمان بیماری کرونا باشد. این در حالی است که در برخی کشورهای غربی حتی از پذیرش و درمان بیماران مسن نیز خودداری می‌شد.

۵۲

حکایت

ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



تجمع معلمان مقابل مجلس در اعتراض به معلق ماندن فوق العاده ویژه در روز چهارده شهریورماه

اصناف

■ رتبه‌بندی معلمان در گروگان سیاست



عزیز قاسم زاده
فعال صنفی معلمان

داستان حکایت رتبه‌بندی معلمان را وقتی به جد و دقیق مرور می‌کنیم، نمونه‌ی مناسبی است از نوع و تلقی حکمرانی در ایران و میزان احترامی که تصمیم‌سازان نه فقط برای مخاطب وعده‌های خود که برای خود، قائل می‌شوند. کسانی که در جلوی دوربین‌ها می‌آیند و از مصوبات مختلف و وعده‌های رنگین و شیرین می‌گویند و از پشت دوربین‌ها، در اندیشه‌ی آب در شیر کردن همه‌ی آن مصوبات هستند که یا به هر نحو ممکن اجرا نشود و یا به بدترین شکل ممکن که منافع معلمان را محدود نماید، اجرایی شود.

داستان رتبه‌بندی نخست در دهه‌ی هفتاد و در دوره‌ی اصلاحات خاتمی، از طریق مدرسه محوری و مدیر محوری مطرح گشت که خیلی زود منتفی شد. اما علت اصلی طرح رتبه‌بندی ثانوی را باید به «قانون مدیریت خدمات کشوری» یا تغییر نظام پرداخت حقوق کارمندان مربوط دانست که پس از تصویب در سال ۸۶ در مجلس شورای اسلامی هرگز در مورد معلمان تاکنون به اجرا در نیامده و اعتراضات پی در پی معلمان را در بر داشته است. به دنبال این اعتراضات هیات دولت در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۹۲ مصوبه‌ای را مبنی بر افزایش فوق‌العاده‌ی شغل‌ها ارائه داد که به موجب آن امتیاز کاردانی ۷۰۰، کارشناسی ۱۵۰۰ و بالاتر از آن ۲۰۰۰ بود. مصوبه‌ای که تا نزدیک به دو سال پس از تصویب هرگز اجرا نشد و احکامی که صادر می‌شد با عده‌های دیگری بود. مثلاً برای کارشناسی ۸۰۰

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

منظور می‌شد که اصلاً طبق این مصوبه وجود نداشت. به دنبال اعتراضات پی در پی معلمان و اعتراض به اجحاف و تبعیض در احکام معلمان، دولت حسن روحانی در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه ۹۴ مصوبه‌ای را درباره‌ی رتبه‌بندی ارائه کرد که در آن معلمان را به ارشد و خبره و عالی تقسیم کرد و بر همین اساس ۱۵ درصد افزایش فوق‌العاده‌ی شغل را به ارشد، ۳۵ درصد افزایش را به خبره و ۵۰ درصد را هم به عالی اختصاص داد. اما نکته‌ی قابل تامل در این‌جا این است که هیچ معیار و ارزیابی علمی و منطقی برای این تقسیم‌بندی وجود نداشت و این تقسیم‌بندی اساساً بر پایه‌ی آیت‌هایی چون برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و حضور معلمان در آن تعریف می‌شد که خروجی این کلاس‌ها کم‌ترین تاثیری در افزایش دانش و کارآمدی معلم نداشته و ای بسا با زد و بندهایی، بسیاری بدون حضور در کلاس‌ها و یا استفاده‌ی بیش‌تر از ظرفیت‌های تعیین شده، خود را تا مرز عالی ارتقا داده‌اند. البته این آیت‌ها تنها کلاس‌های ضمن خدمت نیست. تشویق و تقدیر هم یکی از معیارهای تعیین‌کننده در این تقسیم‌بندی سه گانه هست که اساساً برخی از تشویقی‌ها کاملاً به افراد خاص و اساساً از ساز و کار خاص معین می‌شود.

فارغ از این نقدی که در تعیین این سه گانه وجود دارد، در اجرای این طرح هم به گونه‌ای عمل شد که میان معلمان اختلاف ایجاد شود تا ذهن‌ها به سمت تصمیم‌سازان نرود؛ یعنی به جای علت‌یابی تبعیض و تفاوت‌های حاکم، معلول‌ها به نزاع با هم مشغول باشند. فی‌المثل اگر شرایط امتیازی یک معلم خبره در دبیرستان و ابتدایی طبق شرایط اعلام شده، یکی می‌بود، اما عملاً در اجرای آن تفاوت وجود داشت که معلمان مقاطع همدیگر را به چالش می‌گرفتند، به جای این‌که هر دو منشأ چالش را نشانه روند. ضمن این‌که در تاریخ اول مهر ماه ۹۴، آیتی به نام «حق شغل حرفه‌ای» بدون این‌که در مصوبات باشد در فیش‌ها آمد که هدفش محدود کردن بیش‌تر طرح اجرای رتبه‌بندی ناقص بود. در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۹۸، نوبخت رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، به تمام ادارات بخش نامه زد که تا ۵۰ درصد افزایش حقوق داشته باشند اما آموزش و پرورش آن را به اجرای دوباره‌ی رتبه‌بندی و در مرحله‌ی بعدی ترمیم رتبه‌بندی تغییر داد. در سال ۹۵ هم

نوبخت نامه‌ای زده بود که برقراری فوق‌العاده شغل ویژه‌ی معلمان باید طبق مصوبه‌ها اجرا شود. مسئله‌ی مهم این است که افزایش فوق‌العاده ویژه‌ها مختص معلمان نیست و مصوبه‌ای است شامل همه‌ی کارمندان اما برای معلمان یک بار بر آن نام رتبه‌بندی نهاده شد و یک بار ترمیم رتبه‌بندی و یک بار معلم تمام وقت و همه‌ی این رفتارها یعنی بازی با معلم و شعور معلم و پیش بردن خط سیاست در نظام آموزش ایران و نوعی دغلکاری و فریبکاری مدام دولتمردان ایران علیه معلمان جامعه بدون رعایت کردن حداقل پرنسپ‌های اخلاقی.

شگفت‌تر این‌که در ۲۵ اسفند ماه ۹۹ با همه‌ی کش و قوس‌های عجیب و غریب رتبه‌بندی، این موضوع به مجلس کشیده شد و پس از تصویب کلیات آن کمیته آموزش مجلس تغییرات زیادی در آن داد که به شکل بسیار حداقلی اجرا شود. از جمله این‌که در ماده‌ی ۷- که اعمال ۸۰ درصد هم‌ترازی معلمان و اعضای هیات علمی است-، با اقدام هیات رئیسه مجلس و با این استدلال که قادر به تامین بودجه‌ی ماده‌ی ۷ نیست، مانع از بارگذاری در کارتابل نمایندگان شد. در گفتگویی که رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با شبکه‌ی خبر صدا و سیما داشت او میزان اجرایی شدن طرح رتبه‌بندی را ۱۶۰ هزار میلیارد برآورد کرد و این حالی است که در بودجه ۱۴۰۰، جمعاً ۲۰ هزار میلیارد برای رتبه‌بندی در نظر گرفته شده است.

داستان رتبه‌بندی داستان بروکراسی پیچیده و پر از حیل ارگان‌های تصمیم‌سازی است که نه بر اساس پاسخگو بودن و در نظر گرفتن دردمندی جامعه‌ی معلمان و تورم افسار گسیخته، به قصد حمایت از آن‌ها انجام شود بلکه رتبه‌بندی روندی است که متناسب با شدت گرفتن اعتراضات معلمان و به قصد مهار یا مدیریت آن‌ها انجام می‌شود. مسئله این است که از نظر تصمیم‌سازان آموزش و پرورش یک نهاد مولد نیست بلکه مصرف‌کننده است و به همین دلیل نباید بودجه‌خوار باشد. تا این نگاه حاکم است، انتظار این‌که در آموزش و پرورش تحول و سوگیری به سود معلمان باشد، امیدی کاذب است؛ گرچه اعتراضات هرگاه به شکل گسترده‌تر انجام شود، توازن قوا می‌تواند در نهایت بر هم زنده‌ی همه‌ی حیل‌ها علیه منافع معلمان باشد.

در گفتگویی که رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با شبکه‌ی خبر صدا و سیما داشت او میزان اجرایی شدن طرح رتبه‌بندی را ۱۶۰ هزار میلیارد برآورد کرد و این حالی است که در بودجه ۱۴۰۰، جمعاً ۲۰ هزار میلیارد برای رتبه‌بندی در نظر گرفته شده است.

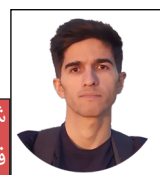
صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

happy
teacher's
day!



فرهنگی

■ روز جهانی معلم؛ معلمان پیشرو در بحران



شریف حسن زاده
فعال مدنی

معلم کسی است که پیشه‌اش آموزش به دیگران باشد و تدریس در "آموزش و پرورش" یا "تعلیم و تربیت" شغل و کار او به شمار آید. با این حال هر شخص می‌تواند به صورت غیررسمی نقش معلم را بر عهده گیرد. در بعضی از کشورها، آموزش جوانان در سن مدرسه ممکن است به جای یک محیط رسمی مانند مدرسه یا کالج، در محیطی غیررسمی مانند خانواده انجام شود. برخی از مشاغل ممکن است نیازمند مقدار قابل توجهی آموزش (به عنوان مثال کشیش) باشد.

کارترز، در فرهنگ آموزش و پرورش درباره‌ی آموزگار می‌گوید:

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

«آموزگار کسی است که افزون بر شایستگی‌های آموزشی و توانایی‌های حرفه‌ای خود، هنر تدریس و سازندگی همه‌سویه‌ی شاگردان را در دست دارد. او پیوسته در جوش و خروش برای ساختن خود و پیدایش دگرگونی و پویایی در شاگردان است».

تاریخچه روز جهانی معلم

روز جهانی معلم یا روز بین‌المللی معلم از سال ۱۹۹۴ هر ساله در ۵ اکتبر برگزار می‌شود که سالروز تصویب توصیه‌نامه‌ی ۱۹۶۶ سازمان بین‌المللی کار و یونسکو در مورد وضعیت معلمان است. این توصیه‌نامه معیارهایی را در مورد حقوق و مسئولیت‌های معلمان و استانداردهایی برای آمادگی اولیه و تحصیلات بیشتر، استخدام، اشتغال و شرایط تدریس و یادگیری تعیین می‌کند. این توصیه‌نامه در مورد وضعیت کارکنان آموزش عالی در سال ۱۹۹۷ برای تکمیل توصیه‌نامه ۱۹۶۶ با پوشش کارکنان آموزشی و پژوهشی در آموزش عالی تصویب شد. برای گرامی‌داشت این روز، یونسکو هر سال کمپینی را برای

کمک به جهان برای درک بهتر معلمان و تاثیر آن‌ها بر پیشرفت دانش آموزان در جامعه اجرا می‌کند.

کشورهایی که "روز معلم" را در تقویم تاریخ خود ثبت کرده‌اند هر یک دلیل و بهانه‌ی خاصی برای ثبت چنین روزی دارند و هر یک به‌گونه‌ای مراسم بزرگداشت روز معلم را جشن می‌گیرند. بیش از ۱۰۰ کشور روز جهانی معلم را گرامی می‌دارند و هر کشور جشن‌های خاص خود را برگزار می‌کند.

آموزش و پرورش، از نقش و اهمیت آن‌ها در پیشرفت دانش‌آموزان و جامعه قدردانی می‌شود. سازمان‌های مختلف مانند یونسکو، آموزش بین‌المللی (EI)، یونیسف، UNDP، سازمان بین‌المللی کار (ILO) و غیره کمپین‌ها و کنفرانس‌هایی را برای دستیابی به این هدف ترتیب می‌دهند. یونسکو هر سال موضوعی را برای این روز اختصاص می‌دهد و کمپین‌ها بر این موضوع متمرکز هستند. موضوع روز جهانی معلم ۲۰۲۰ «معلم:



عکس از ایرنا

دلیل نام‌گذاری روز معلم

هدف از نام‌گذاری چنین روزی به عنوان روز معلم، بها دادن به معلمان، قدردانی از آن‌ها و بررسی مشکلاتشان در سراسر دنیا اعلام شده است. در مجموع هدف از روز جهانی معلم "قدردانی، ارزیابی و بهبود مربیان جهان" و فراهم آوردن فرصتی برای بررسی مسائل مربوط به معلمان و تدریس است. چرا که با وجود افراد مختلف در سیستم آموزشی، همیشه این معلم است که به عنوان آموزگار دانش‌آموزان شناخته می‌شود و اوست که در تربیت و شکل‌گیری فرزندان جامعه نقش مهمی دارد. مشکلات فراوان معلمان در سراسر دنیا و از جمله ایران نیاز وجود چنین روزی را تایید می‌کند چراکه شاید این‌گونه توجه بیش‌تری به سمت آن‌ها برای رفع مشکلاتشان معطوف شود.

اهمیت روز معلم

در روز جهانی معلم از خدمات معلمان و مشارکت آن‌ها در

رهبری در بحران، تجسم دوباره آینده» بود.

بدون شک، همه‌گیری کووید-۱۹- یک چالش مهم برای معلمان بود. تمام مدارس، مهدکودک‌ها و دانشگاه‌های دنیا باید تعطیل می‌شدند. این یک رویداد بزرگ جهانی با تاثیرات بی‌سابقه است، که منجر به فشار زیادی بر معلمان شد. بسیاری مجبور بودند با روش‌های جایگزین جدید آموزش و مراقبت از دانش‌آموزان خود سازگار شوند. در خانه، والدین باید معلم می‌شدند و به فرزندان خود کمک می‌کردند تا در حین کار و بسیاری از اولویت‌های دیگر، یاد بگیرند.

در دورانی که سیستم‌های آموزشی غالباً کمبود بودجه، تمدید بیش از حد یا سازمان‌دهی ضعیف دارند، روز جهانی معلم به همان اندازه به حفاظت از معلمان مربوط می‌شود و به دنبال افزایش آگاهی از حقوق آن‌ها و فرصت‌های برابر برای تحصیل برای همگان است.

صالح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

بسیاری از مسائل پیچیده از جمله: حفظ آزادی‌های دانشگاهی، ایجاد استقلال برای موسسات آموزشی و توسعه و حفظ استانداردهای تدریس حرفهای در آموزش عالی، بر معلمان در سراسر جهان تاثیر می‌گذارد. روز جهانی معلم فرصتی را برای بحث در مورد این مسائل در جلسات، وبینارها، سمینارها و کنفرانس‌ها فراهم می‌کند.

سیستم آموزشی و نقشی که معلمان در آن ایفا می‌کنند راه طولانی را طی کرده است، اما هنوز راه درازی در پیش است. به همین دلیل، سازمان ملل متحد هدف توسعه پایدار برای آموزش را در سال ۲۰۳۰ ایجاد کرد. روز جهانی معلم سالانه یادآور این هدف و نیاز به تلاش بیش‌تر برای ترغیب معلمان به تحصیل است.

حقوق معلمان

آموزش نیروی کار یکی از عواملی است که به سرعت رشد و توسعه اقتصادی کشورها کمک قابل‌توجهی می‌کند. با این حال، اهمیت شغل معلم در بسیاری از کشورها به عنوان آموزش‌دهندگان نیروی کار، نادیده گرفته می‌شود و دستمزد آن‌ها در مقایسه با سایر مشاغل به نسبت پایین است.

اختلاف در سطوح آموزشی به عنوان یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه محسوب می‌شود. اگرچه عوامل دیگری نظیر جغرافیا و منابع موجود هم در این زمینه بی‌تاثیر نیستند، اما آموزش نیروی کار یکی از عواملی است که به سرعت رشد و توسعه اقتصادی کشورها کمک قابل توجهی می‌کند. با وجود این در بسیاری از کشورها اهمیت شغل معلم‌ها به عنوان آموزش‌دهندگان نیروی کار نادیده گرفته می‌شود و دستمزد آن‌ها در مقایسه با سایر مشاغل به نسبت پایین است.

در میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) لوکزامبورگ که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است، یک معلم بدون تجربه می‌تواند بالاترین دستمزد را در مقایسه با معلمان دیگر کشورهای عضو این سازمان دریافت کند.

دستمزد معلم‌ها در ایران نیز همواره یکی از مسائل بحث‌برانگیز بوده است. کارشناسان مهم‌ترین مشکلات معلم‌ها را مسائل مالی و تامین نشدن هزینه‌های معیشتی آن‌ها می‌دانند. از این رو، وضع اجتماعی حرفه معلمی با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط مستقیم است.

وبسایت "Teaching Abroad" بیش‌تر از ۱۰۰ منبع خارجی را مورد بررسی قرار داده تا به میزان حقوق معلم‌ها در کشورهای مختلف دنیا پی ببرد. این وبسایت ارقام به دست آمده

از ۱۰۰ کشور دنیا را با سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید) آن کشورها مقایسه کرده است. اقتصاددانان از سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید) برای تخمین مجموع میزان کالاهای و خدمات تولیدشده توسط اقتصاد یک کشور برای هر شخص استفاده می‌کنند. این رقم نماینده‌ی مناسبی برای مجموع هزینه‌های زندگی در یک کشور محسوب می‌شود. طبق گزارش این وبسایت که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده، ۹۳ درصد معلمان در دنیا کم‌تر از متوسط هزینه‌ی کالاهای و خدمات در کشور خود حقوق می‌گیرند؛ یعنی حتی در کشورهایی که بالاترین حقوق را در دنیا به معلم‌های خود می‌دهند هم این قشر پرتلاش کم‌تر از متوسط سهمشان از اقتصاد کشور خود حقوق می‌گیرند.

جایزه‌ی یونسکو حمدان

جایزه‌ی یونسکو حمدان برای توسعه معلمان در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد تا از ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری در دستیابی به "هدف توسعه‌ی پایدار شماره ۴" در زمینه‌ی آموزش باکیفیت که یکی از اولویت‌های یونسکو است، حمایت کند. این جایزه هر دو سال یک‌بار اهدا می‌شود و از سوی بنیاد حمدان بن رشید آل مکتوم برای عملکرد علمی برجسته (بنیاد حمدان) حمایت می‌شود.

بنیاد حمدان در سال ۱۹۹۸ توسط شیخ حمدان بن رشید آل مکتوم، معاون حاکم دبی و وزیر دارایی امارات متحده عربی تاسیس شد. هدف این بنیاد تعالی آموزشی و حمایت از استعدادها و نوآوری‌ها برای بهبود عملکرد آموزشی در همه‌ی سطوح و بخش‌ها، تجلیل از همه‌ی گروه‌ها و مقامات مربوطه در بخش و موسسات آموزشی و همچنین افرادی است که دستاوردها و خلاقیت‌های برجسته‌ای را ارائه می‌دهند.

هدف از تدوین این جایزه‌ی دوسالانه که بر اساس تصمیمات شورای اجرایی یونسکو در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد و در سال ۲۰۱۴ نیز مورد بازنگری و تمدید قرار گرفت، تقدیر از فعالیت‌های شاخصی است که حداقل به مدت سه سال، توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی ملی و بین‌المللی و یا سازمان‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی ذی‌ربط، به‌منظور توسعه حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت یاددهی آنان انجام شده است.

برای اطلاعات بیش‌تر بنگرید به:

۱. وبسایت رسمی یونسکو

۲. وبسایت موسسه آموزشی توینکل (Twinkl)

۳. معلمان در کشورهای مختلف چقدر دستمزد می‌گیرند؟، تجارت نیوز،

۲۳ شهریور ۱۳۹۷

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از ایرنا

اصناف

■ مصائب معلم بودن در دوران کرونا



محمد خاکساری*
فعال صنفی معلمان

با شیوع ویروس کرونا، جهان شکل دیگری به خود گرفت و اغلب شغل‌ها تحت تاثیر کرونا دچار تغییرات شد. ویروسی که به مثابه یک سونامی همه‌ی کشور، طبقات اجتماعی، مشاغل و کسب‌وکارها را درگیر خود کرد. شیوع ویروس کرونا سبب شد تا لایه‌ها و زوایای پنهان و ناگفته‌ی کار و تلاش معلمان کشور، به رخ کشیده شود.

معلمی یکی از شغل‌هایی است که با شیوع کرونا وارد عرصه جدیدی شد. به این معنا که معلمان با شیوه‌ی جدیدی از تدریس روبه‌رو شدند؛ تدریسی که به سختی دانش‌آموزان را پای کار می‌آورد و معلمان به طور شبانه‌روزی در حال رسیدگی به وضعیت درسی دانش‌آموزان هستند. در دوران کرونا خانواده‌ها دریافتند نقش معلم تا چه اندازه اساسی و مهم است. وقتی در همین دوران از او می‌خواهند تا با فرزندشان صحبت کند و درباره‌ی فلان موضوع، متقاعدش سازد.

در این مدت اکثر معلمان تمام توان و تلاش خود را برای جلوگیری از متوقف شدن سیستم آموزشی کشور به کار برده‌اند. اما متأسفانه ساختار حاکمیت به دلیل ناکارآمدی در مدیریت کرونا پس از گذشت بیش از یک سال و نیم از شیوع این ویروس، مانع از سرگیری آموزش حضوری دانش‌آموزان شده است، در حالی که در کشورهای پیشرفته امکانات و لوازم پزشکی مورد نیاز مدارس و دانش‌آموزان و معلمان در اختیار آنان قرار داده شده است و کلاس‌های درس اکنون با شیوه‌هایی خاص (اعم از این‌که کلاس با نصف تعداد دانش‌آموزان و به صورت یک روز در میان باشد) به شکل حضوری برگزار می‌شود.

از سوی دیگر، تمامی هزینه‌های گوشی موبایل، لوازم جانبی و اینترنت را معلم پرداخت می‌کند؛ در صورتی که پرداخت چنین هزینه‌هایی وظیفه‌ی آموزش و پرورش است؛ وزارت خانه‌ای که متأسفانه گوش شنوایی برای شنیدن مسائل و مشکلات معلمان ندارد. در این میان معلمان ابتدایی با مصائب بیش‌تری روبه‌رو شده‌اند، چراکه دانش‌آموزان آن‌ها کودکانی هستند که به تلفن همراه اختصاصی دسترسی ندارند و از طرفی طرز استفاده از تلفن همراه را به طور کامل نمی‌دانند. دانش‌آموزان بازیگوشی که تعریفی از کلاس مجازی ندارند و معلمانی که باید ۲۴ ساعته از طریق تلفن همراه تدریس کنند و پاسخگوی سوالات دائمی دانش‌آموزان و اولیا باشند.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

آموزش مجازی سرعت یادگیری را کاهش می‌دهد. در تدریس آنلاین دانش‌آموزان و معلم از هم دور هستند و غیرمستقیم همدیگر را می‌بینند؛ بنابراین همدیگر را حس نمی‌کنند و ارتباط خوبی برقرار نمی‌شود و هم‌چنین سرعت یادگیری کاهش پیدا می‌کند. وقتی دانش‌آموز و معلم چهره به چهره هستند، قدرت یادگیری بالا می‌رود از طرفی ارتباط عاطفی بین دانش‌آموزان نیز در کلاس آنلاین شکل نمی‌گیرد. همین ارتباط مداوم که گاه شبانه‌روزی می‌شود، خانواده‌ها را متوجه بُعد دیگری از ارتباط بین معلم و شاگرد ساخت. در کلاس حضوری تسلط بیشتری بر روی زمان و نحوه تدریس وجود دارد اما در کلاس آنلاین نمی‌توانی دانش‌آموز را به درس خواندن ترغیب کنی و تنها می‌توانی از طریق تلفن و اولیا وضعیت دانش‌آموز را پیگیری کنی که نتیجه‌ی چندی ندارد.

مدت‌ها از زمان تدریس مجازی می‌گذرد اما هم‌چنان برخی از دانش‌آموزان به خاطر فقر توان خرید تلفن همراه هوشمند و تبلت را ندارند و به آموزش آنلاین دسترسی پیدا نکرده‌اند. در مناطقی نیز امکان استفاده از اینترنت و برنامه‌ی شاد برای دانش‌آموزان وجود ندارد. در برخی نواحی کشور حتی زمانی که اینترنت وجود داشته باشد، به حدی سرعت پایین است که امکان ارسال فیلم و صوت وجود ندارد. نداشتن تلفن همراه هوشمند، عدم دسترسی به اینترنت پرسرعت، عدم همراهی دانش‌آموزان، عدم برقراری ارتباط موثر بین معلم و دانش‌آموزان، در واقع از جمله مهم‌ترین مشکلاتی است که در دوران سخت و طاقت‌فرسای کرونا وجود دارد. طبق گزارشی که روزنامه‌ی همشهری منتشر کرده است، حدود ۳ میلیون دانش‌آموز به خاطر عدم دسترسی به تلفن همراه یا تبلت و اینترنت از تحصیل محروم شده‌اند. مسئولیت محرومیت از تحصیل این ۳ میلیون دانش‌آموز مستقیماً بر عهده‌ی حاکمیت است. دولت به عنوان مجری قانون اساسی وظیفه دارد امکانات تحصیل را برای دانش‌آموزان کشور فراهم کند. مثلاً لایحه‌ای به مجلس ارائه نماید تا شرکت‌هایی که مالیات نمی‌دهند، ۲۰ درصد از سود سالیانه‌ی خود را صرف ساختن مدرسه و خرید لوازم آموزشی مانند تبلت و تلفن همراه هوشمند نمایند.

از ابتدای آموزش آنلاین انتظار می‌رفت مسئولان آموزش و پرورش در راستای حل این مشکلات قدم بردارند. اما نه تنها این مشکلات حل نشده است، که بایستی اشاره کرد در شرایطی که حاکمیت می‌خواهد بر اینترنت کنترل داشته باشد، دسترسی معلمان و دانش‌آموزان به اطلاعات علمی دست اول کاهش می‌یابد. توسعه‌ی روز افزون نقش و تاثیر فناوری‌های نوین به ویژه استفاده از فضای مجازی به عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در ابعاد گوناگون زندگی انسان، از واقعیت‌های غیر قابل انکار جامعه‌ی امروز است. بدون شک، فضای مجازی

نیز همانند سایر فناوری‌های وارداتی، فرصت‌های زیادی برای شتاب بخشیدن به سرعت پیشرفت علمی جوامع بشری ایجاد می‌کند. اما حاکمیت به آموزش دیدی امنیتی دارد. این نگاه امنیتی در مدارس و آموزش و پرورش نه تنها موجب می‌شود آموزش به درستی اجرا نشود و معلم امنیت شغلی نداشته باشد، بلکه خلاقیت نیز از معلم و دانش‌آموز گرفته می‌شود. بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان از کاهش سرعت اینترنت در ایام آموزش مجازی شکایت دارند. حتی در وسط تدریس اینترنت یکباره قطع می‌شود. در صورتی که در جوامع پیشرفته در مدارس نیز اینترنت پر سرعت وجود دارد.

خاستگاه این حاکمیت آموزش‌های استانداردهای جهانی نیست. شاهد، برنامه‌ی توسعه پایدار سازمان ملل که طی سند ۲۰۳۰ یونسکو بود و حاکمیت با آن مخالفت کرد. این سند استفاده از تجربه‌های بین‌المللی برای توسعه و مدرن کردن آموزش کشورها بود. این سند که با همکاری گروه‌های متخصص بین‌المللی تدوین شده بود، ۱۷ دستور کاری را برای «توسعه پایدار» کشورهای عضو سازمان ملل فهرست می‌کرد. طبق این سند، تا سال ۲۰۳۰ همه‌ی ۱۹۲ کشور عضو این سازمان ملزم هستند «امکانات مساوی، با کیفیت بالا و مادام‌العمر تحصیل» فراگیر را برای همه‌ی ساکنان کشور، فارغ از جنسیت، قوم و قبیله و سن و سال فراهم کنند. حال آن‌که این سند معتبر جهانی با یک حکم حکومتی، از برنامه‌ی آموزش و پرورش کشور حذف گردید. یکی از دلایل حذف سند ۲۰۳۰، مفهوم "غربی" برابری و عدالت جنسیتی زنان بوده است.

با این الگوی ذهنی حاکمیت، انتظار نمی‌رود که اولویت کنترل کرونا قبل از بازگشایی مدارس باشد. پول برای ساخت اتم و برای کشورهای خارج وجود دارد، ولی دانش‌آموزان ما در برخی استان‌ها در مدارس کپری درس می‌خوانند. متأسفانه حاکمیت درک درستی از شرایط ندارد. بارها اعلام شده است که در سال جدید مدارس بازگشایی خواهد شد. واحد سلامت وزارت آموزش و پرورش مخالف بازگشایی مدارس است. ستاد کرونا ادعا می‌کند که مدارس می‌توانند بازگشایی شود. واقعیت این است که طبق تجربه‌ای که کشورهای پیشرفته داشته‌اند، تنها در شرایطی می‌توان مدارس را بازگشایی کرد که کلیه‌ی معلمان شاغل و حق التدریس و دانش‌آموزان بالای ۱۲ سال واکسینه شوند. با این حال، حاکمیت اعلام کرده که ما فقط معلمان شاغل را واکسن می‌زنیم و معلمان حق التدریس در اولویت واکسیناسیون قرار ندارند.

تاخیر در ورود واکسن موجب بالا رفتن کشتار توسط کرونا شده است. طبق گزارشات غیر رسمی کرونا حدود ۲۰۰ هزار کشته بر جای گذاشته است. ظاهراً در این حاکمیت جان انسان چندان ارزش ندارد. تفکر و الگوی ذهنی افراطی حاکمیت

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

تفسیر خاص خود را از دین دارد. آن‌ها ادعا دارند که حفظ نظام اوجب واجبات است. یعنی جان انسان، حرمت انسان و منزلت معلم در اولویت چندم است. مدیریت یک علم است و نابسامانی‌های موجود در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه نشان می‌دهد که حاکمیت علم مدیریت ندارد و با شعار می‌خواهد مشکلات مردم را برطرف کند. آموزش و پرورش نیز جدا از جامعه نیست. در کشورهای توسعه یافته، اولویت آموزش و پرورش است و تربیت نیروی انسانی ارزش دارد. این در حالیست که حاکمیت ما فکر می‌کند با ورود ۱۲ هزار طلبه به آموزش و پرورش می‌تواند دانش آموزان را به میل خود تربیت کند. فراموش کرده است برنامه‌های امور تربیتی به شکست منتهی شده و دانش آموزان دین‌گریز شده‌اند. اصلی ترین رکن تربیتی «الگوی رفتاری» است. کودکان و دانش آموزان الگوی عملی و رفتاری را نگاه می‌کنند. با نصیحت و موعظه ارزش‌های انسانی نهادینه نمی‌شود. به قول سعدی: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

علاوه بر مصائب ذکر شده، کرونا بر معیشت معلمان نیز تاثیر گذاشته است. معلمان روزانه شاهد افزایش قیمت‌ها هستند در حالی که حقوقشان مطابق تورم سالانه نیست. وقتی معلم در تنگنای زندگی روزمره‌ی خود باشد، آموزش هم به درستی صورت نمی‌پذیرد. حاکمیت هم که درک درستی از تربیت نیروی انسانی ندارد. تمرکز حاکمیت بر روی اسلحه یا به قول خودشان "میدان" است. وزیر امور خارجه‌ی دولت پیشین، آقای ظریف، در فایل صوتی خود اعلام کرد: «اصل سیاست خارجی میدان است، سایر موارد در حاشیه قرار دارد». جامعه‌ی جهانی فریاد صلح سر می‌دهد و حاکمیت کنونی فریاد جنگ. وقتی برای حاکمیت اصل سیاست خارجی "میدان" باشد، بودجه کشور نیز به همان سمت سرازیر می‌شود. ورود واکسن کرونا و سلامت مردم نه تنها در اولویت قرار نمی‌گیرد، بلکه با سیاست بازی و رانت جهت منافع مالی عده‌ای خاص آدرس‌های غلط دارویی به مردم داده می‌شود. در کشورهای توسعه یافته، اولویت اول آموزش و پرورش است، چرا که نیروی انسانی تربیت شده توسعه را ایجاد می‌کند.

مسئولان آموزش و پرورش ما برای اعتلای منزلت معلمان و افزایش انگیزه‌ی آن‌ها برای خدمت مطلوب، باید اقدامات فرهنگی و تبلیغی و خدمات و امکانات رفاهی و معیشتی را از طریق ارتباط صادقانه و صمیمانه با «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» برای معلمان کشور فراهم نمایند. معلمان ایران، بارها و بارها عشق خود را به مردم و کشورشان ثابت کرده‌اند. از خودگذشتگی‌شان، الگویی کم نظیر برای آینده سازان کشور بوده است. بسیاری از معلمان در ایام جنگ به جبهه رفتند و با نثار جان از میهن عزیزمان ایران، دفاع

کردند و سایر همکاران با قبول ساعاتی اضافی بر تدریس موظف خود، بدون دریافت حق التدریس جای خالی آن عزیزان را پر کردند. بعد از جنگ نیز معلمان در بازسازی کشور و تا پای جان به عشق و تعهدشان به ایران و فرزندان وفادار مانده‌اند. معلمانی چون «یزدان خسروی» معلم مدرسه‌ی روستای سفیلان، که تلاشش برای نجات دانش‌آموزانش بی نتیجه ماند و همراه ۱۳ دانش‌آموز خود در شعله‌های آتش سوخت، از جمله‌ی این معلمان از خود گذشته بودند. ایثار معلمان در بعد زمان و مکان نمی‌گنجد و در ماه‌های اخیر نیز کم نبودند آن‌هایی که در حین بیماری هم تدریس را رها نکردند.

زمینه‌های رشد علمی با تغییر ساختارهای علمی و تغییر در اولویت‌های علمی می‌تواند جوانان را به سمت قله‌ای که نهایتش استانداردهای آموزشی است، سوق دهد. بر اساس این رهنمود، ساختار نظام آموزش و پرورش در حمایت و پشتیبانی از جایگاه و منزلت علمی و اجتماعی معلمان به عنوان یکی از ارکان ساختار علمی کشور نیازمند تغییر است تا بتوان جوانانی شایسته و سازنده تربیت کرد. ساختار فعلی آموزش و پرورش که تحت تاثیر نگاه سیاسی-امنیتی است، نمی‌تواند مهارت‌های زندگی را به دانش آموزان بیاموزد. این ساختار بیمار است. نگاه سیاسی-امنیتی اجازه‌ی تغییر و تحول را در آموزش و پرورش نمی‌دهد. با این ساختار اگر پرفسور حسابداری هم زنده شود، نمی‌تواند تغییری به وجود آورد. برای ایجاد تغییر در ساختار فعلی آموزش و پرورش باید تشکلهای صنفی معلمان در تمام شهرهای کشور ایجاد شود و تعداد این تشکلهای به تعداد شهرهای کشور گردد تا «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» از چنان توان و جایگاه اجتماعی برخوردار شود که مسئولان کشور چاره‌ای جز قبول خواسته‌ی معلمان نداشته باشند. معلمان مسئولیت‌پذیری که تشکل صنفی شهر خود را تشکیل می‌دهند، نظرات و خواسته‌های اعضا را پس از تبادل نظر و رسیدن به خرد جمعی به وسیله‌ی نماینده‌ی خود به شورای هماهنگی منتقل می‌کنند.

تا تغییرات بنیادی در آموزش و پرورش نشود، دانش آموز مسئول با مهارت‌های زندگی تربیت نمی‌شود. ساختار آموزشی باید به گونه‌ای باشد که در آن از سطح ابتدایی به دانش آموز صلح و حقوق بشر و زندگی مسالمت آمیز آموزش داده شود تا ارزش‌های انسانی در دانش آموزان نهادینه شود. متأسفانه آموزش و پرورش فعلی ما با این ساختار، پاسخگوی نیازهای دانش آموزان نیست. کارخانه‌ای است که خروجی آن مافیای کنکور است، دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد است؛ دانشگاه‌هایی که کیفیت آموزشی ندارند و فقط مدرک بدون مهارت دست جوانان می‌دهند.

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از سی ان ان

فرهنگی

■ مدرسه در آغوش مهر



نادر پورخانی
فعال صنفی بازنشستگان

از دیر باز با افتتاح مدارس نوین در ایران، به تدریج ماه مهر جایگاه خود را برای شروع کار رسمی مدارس و کلاس‌های درس به ثبت دائم رساند (البته با اغماض و چشم پوشی از چند حوادث خاص و اتفاقات مهم در کشور). اما اکنون دو سالی است که با تهاجم بی‌رحمانه‌ی ویروس کرونا و جهش‌های پیاپی آن، ماه مهر لبخند مهربانانه و آغوش باز همیشگی خویش را از خرد و درشت مشتاقان یادگیری و بالندگی، دریغ نموده است. همه‌گیری این ویروس ویرانگر، مسئولان و تصمیم‌گیران کشور را بر آن داشت که برای حفاظت جسم و جان انسان‌ها تا رفع خشم روز افزون این غول قرن، در اماكن آموزش رسمی کشور را بسته نگه دارند.

شیوه‌ای در جهان رایج شد و کشورها بر آن شدند که با قرنطینه و رعایت اجتماعات و مقررات مربوط از گسترش سهمناک بیماری بکاهند و با واکسینه کردن شهروندان خود -ریز و درشت- به فنا و مرگ این غول عظیم زمان، توفیق بایسته به نمایش نهند. بادا در محو و نیست این پاندمی، همه‌ی کشورها با هم مسئولانه سهم و مشارکت جهانی داشته باشند (اگرچه ایران امروز حتی به حداقل‌های این وظیفه‌ی انسانی خویش تاکنون توجهی شایسته نداشته است؛ که ادامه این سخن سوزناک برای

همه‌ی دردمندان آگاه وطن بسی روشن و عیان است). با این بیان اضافی می‌توان گفت: کرونا با همه‌ی جهش‌های دیوانه وارش هم‌چون دیگر پدیده‌های مزاحم زیست انسان‌ها، سرانجام با دست پرتوان انسان امروز جهان -این نیز- محو و نیست خواهد شد؛ همان‌طوری‌که بیماری‌های پیشین از مسیر انسان رو به دانش روزگاران زمانه‌ی خویش، محو و نیست شده است.

اما آن‌چه از تجربه‌ی تاریخ به یاد داریم، این است که نیروهای متضاد هستی، یعنی "خیر و شر"، بیماری و سلامت، خوشبختی و بدبختی، آرامش و نگرانی و دوگانه‌های بی‌شمار دیگر پیوسته در یک معامله و مجادله، عامل جریان تاریخ هستی‌اند. هیچ‌یک نمی‌تواند به تمام آن دیگری را محو و نیست نماید. اگرچه پدیده‌های "خیر و شر" موقعیت و مختصات خود را در گذار زمان مدام تغییر می‌دهند و هر یک در تداوم راه خویش، هرگز درنگ و دریغ ندارند.

کرونا و آموزش در سطوح دانش آموزی

دانش و دستاوردهای بشری برای انسان‌های آگاه امروز، حداقل این پیام بزرگ را در پیشانی فراخ خویش دارد که: دردها، رنج‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌ها، بلاها و جفاهای روزگاران را می‌توان به مدد دانش و تلاش متخصصان اهل فن زمانه درمان کرد. چنان‌که در همین راستا دیدیم، بیماری‌های سل، آبله، وبا و دیگر بیمارهای تن و جان و حتی تمامی موانع و معضلات بشری به تدریج از آن تهاجم بی‌رحمانه‌ی ناشناخته‌ی خویش، فروکش کردند و غایت به موقعیت ناچیز و بعضاً نیز به صفر رسیدند. منتهی همان‌طوری‌که قبلاً اشاره رفت، مدام در جریان هستی -و در امتداد زندگی- شکل و نوع بیماری‌ها و موانع نیز

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

تغییر می‌یابد؛ و به طبع مهندسی حیات در مانایی خویش در این راه پیوسته درمان و رفع موانع خود را می‌طلبد. به دگر سخن این کنش شر و واکنش خیر - و یا بر عکس - در تقابل هم مستمر در مانایی تاریخ جریان دارد. از این رو تاریخ را همیشه به مثابه‌ی یک موجود زنده می‌انگارند.

اگر چنین است - که با توجه به نشانه‌ها و تحلیل حیات یقیناً هم همین است - لاجرم نظام تعلیم و تربیت پویا یا آموزش و پرورش مدرن و کارا در یک کشور رو به رشد، چه وظایفی را می‌باید به عهده گیرد تا کشور در پروسه‌ی حرکت خویش، خیر آن یا نسخه‌های درمانش بر "شر" های پیش آمده و یا موانع و بیماری‌ها، فایق آید؟!

برای پاسخ به این پرسش بهتر آن است که ابتدا به محدوده‌ی معانی دو واژه‌ی کلیدی، یعنی آموزش و پرورش از دیدگاه‌های مشترک فیلسوفان تعلیم و تربیت جهان بپردازیم. علی‌رغم این‌که به سبب وزن و حجم سنگین معانی و سیر کاربردی این دو واژه به ظرف بیان معنی خیلی سخت تن در می‌دهند، اما به ایجاز و با اغماض می‌توان چنین گفت که "آموزش" فرایند تسهیل یادگیری در کسب دانش‌ها و مهارت‌ها و ارزش‌هاست. روش‌های چهارگانه‌ی آن هم: تدریس، آموزش عملی، داستان‌پردازی، گفتگو و پژوهش است. به طور کلی، هر تجربه‌ای که تاثیر شکل‌دهی بر شیوه‌ی اندیشه، احساس یا کارایی فرد داشته باشد، می‌تواند نوعی آموزش تلقی گردد. اما "پرورش" به جریان یا فرایند منظم و مستمری گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه‌ی شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه‌ی رو به کمال و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای پرورش دیدگان است. به کوتاه سخن، با این نگاه، هدف عمده‌ی همه‌ی نهادهای آموزشی، پرورش دادن انسان‌ها در جهت شکوفا ساختن استعدادهای جامعه‌ای است که در آن می‌زیند. با این نگاه می‌توان گفت که امروزه جهان در روابط همسویی با هم یک جامعه‌ی کوچک روستایی است. در نتیجه، پرورش عمده و هماهنگ انسان باید لحاظ شود، تا سلامت محیط زیست، صلح و سعادت‌مندی جهان امروز تامین گردد.

کرونا و بازگشایی مدارس

حال با گشایش مدارس و با توجه به گفته‌های فوق در خصوص ویروس ویرانگر کرونا، اکنون نهاد "آموزش و پرورش" کشور چه وظایف مهمی را می‌باید به عهده گیرد؟

با توجه به محدودیت صفحات رسانه، مجبورم این قسمت را بسیار کوتاه ولی روشن و شفاف - با توجه به کمک گفته‌های بالا - بیان نمایم. آن‌چه بسیار ضروری است، این است که حالا که کرونا مهم‌ترین علت مرگ و میر کشور را به عهده دارد و به عامل غم‌زایی و رنج جمعی تبدیل شده است، باید علمی‌ترین روش در مهارش صورت گیرد تا اهداف آموزش و پرورش

پویا، جامعه‌ی تحقق پوشد و تفاوت آن با آموزش و پرورش ایستا (با توجه به معانی آموزش و پرورش می‌توان گفت: ایران اکنونی) کاملاً متمایز گردد. گفتنی است که کرونا گاه در پاره‌ای از اوج‌ها تا هر دو دقیقه یک نفر ایرانی را کشت و این یک نفر چه تعدادی را که بر عزای خویش نشانند. این خود درد استخوان‌سوز دیگری است و یا مشکلات عمده‌تر نیز می‌آفریند. سوای تزییق واکسن عمومی بر اساس استانداردهای بهداشت جهانی، کتاب‌های مرتبط آموزشی با زبان ساده بایستی به مبحث کرونا بپردازند و آموزش و پرورش را با توجه به ضروری‌ترین نیاز در مقابل این بیماری مسلح نماید. می‌توان گفت سلامت دانش آموزان کشور، یعنی سلامت غالب افراد کشور و جامعه‌ای که در آن می‌زییم. در نتیجه از هر دریچه‌ای که نگاه کنیم، اکنون این ضرورت - یعنی واکسیناسیون همگانی معتبر و آگاهی دادن به دانش آموزان مدارس - بسیار احساس می‌شود و اجتناب ناپذیر است.

البته محتوای پویا، تنها کرونا نیست؛ می‌توان گفت که بسیاری از مطالب کنونی کتاب‌های درسی ما به روز نیستند و با تعریف مقوله‌ی شفاف آموزش و پرورش پویا، فرسنگ‌ها فاصله دارند و از این بابت زبان‌های سنگین روحی-روانی و بی‌انگیزگی، مهلک‌ترین ضربات مستمر را به پیکره‌ی جامعه و به صورت روزافزون می‌زند و آمار خروجی‌هایش بر همگان کاملاً عیان شده است. کثرت روزافزون اعتیاد، طلاق، افسردگی، خشونت، اختلاس، نامهربانی و عدم گذشت، گسست خانوادگی و خودکشی‌ها و دعوای خیابانی که تفسیرشان بماند در مجالی دیگر، از جمله این خروجی‌هاست.

در پایان بر خود فرض می‌دانم به روان بنیان گزار مدارس ابتدایی نوین ایران، میرزا حسن رشیدی، درود بلند بفرستم. او در وصیت خود گفته بود: «مرا در محلی به خاک بسپارید که هر روز شاگردان مدارس نوین از روی گورم بگذرند!»

با توجه به شناختی که امروز از کارکرد تفکر اسلام اصولگرایی داریم، بر همه‌ی تحصیل کرده‌ها و معلمان ایران است که در همین آغاز سال تحصیلی جدید، نسبت به نگاه ژرف میرزا حسن رشیدی، همگی با هم سر تعظیم خم نماییم. همو که در تاسیس دبستان رشیدی در تبریز و بعدها نیز با همه‌ی موانع و مخالفت‌های افراد پرشماری در سراسر ایران، دبستان‌های دیگری با نام رشیدی بنا نهادند و در ایجاد این نوع مدارس به راستی رنج‌های استخوان‌سوزی متحمل شدند. اکنون به پاس اوست که چنین مدرسی با آموزش‌های نوین شکل رسمی به خود گرفته است؛ ورنه جای همه‌ی ما هم‌چنان در ملاخانه‌ها و مکتب‌خانه‌ها بود!

پانوش:

نگارنده‌ی این مطلب، مولف کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی با بیش از سه دهه سابقه در فضای آموزشی کشور است.

ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



کتابش را می‌خواند. به حیاط دوید، از دور کتابش را دید و خوشحال شد. وقتی که نزدیک رفت، خیلی ناراحت شد. شب باران



کتابش را می‌خواند. به حیاط دوید. از دور کتابش را دید و خوشحال شد. وقتی که نزدیک رفت، خیلی ناراحت شد. شب باران

فرهنگی

■ کتاب درسی، حیاط خلوت تبلیغات ایدئولوژیکی



محمدعلی مهدی زاده
کارشناس آموزش

در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۲ سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به سران سه قوه ابلاغ شد و قرار بود بعد از ۲۲ سال از تاریخ ابلاغ این سند، ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل باشد. (۱)

و از آن تاریخ سیاست نظام از سرمایه‌گذاری روی صنایع کوچک به سمت پروژه‌های بلندپروازانه مثل پرتاب ماهواره، فرستادن انسان و حیوان به فضا، کمک‌های مستشاری نظامی در منطقه و جهان، شبیه‌سازی حیوانات از جمله شبیه‌سازی یوزپلنگ ایرانی، موشک‌های قاره‌پیما و غیره رفت. صحبت مسئولین هم از مدیریت جهانی بود.

شکی نیست که پرتاب ماهواره، ساخت موشک‌های دوربرد، نانو تکنولوژی و انرژی هسته‌ای از مشخصه‌های یک کشور پیشرفته است، اما بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی جهان که

به این مسائل می‌پردازند ابتدا زیرساخت‌های اقتصادی خود را درست می‌کنند و صنایع کوچک را فدای این پروژه‌ها نمی‌کنند و همزمان، هم در صنایع کوچک و هم در صنایع پیشرفته رشد می‌کنند، اما کشورهایی که زیرساخت‌های اقتصادی آن فرسوده است و بسیاری از مردم کشور آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند، فقط به جهت تبلیغات و نشان دادن یک کشور پیشرفته از خود در جهان به این پروژه‌های بلندپروازانه روی می‌آورند. در ایران هم شاهد تبلیغات وسیعی از این موارد هستیم.

یکی از رسانه‌های مطمئن، مفید و کم‌خرج برای تبلیغات در این زمینه کتب درسی مدارس بوده است، چون مخاطب آن:

الف) مجبور است این مطالب تبلیغی را بخواند؛

ب) به علت سن کم، قدرت تحلیل مسائل کلان کشوری را ندارد و برای صحت یا سقم این مطالب تحقیقی نمی‌کند و راحت باور می‌کند؛

ج) تاثیر تصاویر بر ذهن دانش‌آموزان و ماندگاری آن خیلی بیش‌تر از بزرگسالان است، تا جایی که بسیاری از مردم هنوز با یک حس خوب از داستان‌ها و عکس‌های کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی و متوسطه یاد می‌کنند.

البته مسئولین کشور از همان اول انقلاب به تاثیر کتب درسی و دانشگاهی واقف بودند و یکی از اولین اتفاقاتی که در آن سال‌ها افتاد، تغییر کتب درسی بود.

به عنوان نمونه، یک صفحه از کتاب فارسی اول دبستان قبل از انقلاب و تغییر آن در بعد از انقلاب آورده شده است که

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

در خصوص پیشرفت‌های علمی و فناوری و نظامی کشور، در جای جای کتاب‌های درسی از اول ابتدایی تا پایه‌ی دوازدهم به صورت‌های گوناگون سخن به میان آمده است و چون بنده چندین سال درسی ریاضی را تدریس نموده‌ام به ذکر چند نمونه از آن‌ها می‌پردازم:

در کتاب ریاضی ۲ رشته‌ی ریاضی-فیزیک در درس لگاریتم:

سلول‌های بنیادی

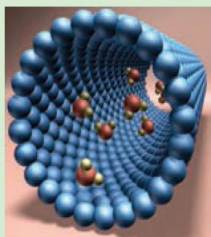
در یکی از روزهای سال ۱۳۸۲ این خبر به تمام دنیا مخابره شد. پژوهشکده‌ی رویان به عنوان مرکز تحقیقات علوم سلولی و درمان ناباروری جهاد دانشگاهی، موفق به تولید سلول‌های بنیادی جنینی انسان شد. این سلول‌ها قابلیت تکثیر نامحدودی دارند و می‌توانند تمام انواع سلول‌های بدن نظیر عصب، ماهیچه‌ی قلبی، کبدی و ... را به وجود آورند.

که البته بعد از تغییر کتب، مطلب بالا در ریاضی ۲ به شکل زیر تغییر یافت و در فصل توان و عبارت‌های گویا آورده شد:

پژوهشگاه رویان هشتم خرداد ماه سال ۱۳۷۰ به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف ارائه خدمات درمانی به زوج‌های نابارور و پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروری توسط زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی و گروهی از پژوهشگران و همکارانش در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران تأسیس شد. در حال حاضر این پژوهشگاه فعالیت‌های پژوهشی خود را در سه پژوهشکده پزشکی تولیدمثل، سلول‌های بنیادی و زیست فناوری دنبال می‌کند و در دو مرکز درمان ناباروری و سلول درمانی نیز به بیماران خدمات ارائه می‌کند.

در کتاب پایه‌ی نهم درس توان:

فناوری نانو

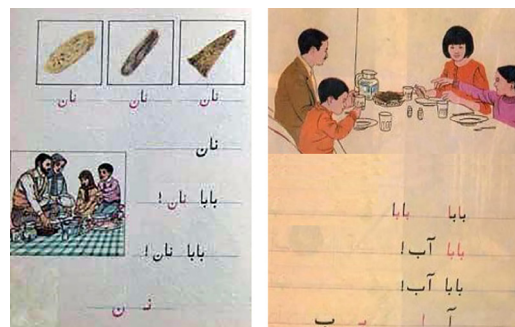


فناوری نانو مجموعه‌ای از فرایندهای تفکیک، ادغام و تشکیل مواد در حد یک اتم یا مولکول است. یک نانومتر برابر 10^{-9} متر؛ یعنی صدهزار برابر از قطر موی سر انسان کوچک‌تر است. کشور عزیز ما ایران بین ده کشور برتر در حوزه فناوری نانو قرار دارد.

کتاب ریاضی پایه‌ی هشتم:



در این دو تصویر می‌توان تغییر فضای ایدئولوژی و سبک زندگی را مشاهده نمود. در هر دو تصویر خانواده را با دو فرزند، یکی پسر و یکی دختر نشان می‌دهند، اما در تصویر بعد از انقلاب، خانم‌ها با حجاب و آقایان با ریش آورده شده‌اند، میز نهارخوری خانواده -که آن سال‌ها از نماد اشرافیت‌گرایی بود- حذف شده و خانواده بر روی زمین نشسته‌اند و هم‌چنین می‌بینیم که در تصویر اول با قاشق غذا می‌خورند ولی تصویر تغییر یافته‌ی بعد از انقلاب، غذا خوردن را با دست نشان داده شده است!



بعد از ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران به سران سه قوه، شاهد تغییر نظام آموزشی کشور و تغییر اساسی کتب درسی بودیم به نحوی که محتوای کتب درسی تغییرات چشمگیری داشت.

البته در همه‌ی کتاب‌های درسی جهان تلاش می‌شود غرور ملی، میهن دوستی، امید به زندگی، روحیه‌ی مشورت و مشارکت و باورهای دینی و همزیستی مسالمت آمیز را در دانش آموزان تقویت کنند؛ اما چیزی که نگران کننده است این است که آیا همه‌ی اطلاعاتی که از پیشرفت‌های کشور و قهرمان‌سازی‌ها در کتب درسی ما آمده است، واقعیت دارد یا فقط در جهت تلقین حس برتر بودن، آورده شده‌اند؟

در این جا به ذکر چند نمونه می‌پردازم:

مثلاً در سیزدهم بهمن ۱۳۹۳ ماهواره‌ی فجر با ماهواره بر سفیر-۱ب به فضا پرتاب شد تا در مدار ۴۵۰ کیلومتری زمین قرار گیرد و ادعا شد که این ماهواره یک سال و نیم در مدار باقی خواهد ماند. اما منابع مستقل اعلام کردند که این ماهواره در ۲۶ فوریه ۲۰۱۵ برابر با ۶ اسفند ۱۳۹۳ سقوط کرده است. (۲)

با این حال، از آن سال در پشت جلد کتاب ریاضی پایه هشتم تصویر زیر دیده می‌شود:



ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

از این موارد در کتاب درسی به فراوانی یافت می‌شود.

و اکنون چهار سال به آن وعده‌ی بزرگ مانده است و احساس می‌شود که هرچه به ۱۴۰۴ نزدیک می‌شویم، مسئولین کشور نگران‌تر می‌شوند؛ چون کشور از آن سال تاکنون دقیقاً در جهت عکس سند چشم انداز در حال حرکت بوده است. الان نه تنها اقتصاد اول منطقه نشدیم، بلکه از اقتصاد سال ۱۳۸۲ خودمان هم عقب‌تر مانده‌ایم.

در نتیجه باز تلاش می‌شود در کنار تربیون‌های رنگارنگی مانند صداوسیما و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و فضاهای مجازی و تربیون‌های مذهبی از کتاب‌های درسی نهایت استفاده را در جهت ایجاد این حس که -ما در منطقه از نظر اقتصادی و فناوری و علمی اول هستیم و خیلی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا دنبال کسب تجربه از ما هستند- استفاده نمایند.

تا جایی که در زمینه‌ی کرونا با وجود این که بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا غافلگیر شده بودند و در زمانی که هنوز واکسن کرونا در این کشورهای پیشرفته به تولید انبوه نرسیده بود، مسئولین با مخفی کردن آمار کشته شدگان و رونمایی کردن از دستگاه‌هایی مانند کرونایاب مستعان و یا چندین واکسن سعی داشتند القاء کنند که کرونا را در ایران کنترل کرده‌اند و نیز با صحبت‌هایی مانند این که چندین کشور پیشرفته از این‌ها خواسته تا تجربه‌ی خود را در اختیارشان قرار دهد، سعی داشتند همان حس اول بودن را که در چشم انداز ۱۴۰۴ آمده بود، القاء نمایند.

حال سوال این است که وقتی در صداوسیما و شبکه‌های ماهواره‌ای که بیننده‌هایی از طیف‌های گوناگون و سنین مختلف دارند که برخی از آن‌ها قادر به تجزیه و تحلیل این موارد هستند، مسئولین راحت می‌توانند اوضاع را وارونه جلوه دهند، در کتاب‌های درسی که حیاط خلوت آن‌ها هست و مخاطبان کودک و نوجوان دارد، چگونه اوضاع را جلوه خواهند داد؟!

در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی نهم که قرار بود در سال تحصیلی جاری و در مهر ماه ۱۴۰۰ در اختیار دانش آموزان قرار گیرد، ادعا شده بود که ایران «توانست جزو کشورهای برتر جهان در درمان بیماری کرونا باشد».

که با پیگیری صاحب نظران در فضاهای مجازی مجبور به تغییر شدند. گویا بعد از اینکه کرونا در ماه‌های خرداد و تیر کمی فروکش کرده بود، مسئولین با تصور این که دیگر کرونا از بین رفته است، سعی کردند هرچه سریعتر این موفقیت اتفاقی (!) را به نفع خود مصادره کنند.

یکی دیگر از موضوعات تبلیغی در کتاب‌های درسی، مسائل سیاسی کشور است. مبارزه با آمریکا، کم رنگ کردن نقش

انقلابیونی که موضع رادیکالی نسبت به عملکرد حکومت دارند -به خصوص در قسمت تاریخ- و بلعکس از جمله این موارد است. مثلاً تغییر عکس معروف رزمندگان در روز فتح خرمشهر که در آن تصویر، رزمندگان عکس‌های امام خمینی را در دو سمت چپ و راست ورودی مسجد آویزان کرده بودند اما عکس روی جلد کتاب ششم دبستان سال ۱۳۹۶، با فتوشاپ تغییر کرده تا پوستر سمت چپ ورودی مسجد، به پوستری از مقام رهبری تبدیل شود.

یا بعد از انتخابات ۱۳۸۸ در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم راهنمایی نظام قدیم، عکس کابینه‌ی شهید رجایی که قبلاً در این کتاب بود را تغییر داده تا میرحسین موسوی از جمع وزرا حذف کنند.



آیا می‌دانید این هیئت دولت مربوط به دوره‌ی ریاست جمهوری چه شخصی است؟



آیا می‌دانید این هیئت دولت مربوط به دوره‌ی ریاست جمهوری چه شخصی است؟

جالب این است که خود طرفداران حاکمیت هم معترض برخی تصاویر کتب درسی هستند.

از تصویر نقاشی شده از بازی کردن ۳ پسر و دو دختر بر روی جلد کتاب ریاضی سوم ابتدایی، که بالاخره موفق شدند تصویر دو دختر را حذف کنند و در سال ۹۹ با بهت و حیرت همه، تصویر جلد کتاب ریاضی سوم دبستان بدون عکس دخترها دیده شد.



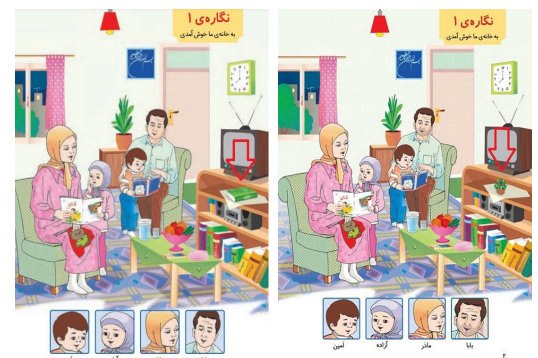
اصلاح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

و وقتی جار و جنجال زیاد شد عطای عکس را به لقای آن بخشیدند و تصور جلد کتاب ریاضی سوم دبستان را در سال جدید به شکل زیر طراحی کردند.



و یا طرفداران حکومت سال ۱۳۹۹ دولت را محکوم می‌کنند که به خاطر سند ۲۰۳۰ عکس قرآن را از یکی از تصویرهای کتاب اول دبستان حذف نموده است:



تا جایی که رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وادار به پاسخگویی شد و عنوان کرد که دلیل حذف این بوده که کتاب قرآن در ردیف وسط یک میز تلویزیون قرار داشت و این موضوع با گلایه‌هایی همراه بود و عنوان شده بود که جای قرآن آن‌جا نیست و باید در جای برتر باشد. بر همین اساس قرار شد جای جدیدی برای کتاب قرآن پیدا کنند اما چون جای مناسبی در تصویر یافت نشد و از طرف دیگر در صفحات دیگر همین کتاب، بارها و بارها به آیات قرآن توجه شده است، تصمیم گرفتند که کلاً عکس قرآن را از این تصویر حذف کنند و به جای آن گلدان بگذارند.

و البته در سال جدید قرار است این تصویر به شکل زیر در

کتاب اول دبستان تغییر یابد: (۳)



اصلاح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

در پایان جا دارد از سه پژوهش که مربوط به کتب درسی ایران می‌شود یاد کنیم:

الف) آسیب شناسی تاثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر

در چکیده‌ی این پژوهش که توسط منصوره کریمی قهی، دانش آموخته دکتری تاریخ دانشگاه الزهرا تهیه شده است، آمده است: «انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی، جنگ، نحوی تراکم یا توزیع قدرت در دست احزاب و جریان‌های سیاسی از مصادیق بارز تغییرات سیاسی به شمار می‌آیند که به دگرگونی مبانی ارزشی و نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌انجامد. بیش‌ترین بازتاب این دگرگونی در نظام آموزشی کشور انعکاس می‌یابد؛ زیرا حاکمیت، برای تبیین مبانی ارزشی و ایدئولوژیکی خود، می‌کوشد آن را از طریق مواد آموزشی به ویژه کتاب‌های درسی به کودکان و نوجوانان منتقل نماید. از میان کتاب‌های درسی، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که منعکس‌کننده‌ی تحولات جامعه و سیاست‌گذاری‌های حاکمیت‌هاست، کتاب‌های تاریخ است. این مقاله با هدف آسیب شناسی تاثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران، با رویکردی تطبیقی به بررسی کتاب‌های تاریخ قبل و بعد از انقلاب پرداخته است. دغدغه‌ی اصلی آن، پاسخ به این سوال است که تحولات سیاسی، تاریخ نگاری کتاب‌های درسی را دچار چه آسیب‌هایی نموده است؟»

در این پژوهش نمونه‌هایی از تغییر موضوعات تاریخی بنا بر مصلحت‌های سیاسی یادآوری شده بود. حتی تا این حد که در کتاب تاریخ سال سوم متوسطه سال ۱۳۸۶، یک درس کامل به امتیازات تحمیل شده به ایران از سوی به قدرت‌های استعماری اختصاص یافته بود؛ بدون آن‌که ذکر از امتیازات واگذار شده به روسیه به میان آید.

ب) بررسی و تحلیل داستان‌های کتاب فارسی کلاس اول در ایران و مقایسه‌ی آن با داستان‌های کتاب زبان کلاس

اول در دو کشور شرقی و غربی یعنی چین و آلمان

دکتر علیرضا عابدین، دارای دکترای روانشناسی بالینی و استاد دانشگاه، به این منظور تمامی داستان‌های کتاب فارسی اول ابتدایی در ایران، شامل ۵۱ داستان منتشر شده در سال ۱۳۹۱، هم‌چنین ۴۴ داستان از داستان‌های کتاب کلاس اول چین و ۲۶ داستان از مجموعه چهار کتاب کلاس اول آلمان را به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب کرده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نیازهای "پیروی" و اطاعت در ایران، "پیشرفت" در آلمان و "مهرورزی" در چین، سه نیاز اول و اصلی در سه کشور هستند.

در ادامه محقق نتیجه می‌گیرد:

«کودک ایرانی می‌آموزد طلب کننده و گیرنده (مصرف کننده و تنبل) باشد، کودک چینی می‌آموزد دهنده و بخشنده (تولیدکننده و کارگر) باشد،

و کودک آلمانی اساساً چیزی طلب نمی‌کند (استقلال طلب). بر این پایه می‌توان نتیجه گرفت کودک ایرانی در کتاب درسی خود یاد می‌گیرد که مطیع و سربه زیر باشد. نگاه کودک ایرانی یا به سمت پایین است و یا از پایین به بالا نگاه می‌کند. نگاه کودک چینی به اطراف است و یک نگاه دایره‌وار دارد. ولی کودک آلمانی یک حرکت و نگاه رو به جلو و هدفمند دارد. او به یک نقطه و هدف چشم می‌دوزد و تنها برای رسیدن به آن در یک خط سیر مشخص می‌کوشد و در نهایت هم موفق است». (۴)

ج) لیستی از بدترین کتاب‌های درسی جهان

این مقاله که توسط مجله فارین پالیسی که بنیان‌گذاران آن ساموئل هانتینگتون و وارن منشل هستند، تهیه شده است و لیستی از بدترین کتاب‌های درسی جهان را ارائه می‌دهد. در این مقاله به کتب درسی ایران، چین، عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا و روسیه پرداخته و آن‌ها را نقد و بررسی نموده است. مواردی که در کتب درسی ایران مورد نقد قرار گرفته شده است، شهروند درجه یک نشان دادن برخی افراد جامعه به خاطر داشتن اعتقادات مذهبی رسمی، شهروند دو نشان دادن زنان جامعه و تشویق دانش‌آموزان کم سن به جهاد علیه کفار است.

مقاله با این جمله شروع می‌شود که: «درست است که مسئولین ایران از رسانه‌های جدید برای به اشتراک گذاشتن پیام سیاسی خود به جهان استقبال می‌کنند، اما در جامعه و خانه سعی دارند با کتاب‌های چاپی پیام‌های خود را تلقین کنند».

هم‌چنین در مورد کتب درسی در چین آمده است: «رهبران چینی در کتاب‌های درسی سعی دارند در نظر میلیون‌ها دانش‌آموز، خود را بی‌نهایت بی‌گناه و پاک و بی‌نظیر در قدرت نظامی و قدرت بزرگ جهانی نشان دهند که در عین بزرگی و غرور،

متواضع و فروتن است». در این مقاله به نمونه‌هایی از تحریف تاریخ چین -مانند حمله به تبت در سال ۱۹۵۰ و جنگ با ویتنام در سال ۱۹۷۹ و جنگ با ژاپن و قحطی و مرگ ۳۰ میلیون از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱- به نفع خود یاد می‌شود.

عمده انتقاد به کتاب‌های عربستان، یهودستیزی و ترویج جهاد علیه دشمنان مسلمانان عنوان شده که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر مقامات عربستان در تلاش حذف و اصلاح آن قسمت‌هایی از کتب درسی برآمدند که مسیحیان، کمونیست‌ها، صهیونیست‌ها و بی‌ایمانان را دشمن مسلمانان معرفی می‌کند.

این مقاله در نقد کتب درسی در ایالات متحده آمریکا این چنین می‌نویسد: «هیاتی آموزشی در تگزاس یک برنامه‌ی درسی جدید ارائه نموده‌اند و پیشنهاد کرده‌اند موارد زیر اصلاح شوند:

(۱) امپریالیسم که امروزه به عنوان توسعه طلبی نامیده می‌شود (۲) مارگارت سانگر فعال در زمینه پیش‌گیری از بارداری که به عنوان "مروج اصلاح نژاد" در کتاب‌های درسی از او نام برده شده (۳) سازمان‌ها و افراد اصلی احیای محافظه کارانه دهه‌ی ۱۹۸۰ و دهه‌ی ۱۹۹۰، از جمله فیلیس شلافلی بنیاد هریتیج، اکثریت اخلاقی (یک سازمان سیاسی برجسته‌ی آمریکایی بود که با حزب جمهوری‌خواه راست و مسیحی مرتبط بود) و انجمن ملی تفنگ (۴) توماس جفرسون، خالق عبارت "جدایی کلیسا و دولت" از لیست متفکران جهان که الهام بخش انقلاب‌های عصر روشنگری بودند حذف شود. (۵) به احترام دمکرات‌ها در درس «رسوایی‌های سیاسی» ماجرای واتر گیت هم به استیضاح بیل کلینتون اضافه شود».

تطهیر چهره‌ی استالین که در زمان رهبری او ۲۰ میلیون روس جان خود را از دست دادند، از جمله انتقادات این مقاله از کتب روسی است. نویسنده ادعا دارد در حالی که ۸۳ صفحه کتاب به برنامه‌های صنعتی سازی جوزف استالین اختصاص دارد، ولی تنها یک پاراگراف به قحطی بزرگ روسیه در سال‌های ۱۹۲۱-۲۲ پرداخته است. هم‌چنین در کتب درسی روسیه نقش متحدان شوروی در جنگ جهانی دوم به حداقل رسیده و عنوان شده است که نقش آن‌ها عمدتاً به تامین سلاح و مواد مورد نیاز شوروی محدود شده است. (۵)

پانوشته‌ها:

۱. وبسایت آیت الله خامنه‌ای

۲. سرنوشت ماهواره فجر چه شد؟، خبرآنلاین، ۱۵ فروردین

۱۳۹۴؛ هم‌چنین بنگرید به وبسایت ان.وای.او (nyo.com)

۳. روایت دو تصویر حاشیه‌ساز کتب درسی / تصاویر چگونه اصلاح شدند؟، خبرگزاری فارس، ۱۰ شهریور ۱۴۰۰

۴. تحلیل محتوای کتاب فارسی اول دبستان سه کشور، وبسایت آینده‌نگاران مغز، ۴ آذر ۱۳۹۷

۵. مرکلسون، سوزان، بدترین کتاب‌های درسی جهان، فارین

پالیسی، ۸ سپتامبر ۲۰۱۰



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از خانه ملت

گفتگو

■ حسین حق‌وردی، عضو کمیسیون آموزش مجلس: در کشور واکسن برای دانش آموزان موجود نیست



گفتگو از مرتضی هامونیان

می‌پذیرد که نرم افزار شاد، نه "یک سری" که "خیلی" مشکلات داشته است. می‌گوید که «آموزش مجازی (آموزش از راه دور) آموزش حضوری نمی‌شود» و به نظر او «تحصیل یک فرآیند دو طرفه است». هم‌چنین بر این باور است که «ما نمی‌توانیم سلامتی معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان را به خطر بیندازیم». او حسین حق‌وردی، نماینده‌ی دوره‌ی یازدهم مجلس شورای اسلامی از حوزه‌ی انتخابیه شهریار، شهرقدس و ملارد از استان تهران و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس است. به نظر او زمانی مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند بازگشایی

شوند که اساتید، معلمان و دانشجویان علیه بیماری کرونا واکسینه شده و برای دانش‌آموزان نیز واکسن مناسب فراهم شده و آن‌ها نیز واکسینه شوند. در عین حال می‌داند و می‌گوید که «در کشور ما واکسن کرونا برای سنین زیر هجده سال، یعنی دانش‌آموزان، موجود نیست».

با توجه به وضعیت واردات واکسن کرونا و مسائلی که در خصوص آن مطرح شده، تقریباً چشم انداز روشنی در این خصوص دیده نمی‌شود. در نتیجه مشخص نیست چه زمان در کشور ما واکسن برای دانش‌آموزان "موجود" می‌شود و تا چند وقت و حتی سال دیگر آموزش به صورت مجازی ادامه پیدا خواهد کرد.

گفتگوی ماهنامه خط صلح با او پیش از جلسه‌ی تصمیم‌گیری در کمیسیون آموزش مجلس در خصوص نحوه‌ی

خط صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها انجام شد. جلسه‌ای که نتیجه‌ی آن تصمیم‌گیری در مورد بازگشایی ترکیبی و تدریجی مدارس و دانشگاه‌ها از اواسط مهر ماه بود. نتیجه‌ی جلسه‌ی کمیسیون آموزش هم نشان می‌دهد که حتی برای دستگاه‌های تقنینی و اجرایی کشور هم مسئله‌ی چگونگی آموزش در سال تحصیلی پیش رو روشن نیست. مشروح گفتگوی ماهنامه خط صلح با حسین حق‌وردی، نماینده و عضو کمیسیون آموزش مجلس را در زیر می‌خوانید:

■ **واکسیناسیون معلمان در جریان است. این واکسیناسیون در چه مرحله‌ای است و چه تعداد از معلمان واکسینه شده یا خواهند شد؟**

برای بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها جلسه‌ای در کمیسیون آموزش و تحقیقات با حضور سرپرست وزارت آموزش و پرورش، وزیر بهداشت و وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برگزار خواهد شد. آن‌چه برای ما در درجه‌ی اول مهم است، حفظ سلامتی معلمان، اساتید، دانش‌آموزان، دانشجویان و خانواده‌هاست. اولین اولویت ما حفظ سلامتی آن‌هاست. اگر شرایط طوری باشد که ستاد ملی مبارزه با کرونا واکسیناسیون صددرصد اساتید، دانشجویان و معلمان را تایید کند، در آن صورت و با رعایت سخت‌گیرانه‌ی پروتکل‌های بهداشتی می‌شود برای بازگشایی حضوری مدارس تصمیم‌گیری کرد. صرفاً تصمیم‌گیری، نه این‌که حتماً اجرایی شود. در حال حاضر برنامه‌ی واکسیناسیون در حال اجراست. گزارش‌هایی که در اختیار داریم نشان می‌دهد که روند واکسیناسیون خوب است ولی تکمیل نشده. اکثریت همکاران فرهنگی واکسینه شده‌اند. واکسیناسیون اساتید دانشگاه‌ها شروع شده و دانشجویان هم واکسینه شده و خواهند شد. در مورد واکسن دانش‌آموزی هم، چون دانش‌آموزان اکثراً زیر ۱۸ سال هستند، فعلاً واکسن برای نوجوانان یا متناسب شرایط سنی آن‌ها در کشور موجود نیست، برای دانش‌آموزان یا باید جداگانه واکسن وارد کنیم یا این‌که در داخل تولید کنیم.

■ **آیا معلمان حق‌التدریسی هم مشمول واکسیناسیون می‌شوند؟**

بله، همه‌ی معلمان واکسینه می‌شوند. آن‌ها هم معلم و مشغول تدریس هستند. در بحث واکسن فرقی بین معلم رسمی، حق‌التدریسی و غیره نداریم.

■ **فرض کنید در جلسه‌ی پیش‌رو، کمیسیون آموزش به این نتیجه برسد که مدارس بازگشایی شوند، آیا دانش‌آموزان واکسینه شده‌اند؟**

نه. در این جلسه صرفاً گزارش داده می‌شود. قرار نیست تصمیم‌گیری شود که مدارس باز شوند یا نه! قطعاً اول مهر که بازگشایی به صورت آموزش حضوری نداریم. کلاً در حال حاضر امکان آموزش به صورت حضوری نداریم چون واکسیناسیون هنوز در جریان است و تمام نشده. با توجه به مسائلی که عرض کردم، اگر صددرصد معلمان، صددرصد اساتید و صددرصد دانشجویان واکسینه شوند و واکسن متناسب دانش‌آموزی هم تهیه شود و مراجع اعلام کنند که واکسیناسیون صددرصد انجام شده است، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، تازه میشود در مورد آموزش حضوری تصمیم‌گیری کرد. برای دانش‌آموزان هم باید واکسن مناسب تهیه شود که فعلاً موجود نیست.

■ **پس زمانی مدارس بازگشایی می‌شوند که تمام این شرایط مهیا باشد؟**

این نظر بنده است.

■ **با این حساب و با در نظر گرفتن این شرایط به نظر شما اولویت با آموزش مجازی است؟**

احتمالاً بله.

■ **اما آموزش مجازی هم یک سری مشکلات داشته است. مثلاً خود نرم افزار شاد مشکل داشته و بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان را با چالش جدی مواجه کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟**

یک سری نه! خیلی مشکلات داشته است. ولی مجبوریم. ما نمی‌توانیم سلامتی معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان

خط صلح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

چه کاری می‌تواند انجام بدهد؟

در این رابطه، طرح رتبه‌بندی معلمان مطرح است که البته ارتباطی به کرونا ندارد. چه کرونا باشد چه نباشد، حقوق معلمان کم بوده است. بحث رتبه‌بندی در کمیسیون آموزش مطرح و تصویب شده است و در نوبت صحن قرار دارد. یعنی هیات رئیسه باید آن را بارگذاری کند و بعد نماینده‌ها نظرشان را بدهند و تبدیل به طرح شود. ان‌شاءالله در نهایت با اعمال نظرات نمایندگان طرح مصوب می‌شود و شورای نگهبان هم آن را تایید خواهد کرد که تبدیل به قانون شود.

در لایحه‌ای که دولت ارسال کرده بود، اجرای بودجه بندی برای سه سال در نظر گرفته شده بود. کمیسیون آموزش به این نتیجه رسیده است که از امسال اجرایی شود. در نتیجه به اندازه‌ای که بودجه اختصاص داده شده، از امسال اجرایی می‌شود و سال آینده هم در بودجه سنواتی لحاظ خواهد شد.

■ در مورد رتبه‌بندی معلمان، گروه‌های صنفی مختلف معلمان در مورد شیوه‌ی اجرا و بودجه‌بندی آن نقدهایی داشتند، و اساساً هم معتقدند که بعید است این طرح اجرا شود. آیا نقدها لحاظ شده؟

عرض کردم که برای امسال که بودجه اختصاص داده شده است. برای سال‌های بعد هم در بودجه‌ی سنواتی لحاظ خواهد شد.

■ وزیر آموزش و پرورش تنها وزیری بود که رای نیاورد، آینده این وزارتخانه به چه صورت خواهد بود؟ به خصوص در این شرایط کرونایی و مشکلاتی که مطرح شد، به نظر شما دولت می‌تواند با سرپرست این وزارتخانه را اداره کند؟

دولت یک فرد توانمند و آشنا با ساختار آموزش و پرورش معرفی کنند، مجلس آمادگی این را دارد که سریعاً آن را بررسی کند و جلسه رای اعتماد را برگزار کند.

■ با سپاس از وقتی که در اختیار خط صلح قرار دادید.

را به خطر بیندازیم. یقیناً آموزش مجازی (آموزش از راه دور) آموزش حضوری نمی‌شود. تحصیل یک فرآیند دو طرفه است. این فرآیند باید حضوری باشد. اما در شرایطی که اجبار وجود دارد، این مطرح است. این ناشی از اختیار نیست، بلکه ناشی از اجبار است.

■ برای آموزش ابتدایی لزوماً حضور بچه‌ها در مدرسه است که شخصیت آن‌ها را و ارتباطشان با معلم را شکل می‌دهد. اگر این آموزش، مجازی باشد این اتفاق نمی‌افتد. نظر شما در این مورد چیست؟

عرض کردم که آموزش از راه دور و آموزش (مجازی) انتخاب ما نیست. ناشی از اجبار است. یعنی در شرایطی که روزی پانصد-ششصد کشته می‌دهیم، چاره‌ای جز این نداریم. به خصوص در مقطع ابتدایی که می‌دانید که دانش‌آموزان خودشان هم خیلی از مسائل را رعایت نمی‌کنند.

■ بعضی از دانش‌آموزان ساکن مناطق محروم در طول این یک سال و نیم گذشته دسترسی به تلفن همراه هوشمند، لپ‌تاپ و اینترنت نداشته‌اند، وضعیت آن‌ها به چه صورت خواهد بود؟ تصمیمی در این مورد گرفته شده است؟

ما سه میلیون دانش‌آموز داریم که در بحث آموزش مجازی و درس خواندن مشکل دارند. بعضی از مناطق روستایی دارای جمعیت دانش‌آموزی کمی هستند. بعضی از آن مناطق هم یا سفید هستند و یا آبی و شیوع بیماری در آن‌ها کم است. فکر می‌کنم در بعضی از مناطق که در آن‌ها شیوع بیماری زیاد نیست و اجتماع دانش‌آموزان هم کم است، با واکسینه شدن معلمان امکان پذیر باشد که جلسات را حضوری برگزار کرد. ضمن این‌که دولت حتماً باید برای دانش‌آموزانی که تحت آسیب هستند و لوازم لازم برای تحصیل را ندارند، یک فکر اساسی کند.

■ کرونا به اقتصاد معلمان آسیب وارد کرده است. معلمان همیشه قشر کم‌درآمد بوده‌اند و کرونا هم آن را تشدید کرده، تصمیمی در این مورد گرفته شده؟ مجلس

خط صلح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از رویترز

اجتماعی

بحران کرونا و نظام آموزشی



رادا مردانی
فعال صنفی معلمان

پرسش اینجاست که در کتب درسی و آموزشی، آیا باید مطالبی پیرامون کرونا به دلیل نیازهای روز جامعه و دانش آموزان گنجانده شود؟ پاسخ این پرسش آری است چه که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محتوای کتب درسی هدفمند بودن و به روز بودن محتوا است. معنای هدفمند بودن و به روز بودن محتوا هم چیزی نیست جز شبیه‌سازی بعد تئوریکال کتاب‌ها با زندگی عملی و عینی دانش آموزان به این معنا که محتوای آموزشی باید کاربردی و مفید باشد و با توجه به این موارد گنجانیدن و پیاده سازی مسائل مرتبط با بیماری کرونا از قبیل بیان واضح و قابل درک ساده و روشن این بیماری، ابعاد آموزشی پیشگیری از بیماری کرونا و در صورت ابتلا به آن، اقدامات لازم در جهت عدم انتقال و سرایت به دیگران حتماً و لزوماً باید در کتب درسی لحاظ شود.

از طرف دیگر گنجانیدن این بیماری در محتوای آموزشی کتب درسی تمام ویژگی‌های محتوای آموزش مدرن را از قبیل این‌که محتوای آموزشی باید نیاز فراگیران را برطرف سازد، بر اساس پدیده‌های علمی باشد و محرک رفتاری در دانش آموزان باشد، دارا است.

پرسش اساسی دیگر این است که نقش جامعه‌ی مدنی به طور عام و تشکلهای صنفی معلمان به طور خاص در مطالبه واکسیناسیون چگونه باید باشد؟

اگر دغدغه‌ی جامعه‌ی مدنی و تشکلهای صنفی را توجه و مذاقه در امور روزمره، نیازهای واقعی، دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک گروه صنفی بدانیم، مطمئناً مطالبه‌ی واکسیناسیون سراسری هم سطح با دیگر کشورها برای نجات جان آدمیان و نیز آموزش حضوری و مستقیم دانش آموزان و دانشجویان را می‌توان در ذیل و زیر مجموعه‌ی خواسته‌ها و مطالبات تشکلهای صنفی دانست.

انجمن‌های صنفی مختلف از جمله انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند ایران چندی قبل با صدور بیانیه‌ای خواستار واکسیناسیون سراسری کرونا برای عموم مردم ایران شدند؛ آن هم واکسینی که مورد تایید سازمان بهداشت جهانی باشد. بنابراین کانون‌های صنفی معلمان نیز بایستی مطالبه‌گر واکسینی باشند که با استانداردهای مورد تایید سازمان بهداشت جهانی مطابقت داشته باشد.

درباره‌ی تاثیر تبلیغات رسمی و گنجانیدن افتخارات مدیریت کرونا با آن‌چه که در جامعه مشهود است و سهمی که در اعتماد زدایی از آموزش و پرورش کنونی دارد، باید اذعان داشت که آن‌چه پروپاگاندا و تبلیغات حاکمیت در مورد تولید انواع واکسن‌های کرونا و واکسیناسیون عمومی نامید، در تضاد و تناقض کامل با آن چیزی است که عموم مردم در بطن جامعه مشاهده می‌کنند. وعده‌های فراوان کذبی که همواره برای تولید واکسن کرونا و حتی صدور این واکسن به خارج از کشور در دستگاه‌های تبلیغاتی حاکمیت مشاهده می‌کنیم سبب شده که نه تنها مردم وقعی به این ادعاها ننهند، بلکه سوژه‌ی خنده و لطیفه سازی برای مردم شده است. بی‌اعتمادی به حاکمیت به گونه‌ای است که با این‌که حدود دو ماه از آغاز واکسیناسیون برای معلمان می‌گذرد، اما بسیاری از معلمان از زدن واکسن خودداری نمودند؛ چرا که اعتمادی به واکسن‌هایی چون برکت و سینوفارم نیست.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از سی‌تی‌وی

اصناف

■ آسیب شناسی آموزش مجازی و مشکلات ایجاد شده برای معلمان



عزیزه انظاری
فعال صنفی معلمان

بود. در واقع این روش توانست و می‌تواند تعامل‌های بهتر و رفرنس‌های موضوعی بیش‌تری در اختیار معلم و شاگرد قرار دهد، که به نام تکنولوژی آموزشی در مدارس شکل گرفته است.

و چه امیدهای فراوانی در جهت توسعه یافتگی کشورمان و رهایی از عقب ماندگی‌ها و پر کردن شکاف میان ما و کشورهای توسعه یافته وجود دارد. البته در این راه قدم‌های خوبی هم برداشته شده که آمار و نتایج موفقیت در المپیادهای جهانی شاهد این امر است.

متأسفانه آموزش مجازی در این دو سال به جهت مشکلاتی چون:

۱. نارسایی‌های ارتباطی
۲. عدم دریافت پاسخ ارتباطی از مخاطب
۳. عدم کنترل بر محیط

دغدغی آموزش از دیرباز موضوعی بوده است که اکثر جوامع بشری بدان پرداخته و می‌پردازند. آموزش حضوری سال‌هاست که راه و رسم خود را در بین مخاطبین خود پیدا کرده و همیشه نوید بخش بهبود فرایند تعلیم و تربیت بوده است. آموزش مجازی یا غیرحضوری تفاوت معناداری با فرایند آموزش حضوری داشته؛ امید می‌رود از فرصت‌های پیش آمده بتوان در جهت بهبود پروسه آموزش استفاده کرد.

با این حال و از آنجایی که مخاطب همکاری نمی‌کند، در این راه در خصوص فرصت‌های پیش آمده افق روشنی را نمی‌توان دید. البته لازم به ذکر است که این فناوری‌ها قبل از همه‌گیری ویروس کرونا در کنار آموزش حضوری به صورت تخته‌ی هوشمند، فلش مموری دانش آموزی و غیره و با هدف کمک به بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری به کمک آموزش آمده

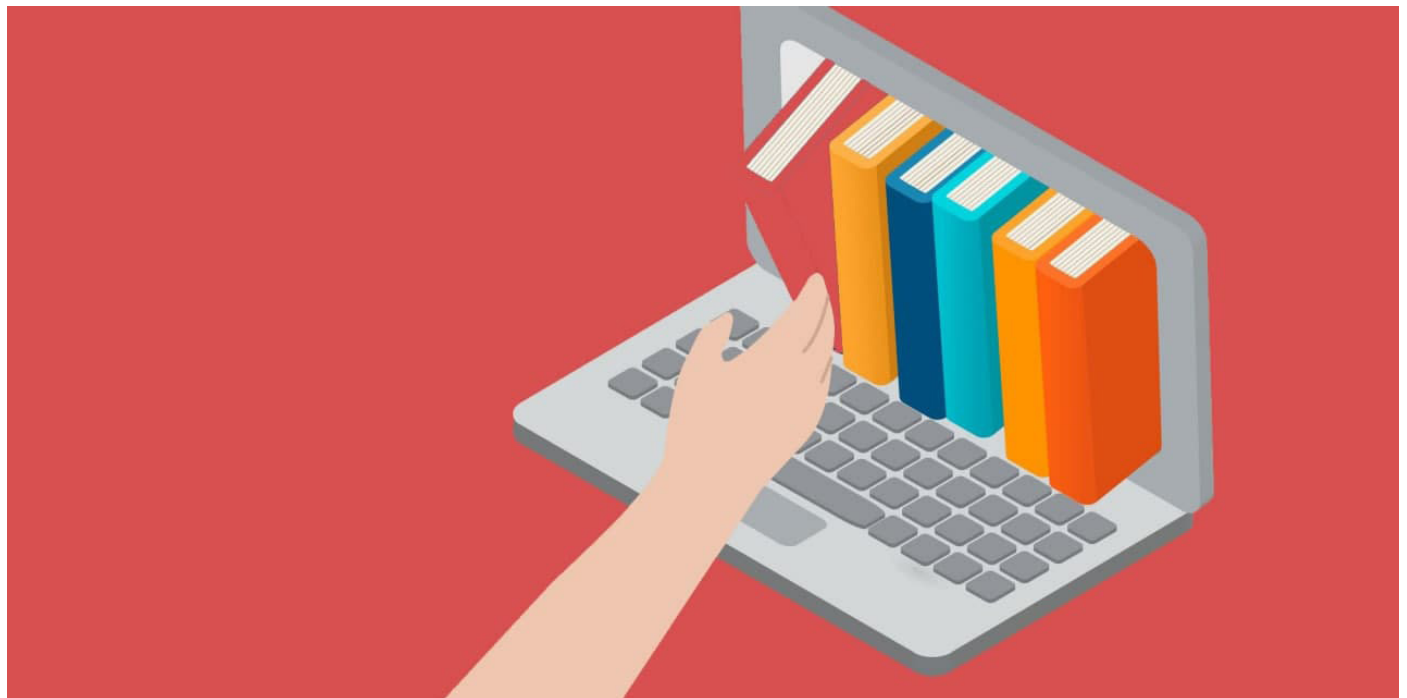
صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

کارایی لازم را نداشته است و در مجموع باعث خستگی و حتی فرسودگی مدرس می‌شود و شور معلمی را از بین می‌برد. نارسایی‌های ارتباطی در رابطه با بستر آموزش مجازی بی‌شمار است و آموزش و پرورش هنوز نتوانسته یک پلتفرم کامل و بی‌نقص ارائه دهد. کلیه مدارس دولتی سال گذشته مجبور به استفاده از پلتفرم شاد بودند، در صورتی که مدارس غیردولتی توانستند از پلتفرم‌های بهتری مانند اسکایپ و زوم و ادوبی کانکت استفاده کنند. اپلیکیشن شاد مشکلات عدیده‌ای داشت و با توجه به این که هر روز هم به روز رسانی می‌شد، نتوانست جوابگوی نیازهای تدریس معلمان و دریافت و آپلود دانش آموزان باشد. به همین علت معلمان قادر نبودند که ارتباط درست و کاملی با مخاطب خود ایجاد کنند و آن طرح درسی را که در زمان آموزش حضوری داشتند، به صورت مطلوب

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

نسل دهه‌ی هشتاد و نود خواهد آمد، هنوز برآیند مشخصی در دسترس نیست. آموزش مجازی در کشور ما هنوز زمان زیادی می‌طلبد تا راه خود را پیدا کند، چرا که این آموزش مبتنی بر مبنای نظری است. ما باید اساساً شرایطی را فراهم کنیم که امکان پیاده سازی آموزش مجازی وجود داشته باشد. از طرف دیگر باید مبنایی ایجاد کنیم که آموزش مجازی داوطلبانه و یک انتخاب شود. آموزش مجازی برای کسانی مناسب است که انگیزه‌ی کافی دارند و به دنبال توسعه فردی خودشان هستند؛ نه برای کسانی که با تحت فشار قرار دادنشان قرار باشد آن‌ها را به سمت آموزش سوق دهیم. هرچند که آموزش مجازی از دهه‌ی نود میلادی در جهان رو به گسترش است و زمینه‌های مختلفی برای توسعه بخشیدن به آن



اجرا کنند. در واقع معلمان به جهت عدم همکاری مخاطب و اشکالات فنی پلتفرم، نتوانستند بر محیط آموزشی کنترل و نظارت لازم را داشته باشند، که این باعث خستگی مفرط و از بین رفتن شور و شوق معلمی در مقایسه با زمان آموزش حضوری شد.

در این میان آن‌چه که حائز اهمیت است، نتیجه و ارزیابی از دانش آموزان است که در این موضوع، معلمان با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند. از آنجایی که متأسفانه رویکرد آموزش و پرورش در این سال‌ها بر محور نتیجه گرایی و ملاک نمره بوده، لذا دانش آموزان آن صداقت لازم را در این ارزیابی از خود نشان نمی‌دهند؛ از دانش آموز ضعیف گرفته تا دانش آموز درسخوان. بنابراین نسبت به این که چه بر سر آینده‌ی سواد

ایجاد شده، اما در کشور ما به دلیل ضعیف بودن زیرساخت‌های کلان و پایین بودن سرعت اینترنت این امکان عملاً وجود ندارد. این مسئله‌ی خاص باعث شده است که اغلب معلمان تدریسی ارائه دهند که میزان اثر بخشی آن پایین بوده است. در این راه انتظار می‌رود که آموزش دهنده از امکانات آموزش مجازی در ارائه‌ی محتوای آموزشی استفاده کند و همین‌طور از شیوه‌های روش تدریس فعال به نحوی بهره‌برد که به جای این که متکلم وحده باشد، دانش آموزان بتوانند از ویژگی‌های مختلف فضای وب استفاده کنند و بیاموزند. و در پایان قابل ذکر است که آموزش مجازی یا آنلاین با این که مشکلات عدیده‌ای در پی دارد، ولی در جهت توسعه کشور و در چشم انداز آینده لازم است که به این سمت گام برداریم.



تجمع معلمان مقابل اداره آموزش و پرورش استان فارس در روز بیست و هفت شهریورماه

اصناف

■ چالش‌های دولت رئیسی در آغاز سال تحصیلی و راه کارهای آن



رامین کریمی نیا
فعال صنفی معلمان

مسائل مالی مهمی هم چون رتبه‌بندی، فوق‌العاده‌ی ویژه، مشکلات صندوق ذخیره، عدم هم‌سان‌سازی دائمی حقوق بازنشستگان، فوق‌العاده‌ی خاص، فوق‌العاده‌ی کارایی، بیمه‌ی تکمیلی مناسب، وام کم‌بهره و سایر موارد رفاهی یا به خوبی انجام نشده یا برخی از آن‌ها اصلاً انجام نشده. این‌ها سوای مواردی است که سال‌هاست به طور ویژه برای بسیاری از دستگاه‌های دیگر دولتی اجرایی می‌شوند؛ مانند فوق‌العاده‌ی خاص و سایر موارد حمایتی. مقایسه‌ی دریافتی معلمان با سایر کارمندان و فاصله‌ی غیرقابل باور آن‌ها از یکدیگر که نمایندگان مجلس از دیدن آن‌ها تعجب می‌کردند، مؤید این ادعاست.

به زعم اکثر کارشناسان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر منزلت و معیشت معلمان بحث رتبه‌بندی آنان است که از سال ۹۰ در سند تحول و در سال‌های بعد در برنامه‌های توسعه‌ی پنجم و ششم و هم‌چنین قانون مدیریت خدمات کشوری آمده. انجام این امر بارها توسط مسئولان، رسانه‌ها و به خصوص صدا و سیما بیان و از آن بهره‌برداری‌ها شده.

اگر از دولت دهم آغاز کنیم، کاملاً واضح است که با وجود بالاترین درآمد نفتی کل تاریخ کشور متأسفانه بسیاری از

با بررسی میزان اهمیت‌دادن دولت‌های کشورهای پیشرفته‌ی جهان به آموزش و پرورش و تأثیر بی‌چون‌وچرای آن در توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی این کشورها و نگاهی گذرا به وقایع مرتبط با این حوزه در کشورمان به خوبی نمایان می‌شود که در دولت‌های پیشین آموزش و پرورش در اولویت نبوده است. مواردی مانند منزلت و شأن معلمی، کیفیت یاددهی و یادگیری، محتوای کتب درسی، عدم ثبات مدیریت، اهمیت‌ندادن به خلاقیت، کسب رتبه‌های ضعیف در آزمون‌های بین‌المللی «تیمز» و «پرلز»، سیاسی‌کاری در گزینش مدیران، غول‌کنکور، مافیای قدرت، نگرش منفی نسبت به آموزش و پرورش، اختصاص بودجه‌ی کم از سرانه‌ی ملی و مشکلات فضای فیزیکی و ابزار و لوازم کار و غیره در کنار عدم انجام

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

طرح‌ها، قوانین و مصوبات قبلی برای افزایش منزلت و بهبود رفاه و معیشت معلمان مانند رتبه‌بندی انجام نگرفت و در نهایت وزیر وقت آموزش و پرورش این امر مهم را به دولت بعدی موکول کرد. در دولت یازدهم اگرچه زمه‌هایی از اجرای آن به گوش رسید، اما هیچ‌گاه به طور کامل و درست انجام نشد. این طرح‌ها در مهر سال ۱۳۹۸ به صورت ناقص و برای شش ماه با درصدهای بسیار پایین اجرا شد. پس از آن متوجه شدند که چون هنوز به تصویب مجلس نرسیده، قابل اجرا نیست؛ بنابراین با ادغام آن با بند دیگری به نام «فوق‌العاده‌ی ویژه» اجرای آن را از اول سال ۱۳۹۹ با اختصاص درصدهایی بین نه تا بیست و یک به بخش‌هایی از حقوق و فوق‌العاده‌های معلمان آغاز کردند.

به دنبال اعتراضات گسترده‌ی معلمان بالاخره در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۹ لایحه‌ی رتبه‌بندی با نقایص فراوان به مجلس ارسال شد. کمیسیون آموزش مجلس با توجه به صبر ده‌ساله‌ی معلمان و درخواست‌های بسیار آنان، حسب درخواست نمایندگان معلمان و تشکلهای بسیاری از بندهای آن را به شکلی مناسب تغییر داد؛ از جمله بند هفت که از حالت اختصاص بیست و پنج درصد بیشتر از میانگین حقوق کارکنان دولت به حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها طبق تبصره‌ی سه‌ی ماده‌ی بیست و نه قانون برنامه‌ی ششم توسعه تغییر یافت. این امر با استقبال فرهنگیان مواجه شد، اما این خوشحالی چندان دوام نیافت.

هیأت رئیسه‌ی مجلس علی‌رغم وعده‌ی علنی ریاست سابق سازمان برنامه و بودجه در جلسه‌ی مورخ ۴ مرداد ۱۴۰۰ در حضور نمایندگان تشکلهای فرهنگی و دو نماینده‌ی مجلس مبنی بر تأمین بودجه‌ی آن توسط سازمان پس از تصویب مجلس به علت افزایش بار مالی و نامشخص بودن نحوه‌ی تأمین بودجه با آن مخالفت کرد و لایحه را برای بررسی بیشتر به کمیسیون ارجاع داد.

در جلسه‌ی مورخ ۲۳ شهریور این کمیسیون پیشنهاد جدید اختصاص پنجاه درصد از میانگین حقوق کارمندان دولت توسط رئیس کمیسیون مطرح و پس از سخنان دو نفر از نمایندگان معلمان مبنی بر اجرای هشتاد درصد و بحث و تبادل نظر نمایندگان کمیسیون به نتیجه نرسید و بررسی مجدد آن به اواسط مهرماه موکول شد.

دومین قانون مهمی که می‌توانست تأثیر نسبتاً خوبی بر دریافتی معلمان و کاهش فاصله‌ی تبعیض‌آمیز آنان با سایر کارمندان داشته باشد، فوق‌العاده‌ی ویژه بود که متأسفانه بعد از سال‌ها انتظار و در حالی که برای اکثر دستگاه‌ها بین سی و پنج تا پنجاه درصد در حال اجرا است، برای معلمان بعد از کش و قوس‌های فراوان بین دوازده تا بیست و هفت درصد به تناسب رتبه از ابتدای سال ۱۴۰۰ اعمال شد که بخش

دوازده درصدی آن برای معلمان جوان موجب اعتراض شدید همه‌ی معلمان، به خصوص معلمان تازه‌کار شد؛ ولی علی‌رغم همه‌ی اعتراضات وزارت آموزش و پرورش به آن‌ها وقعی ننهاد.

اینک دولت رئیسی در آستانه‌ی آغاز سال تحصیلی با چالش‌های بسیاری در حوزه‌ی آموزش و پرورش روبه‌روست: از یک سو بزرگ‌ترین دستگاه کشور که با چهارده و نیم میلیون دانش‌آموز، یک میلیون فرهنگی و بیش از سی میلیون خانواده طرف است، هنوز سکان‌دار خود را نشناخته: انتخاب‌نشدن نامزد اول که حتی کمیسیون آموزش هم او را نپذیرفت و موجب اعتراض شدید فرهنگیان کشور و در نتیجه عدم موفقیت ایشان در کسب رأی اعتماد از مجلس شد.

از سوی دیگر نامشخص بودن سرنوشت رتبه‌بندی به عنوان بزرگ‌ترین عامل کاهش فاصله‌ی حقوقی معلمان با سایر کارمندان و اجرای پنجاه درصدی آن که زمه‌هایی از تجمع و تحصن در فضای مجازی را نیز دامن زده، عدم اجرای درست فوق‌العاده‌ی ویژه و به خصوص درصد ناعادلانه‌ی دوازده برای معلمان جوان موجب بی‌انگیزگی و دل‌سردی آنان از شغل معلمی شده. این موارد در راستای شعارهای زیبای دولت سیزدهم در رابطه با بهبود وضعیت فرهنگیان انسان را یاد این مثل زیبا می‌اندازد: سالی که نکوست، از بهارش پیداست.

علاوه بر این موارد پاندمی بیماری کووید ۱۹ و اقدام دیر هنگام واکسیناسیون معلمان و مردم و همچنین عدم واکسیناسیون اولیای جوان دانش‌آموزان و خبر خطر سویی جدید کرونا در خصوص کودکان و نوجوانان چالش‌هایی‌اند که دولت رئیسی با آن‌ها روبه‌روست.

اگر دولت می‌خواهد از این ورطه به سلامت عبور کند، باید ابتدا با هم‌فکری نمایندگان تشکلهای فرهنگی کشور نسبت به اجرای کامل هشتاد درصد هم‌ترازی حقوق معلمان با اساتید دانشگاه اهتمام ورزد و آن‌گاه با یک‌سان‌سازی ضریب فوق‌العاده‌ی ویژه در عدد پنجاه برای همه‌ی معلمان همانند سایر دستگاه‌ها عمل کند و در درجه‌ی سوم بر واکسیناسیون کامل و فوری همکاران و اولیای جوان و تمهید واکسیناسیون کودکان و نوجوانان اقدام عاجل کند؛ همچنین در تأمین اسباب و لوازم تدریس چه به صورت آن‌لاین و چه حضوری اهتمام ورزد و در نهایت برای معرفی و زیری کارآمد از نظر نمایندگان معلمان اقدام کند.

این‌ها مهم‌ترین و فوری‌ترین مواردی‌اند که راه را برای آغازی امیدوارکننده و همراه با آرامش برای همگان فراهم خواهند ساخت. امید است دولت به خوبی از عهده‌ی این مهم برآید؛ چرا که تاریخ این برهه‌ی حساس را به یاد خواهد داشت.

به یاد داشته باشیم که تأثیر کار معلمان روی نیمی از جامعه به طور مستقیم و کل جامعه به طور غیرمستقیم نمایان خواهد شد.

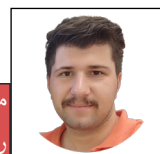
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از گزارشگران اچ.آر

اجتماعی

■ مقایسه‌ی تطبیقی شأن معلمی در ایران و سایر کشورها



محمد مومن‌زاده
روزنامه‌نگار

عمومی است و این مسئله موجب اعتراض پزشکان عمومی شده بود. آنگلا مرکل در پاسخ به این موضوع گفته بود: «این معلمان که پزشکان را تربیت می‌کنند». این مسئله نشان‌دهنده‌ی ارزش معلمان در کشور پیشرفته‌ای هم‌چون آلمان است. چین در چند دهه‌ی اخیر از کشوری توسعه‌نیافته به یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شده. در مطالعه‌ای که بین بیست‌ویک کشور شامل انگلیس، آمریکا، ژاپن، چین، فرانسه، مالزی و چند کشور دیگر انجام شده بود، رتبه‌ی اول شأن معلمان، از آن معلمان کشور چین بود و در نظرسنجی انجام‌شده پنجاه درصد والدین در چین گفته‌اند تمایل دارند فرزندشان معلم شود؛ همین امر نشان‌دهنده‌ی ارزش بالای اجتماعی معلمی در این کشور است.

مطالعه یا بررسی تطبیقی عملی است که در آن دو یا چند پدیده در کنار هم قرار می‌گیرند و وجوه آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. هدف از این گزارش بررسی تطبیقی جایگاه معلم در ایران و دیگر کشورها است.

منزلت هر شغل چگونگی رفتار متقابل و انتظارات جامعه از شاغلان را تعیین می‌کند و آنان را در ساخت‌دهی به تعامل‌های اجتماعی یاری می‌رساند. در کشورهای گوناگون هر شغلی منزلت ویژه‌ی خود را دارد و مردم هر کشور می‌توانند مشاغل

اگر باور عمومی بر این باشد که بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند، پایگاه اجتماعی معلمان اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت. کار معلمی به هر گونه تلاشی که برای هدایت، تکامل و تعلیم و آموزش انسان، صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود. از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به‌عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت جایگاه و اهمیت به‌سزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. ارزش معلمی در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشورهای پیشرفته برای جایگاه معلمی ارزش ویژه‌ای قائلند. سرمایه‌گذاری برای آموزش یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه است که اهمیت آن از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد منعکس شد. این دوره‌ی سرمایه‌گذاری در آموزش‌های رسمی و غیررسمی و تربیت نیروی انسانی سبب شد مهارت‌ها افزایش یابند و آگاهی و تحرک لازم برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. در کشور آلمان حقوق معلمان بالاتر از حقوق پزشکان

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

با منزلت بالا یا پایین را از هم تشخیص دهند. مردم از مشاغل با منزلت بالا تمکین می‌کنند، کمک می‌طلبند یا می‌خواهند مانند آنان بشوند. چنان‌چه به عوامل مؤثر بر پایگاه اجتماعی معلمان توجه و با شناخت این عوامل برای رفع مشکلات تلاش شود، بی‌تردید در امر آموزش و پرورش اثرات مثبت بسیاری خواهد داشت. تحقیقات نشان داده هر چقدر معلمان احساس کنند به حرفه‌ی آن‌ها اهمیت داده می‌شود، روحیه‌ی بهتری پیدا می‌کنند و هر چه روحیه‌ی معلم بالا باشد، جو روانی و اجتماعی کلاس مثبت‌تر می‌شود و این موجب مشارکت دانش‌آموزان در کلاس و ایجاد رابطه‌ی مثبت و صمیمی بین آن‌ها و نهایتاً به انجام تکالیف و تلاش بیشتر منجر می‌شود. پایگاه اجتماعی از نظر رالف لینتن عبارت است از موقعیت خاص در نظام اجتماعی. برخی دیگر از جامعه‌شناسان پایگاه اجتماعی را مساوی با احترام یا منزلت می‌دانند. بروس کوئن معتقد است که پایگاه اجتماعی عبارت است از موقعیت اجتماعی یک فرد در گروه یا رتبه‌ی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر. منزل اجتماعی هر شغل به سه عامل بستگی دارد: ۱ - قدرت شغل برای اعمال اراده‌ی فردی. ۲ - میزان امتیازات شغل برای کسب درآمد و ثروت. ۳ - اهمیت خدماتی که شغل به جامعه ارائه می‌کند.

تحقیقات با بررسی قدرت اجتماعی، معیشت و منزلت اجتماعی معلمی نشان می‌دهند که در آسیا، به‌خصوص در کشور چین و اکثر کشورهای اروپایی معلم از جایگاه نسبتاً بالایی برخوردار است، ولی در ایران جایگاه معلمان در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌ی آسیایی و اروپایی به نسبت پایین‌تر و متوسط رو به پایین است. به طور کلی جایگاه بالای معلم با کیفیت و نتیجه‌ی برون‌داد مدارس و اجتماع رابطه‌ی مستقیم دارد. تاثیر تعلیم و تربیت که پرچم‌دار آن معلمانند، به وضوح در کشورهای پیشرفته ملموس است و توجه بالا به معلمان و این حرفه گواه معتبری بر این ادعاست. سازمان جهانی یونسکو توصیه‌نامه‌ای برای دفاع از حقوق معلمان دارد و هم‌چنین روزی را تحت عنوان روز معلم نام‌گذاری کرده، ولی پاس‌داشتن مقام معلم تنها با بزرگداشت مقام معلم در یک روز به وقوع نمی‌پیوندد. جامعه‌ی ایرانی اعتبار بالایی برای حرفه‌ی معلمی قائل نیست و حمایت‌های فردی، اجتماعی ناکافی از معلمان موجب شده از دهه‌ی شصت شمسی به بعد منزلت اجتماعی سایر مشاغل بیش‌تر از این حرفه باشد. تجمع و اعتراض‌های متعدد از جانب معلمان در دهه‌های اخیر نسبت به موقعیت معیشتی، اجتماعی و منزلتی خود گویای این مسئله است. در آمریکا سی‌وودو درصد والدین فرزندان خود را به معلم شدن تشویق می‌کنند. در چین نیز پنجاه درصد والدین فرزندان‌شان را برای معلم شدن تشویق می‌کنند. عده‌ای پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان در ایران را به دلایل زیر می‌دانند:

۱ - کمبود درآمد معلم

۲ - پایین بودن مقام و اعتبار اجتماعی آنان

۳ - سنگینی کار حرفه‌ی معلمی

۴ - جاذبه و کشش بخش‌های پول‌ساز

۵ - بی‌توجهی به شغل معلمی و ترقی‌نداشتن آنان

۶ - روی کار آمدن بعضی اشخاص ناآگاه و ناوارد به این شغل

وضعیت مالی معلمان در ایران و سایر کشورها

به گفته‌ی منصور مجاوری، مشاور وزیر آموزش و پرورش، حقوق معلمان در سال ۱۳۹۷ به طور میانگین دومیلیون و ششصد هزار تومان بوده؛ بنابراین معلمان ایرانی سالانه دستمزدی در حد سی و یک میلیون و دویست هزار تومان دارند که با احتساب دلار سیزده هزار تومانی در سال ۱۳۹۷ دست‌مزد دلاری آن‌ها حدوداً دوهزار و چهارصد دلار بوده. اکنون در سال ۱۴۰۰ دلار به بیست و شش هزار تومان رسیده، اما درآمد آن‌ها افزایش چشم‌گیری نداشته. متوسط درآمد سالانه‌ی معلمان در تعدادی دیگر از کشورها به این ترتیب است: آمریکا شصت هزار دلار، آلمان هفتاد هزار دلار، کانادا هفتاد و چهار هزار دلار، چین ۳۶۴۴۶ دلار، ترکیه بیست و هفت هزار دلار.

در تحقیقاتی که توسط وارکی جیمز در سال ۲۰۱۳ انجام شده، مشخص شد در کشورهای کره‌ی جنوبی و چین گزینش معلمان بر اساس شایستگی است که باعث انتخاب معلمان شایسته می‌شود که نتیجه‌ی آن هم ارتقای سطح آموزشی است. یکی از نقدهایی که به گزینش معلمان در ایران وجود دارد، وجود دستگاه‌های گزینشی با معیارهای ایدئولوژیک و سیاسی نزدیک به حاکمیت است که موجب می‌شود افراد لایق، اما با افکار متفاوت و فعال در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی نتوانند وارد آموزش و پرورش شوند و دیگر معلمان فعال با خطر اخراج روبه‌رو شوند.

پانوشته‌ها:

۱. ابراهیمی، ندا، و دیگران، بررسی تطبیقی آموزش و پرورش کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نشریه‌ی راهبرد توسعه، شماره‌ی ۵۱، پاییز ۹۶.

۲. غلامی، میثم، و دیگران، بررسی تطبیقی جایگاه معلم در ایران و پنج کشور پیشرو در عرصه‌ی آموزش و پرورش، دومین کنگره‌ی بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه‌ی علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی.

۳. هاشمی، ر، بهترین و بدترین کشورها برای معلم‌ها از نظر دستمزد و داستان رتبه‌بندی معلم‌ها، صدای معلم، ۱۱ مرداد ماه ۱۳۹۹.

۴. مقایسه‌ی حقوق معلمان در ایران و سایر کشورها، ایران اسپوتنیک، ۵ می ۲۰۱۸.

۵. میرمحمدی، الهام، معلمان در کشورهای مختلف چقدر دستمزد می‌گیرند؟، تجارت‌نیوز، ۲۳ شهریور ماه ۱۳۹۷.

۶. بیشترین و کم‌ترین «احترام به معلمان» در کدام کشورهاست؟، تسنیم، ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۸.

صالح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



عکس از ایسنا

اصناف

■ مقایسه‌ی اجمالی تفاوت حقوق معلمان با سایر کارمندان



حسام‌الدین پورثابت
فعال صنفی معلمان

در این یادداشت قصد داریم با رویکردی آماری و نه شعاری به تفاوت احکام شغلی معلمان یا به طور کلی کارکنان وزارت آموزش و پرورش با برخی نهادها و وزارتخانه‌های دیگر بپردازیم. کنشگری‌های سال‌های اخیر این واقعیت را بیش از پیش نمایان ساخته که اگر از مسیر قانونی و با دانش کافی برای پیگیری مطالبات بر زمین‌مانده‌ی معلمان اقدام شود، حاکمیت راهی جز پذیرش منطق نخواهد داشت؛ چراکه مسیرهایی چون فریاد و اعتراض‌های هرچند به حق به درست یا نادرست برچسب سیاسی خورده و به حاشیه رفته‌اند. بنابراین بدون اطلاع، توجه شما را به این قیاس آماری جلب می‌کنیم:

جدول صفحه بعد مشخص می‌کند که از دو منظر تفاوت فاحشی میان کارمندان دولت و سایر نهادها با آموزش و پرورش وجود دارد:

اول از نظر میزان افزایش حقوق و دوم از نظر زمان این افزایش. از منظر اول افزایش ناچیز تا بیست و یک درصد فوق‌العاده‌ی ویژه در مقابل افزایش شصت و پنج درصد وزارت نیرو،

پنجاه درصد قوه‌ی قضاییه، افزایش‌های خاص سی و پنج درصد و غیره قرار می‌گیرد.

از منظر دوم یعنی زمان اجرای این افزایش ناچیز هم ضررهایی فراوانی متوجه معلمان شده. همان‌گونه که در جدول می‌بینید، همین افزایش ناچیز، آن هم در کم‌تر از یک سال گذشته و پس از فشارهای بی‌سابقه‌ی اقتصادی و کمرشکن ناشی از تحریم‌ها بر این قشر مظلوم و تورم چهل درصدی سالیانه‌ی کشور بین سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۰ به خوبی می‌تواند وضعیت اسفبار زندگی معلمان را به تصویر بکشد؛ در حالی که وزارت بهداشت، قوه‌ی قضاییه و سایر وزارتخانه‌ها و نهادها از سال ۱۳۹۰ به فکر ترمیم حقوق کارکنان خود افتاده بودند و تا به امروز نیز افزایش‌های مرتب سالیانه نیز موجب افزایش مرکب احکام آن‌ها شده.

انواع فوق‌العاده‌های خاص برای وزارتخانه‌هایی که مشابه آموزش و پرورش از ق.م.خ.ک (قانون مدیریت خدمات کشوری) پیروی می‌کنند، علاوه بر آیتم‌های معمول مطابق جدول برقرار شده، اما سال‌هاست که رتبه‌بندی معلمان به عنوان فوق‌العاده‌ی خاص در احکام معلمان دیده نمی‌شود و تصویب و اجرای آن از دولتی به دولت دیگر و از مجلسی به مجلس دیگر دست به دست شده.

در حین نگارش این یادداشت فقط چند روزی از واریز فوق‌العاده‌ی ویژه تا بیست و هفت درصد به حساب معلمان پس از کش و قوس‌های فراوان گذشته. این آیتم که تقریباً

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

افزایش حقوق‌ها در دولت یازدهم و دوازدهم

ردیف	عنوان مجوز افزایش حقوق و مزایا	نام دستگاه اجرایی	تاریخ
۱	فوق‌العاده جذب هیات امناء با ضریب ۳۵ درصد	وزارت بهداشت	سال ۹۰
۲	فوق‌العاده ویژه با ضریب ۵۰ درصد	قوه قضاییه	سال ۹۲
۳	فوق‌العاده ویژه با ضریب ۳۵ درصد	کلیه وزارتخانه‌ها به جز معلمان	سال ۹۳ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۴	فوق‌العاده خاص معادل حق شغل	بانک‌ها و بیمه بند (ج) ماده ۵۰ برنامه پنجم توسعه	سال ۹۲ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۵	موافقت رفاهیات معادل ۶۵ درصد کل حکم کارگزینی	وزارت نیرو	سال ۹۴ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۶	موافقت رفاهیات معادل ۳۰ درصد کل حکم کارگزینی	وزارت راه و شهرسازی و مسکن شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی	سال ۹۵ مصوبه شورای حقوق و دستمزد
۷	افزایش ۵۰ درصدی امتیاز فصل دهم	کلیه وزارتخانه‌ها	اسفند ۹۸ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۸	برقرارب فوق‌العاده ویژه برای معلمان بین ۰ تا ۲۱ درصد	معلمان	سال ۹۹ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۹	برقراری فوق‌العاده ویژه با ضریب ۵۰ درصد	وزارت بهداشت	از دی ۹۹ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۱۰	اصلاح فوق‌العاده ویژه قضات	قوه قضاییه	از دی ۹۹ با موافقت سازمان برنامه و بودجه و امضا جناب آقای دکتر نوبخت
۱۱	افزایش ۲۰ درصدی کل حکم	نیروهای مسلح	از بهمن ۹۹
۱۲	همسان سازی اعضا هیات علمی وزارت علوم با بهداشت (افزایش حقوق ۳۵ درصد کل حکم)	وزارت علوم	از فروردین ۱۴۰۰
۱۳	فوق‌العاده خاص	سازمان زندان‌ها و دامپزشکی	از فروردین ۱۴۰۰

افزایش حقوق کارکنان و پرستاران شرکتی در سال ۱۴۰۰ (بخشنامه شماره ۱۴۵۵/۲۰۹/د مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

از کلمات کلیشه‌ای و تکراری بیزاریم و نیازی نمی‌بینیم که به اهمیت آموزش و پرورش و اولویت قراردادن آن بر همه‌ی امور بپردازیم. فقط در پایان باید بگوییم که:

ما معلمان اذعان داریم که اولویت هیچ دولتی نبوده و نیستیم و از طرفی افزایش حقوق سایر کارکنان به هر میزانی را نه تنها بی‌عدالتی نمی‌دانیم، بلکه حق طبیعی آن‌ها برای یک زندگی شرافتمندانه تلقی می‌کنیم، اما در کنار آن انتظار داریم معلمان هم حداقل شرایط یک زندگی آبرومند و در شأن نام معلمی داشته باشند تا مبادا در آینده‌ای نزدیک به جای این سرمایه‌گذاری ملی و اجتماعی، به یک‌باره مجبور به هزینه‌های هنگفت گسترش زندان‌ها و رسیدگی به افزایش جرم و جنایت و بررسی هزاران پرونده‌ی قضایی باشیم؛ چه آن‌که نشانه‌های آن را به وضوح در سال‌های اخیر مشاهده کرده‌ایم.

صالح
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

سال‌هاست برای همه‌ی وزارتخانه‌ها به اجرا در آمده، قرار بود با اسم رتبه‌بندی به احکام وارد شود که هوشیاری و مذاکره‌ی به‌هنگام تشکل‌های فعال فرهنگیان سرانجام دولت را متقاعد به جداسازی آن از قانون رتبه‌بندی کرد. رتبه‌بندی هم که در پایان دولت دوازدهم گمان می‌رفت در حال عبور از پله‌ی آخر است، در کمیسیون آموزش مجلس محبوس شده و مشخص نیست این قانون در چه زمان و با چه کیفیتی قابلیت اجرا پیدا کند.

اگر در همان سال‌های ابتدایی تدبیری می‌شد، این قانون که در دهه‌ی دوم تعلیق خود به سر می‌برد و سال‌هاست سر زبان‌ها افتاده، با افزایش‌های سالیانه سبب ترمیم قابل‌توجه حقوق معلمان می‌شد و دغدغه‌ای بزرگ را از جامعه‌ی فرهنگیان کشور مرتفع می‌کرد.



گفتگو

■ اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان: راهی جز کنش میدانی برای معلمان باقی نمانده



گفتگو از علی کلائی

معلمان ایران سال‌هاست برای ستاندن حقوقشان در حال فعالیت صنفی‌اند و هزینه داده‌اند؛ از حبس‌ها گرفته تا محرومیت از کار و هزینه‌های دیگری که این فعالان صنفی را هدف گرفته؛ جامعه‌ای که انسان‌پروری می‌کنند؛ اما سخنگوی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان در گفت‌وگو با «خط صلح» می‌گوید دید مصرفی نسبت به معلمان وجود دارد.

به نظر این فعال صنفی دریافتی یک کارمند مهم‌ترین مسئله‌ای است که زندگی او به آن بستگی دارد، اما نوبت که به معلمان می‌رسد، تبعیض آشکار اتفاق می‌افتد. اسکندر لطفی، فعال صنفی معلمان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان در گفت‌وگو با «خط صلح» با ذکر مثالی این تبعیض را شرح می‌دهد: «فرض کنید معلمی هزار و پانصد امتیاز داشته باشد که باید در ۳۰۴۰ ضرب شود. عدد به‌دست‌آمده پایه‌ی حقوقی آن معلم خواهد بود، اما به عنوان مثال اگر دستگاه قضایی را خارج از این قاعده در نظر بگیریم، در صورتی که امتیاز یک کارمند دستگاه قضایی هزار و پانصد باشد، ضریب او چهارده برابر بیش از کارمند قبلی می‌شود که ضریبش ۳۰۴۰ است؛ یعنی ارزش هر امتیاز یک کارمند دستگاه قضایی، چهارده برابر بیش از آن کارمند دیگر [در این جا یک معلم] است».

بحث در خصوص رتبه‌بندی، وضعیت معیشتی و حقوق جامعه‌ی

فرهنگیان ایران بحث درازدانی است. ماهنامه‌ی «خط صلح» در این شماره تلاش کرده تا در گفت‌وگو با سخنگوی شورای هماهنگی، از زوایای مختلف به این حوزه بپردازد و پای سخن این انسان‌سازان جامعه‌ی ایران بنشیند؛ جامعه‌ای که پس از سال‌ها کنش مدنی در حال رسیدن به این نتیجه است که راهی جز کنش‌های میدانی برایش باقی نمانده.

مشروح گفت‌وگوی ماهنامه‌ی «خط صلح» با اسکندر لطفی، فعال صنفی معلمان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان را در زیر می‌خوانید:

■ از مسعود میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه نقل شده که «می‌توان از کارمندان نیز انتظار تحمل کاهش حقوقشان را داشت». به نظر شما به واقع شرایط معیشتی معلمان در حال حاضر به نحوی‌ست که تحمل کاهش حقوقشان را داشته باشند؟

کشور ما در طول چهل سال اخیر، به جز سال ۱۳۷۴ که تورم چهل‌ونهدرصدی را تجربه کرد، شاهد تورم‌های چهل، چهل‌ودو و چهل‌وسه‌درصدی بوده. این حجم تورم طی پنجاه سال گذشته برای ایران بی‌سابقه بوده. در این شرایط گفته‌اند منابع مالی‌ای که برای افزایش حقوق کارمندان اختصاص داده شده، از فروش اموال بوده، ولی بنا بر گفته‌ی همتی، رئیس پیشین بانک مرکزی، برای تامین حقوق کارمندان از تن‌خواه بانک مرکزی استفاده شده. به عبارتی منظورشان این بوده که اسکناس چاپ کرده‌اند. همین چاپ اسکناس نقدینگی کشور را در دو دوری دولت تدبیر و امید، هشت برابر افزایش داد. قدرت خرید کل کارمندان به صورت عام کاهش پیدا کرده و به فکر تامین نیازهای روزمره‌شانند. مسئله‌ی خرید مسکن و خرید خودرو اولویت کارمندان جوان نیست.

خط صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

آن‌ها نیازهای اولیه‌ی زندگی را هم به سختی تامین می‌کنند. با این شرایط آقای میر کاظمی بر چه اساسی چنین تفکری دارد و انتظار دارد کارمندان و به خصوص معلمان بتوانند کاهش حقوق را تحمل کنند؟ جامعه‌ی معلمان در حال حاضر به صورت یکپارچه اعتراضات صنفی را در کل کشور، در شیراز، اصفهان، تهران و قزوین شروع کرده و به وضعیت معیشتی‌شان اعتراض می‌کنند. آیا با این شرایط کارمند می‌تواند کاهش حقوق را تحمل کند؟ قطعاً نه! نه تنها این کاهش حقوق را تحمل نمی‌کنند، بلکه من فکر می‌کنم دامنه‌ی اعتراضات بعد از این خیلی گسترده‌تر نیز خواهد شد.

■ مسعود میر کاظمی علاوه بر این که از کارمندان انتظار تحمل کاهش حقوق را دارد، از معلمان نیز که بخشی از کارمندانند، چنین انتظاری دارد. نظر شما چیست؟

معلمان در این چند سال گذشته در مبحث مدیریت خدمات کشوری مورد ظلم مضاعف واقع شده‌اند. این لایحه‌ی قانون مدیریت خدمات کشوری ابتدا روزه‌های امیدی برای معلمان باز کرد که می‌توانند مثل سایر کارمندان از حقوق و مزایای مناسبی برخوردار شوند، اما متأسفانه این لایحه خیلی زودتر از آن چه انتظار داشتیم، دچار انحرافات شد؛ به عنوان مثال اصل دهم ماده‌ی شصت و چهار قانون مدیریت خدمات کشوری ضریبی برای کل کارکنان در کل ادارات مشخص کرده. عوامل شغلی و سایر موارد مربوط به آن را در ضریبی مشخص می‌کنند که این همان ضریب ریالی‌ای می‌شود که حقوق کارمندان بر اساس آن افزایش پیدا می‌کند. برای مستمری بگیران و بازنشستگان نیز به همین شیوه برقرار است. اصل بر این بود که حقوق به صورت همسان‌سازی باشد؛ یعنی حقوق کارمندان بر اساس فاکتورهای مانند سنوات، مدرک تحصیلی و دوره‌هایی که طی کرده‌اند، ارزش‌یابی می‌شود و در ادامه نتیجه‌ی ارزش‌یابی در یک ضریب ریالی ضرب می‌شود؛ برای نمونه فرض کنید معلمی هزار و پانصد امتیاز داشته باشد که باید در ۳۰۴۰ ضرب شود. عدد به دست آمده پایه‌ی حقوقی آن معلم است؛ اما به عنوان مثال اگر دستگاه قضایی را خارج از این قاعده در نظر بگیریم، اگر امتیاز یک کارمند دستگاه قضایی هزار و پانصد باشد، ضریب او چهارده برابر بیش از کارمند قبلی می‌شود که ضریبش ۳۰۴۰ است؛ یعنی ارزش هر امتیاز یک کارمند دستگاه قضایی چهارده برابر بیش از آن کارمند دیگر (در اینجا یک معلم) است. این تفاوت آشکاری را بین حقوق معلمان و کارمندان سایر نهادها ایجاد کرده. جدا از این، دستگاه‌هایی که تمکن مالی دارند، یعنی به دلیل ارائه‌ی خدماتشان به مردم مستقیماً از آن‌ها پول می‌گیرند، (مانند وزارت نیرو، وزارت نفت یا دستگاه قضایی) خدماتی مانند زمین و امتیازات دیگری را جدا از حقوق به کارمندانشان ارائه می‌دهند؛ امتیازاتی که معلمان از آن‌ها برخوردار نیستند. متأسفانه دید مصرفی نسبت به معلمان وجود دارد و نگاه اشتباهی وجود دارد که معلمان را تولیدکننده نمی‌داند؛ در حالی که اصلی‌ترین تولیدکننده‌ی کشور آموزش و پرورش است که در حال تولید نیروی انسانی است و سایر دستگاه‌ها از آن استفاده می‌کنند. این نگاه مصرفی باعث شده تمام کسورات در آموزش و پرورش جلوه کنند. حدود یک میلیون

نفر شاغل در آموزش و پرورشند. هفتصد و پنجاه هزار نفر از آن‌ها کادر آموزشی‌اند. بودجه‌ای که برای آموزش و پرورش تخصیص داده شده، بیش‌تر شامل حقوق معلمان می‌شود و یک درصد آن برای سایر موارد مانند مدرسه‌سازی و توسعه‌ی آموزش باقی می‌ماند. این بخش حداقل تخصیص بودجه را دارد؛ در حالی که نهادهای دیگر این مشکل را ندارند. نکته‌ی دیگر این که دریافتی و حقوق یک کارمند مهم‌ترین مسئله‌ای است که زندگی کارمند به آن بستگی دارد. جامعه‌ی معلمان کمترین دریافتی را نسبت به سایر کارمندان خدمات کشوری دارند.

■ به نظر می‌رسد با توجه به اظهارات اخیر مسئولان، اساساً امکان اجرای طرح رتبه‌بندی در دولت جدید فراهم نیست. نظر شما در این خصوص چیست؟

رئیس برنامه و بودجه و کمیسیون آموزش مجلس در جایی اعلام کرده رقی حدود دویست هزار میلیارد تومان بودجه برای رتبه‌بندی در نظر گرفته شده. واقعیت چیزی نیست که آن‌ها بیان می‌کنند. هفتصد و پنجاه هزار معلم مشمول رتبه‌بندی می‌شوند. اگر دقیق‌تر ذکر کنم، مبلغ حکم کارگزینی معلمان کم‌سابقه تا معلمان سی سال خدمت با مدرک دکتری، بین چهار تا یازده میلیون تومان است که میانگین آن حدود هفت و نیم میلیون تومان می‌شود. هم‌زمان اگر هیات علمی دانشگاه‌ها را در نظر بگیریم، به عنوان مثال مربی - که پایین‌ترین درجه‌ی هیات علمی در دانشگاه است - حداقل ده میلیون تومان دریافتی دارد. استادیار حدود سی میلیون تومان حقوق می‌گیرد که میانگین آن‌ها حدود بیست میلیون تومان می‌شود. اگر میانگین هشتاد درصدی را که در لایحه‌ی رتبه‌بندی برای معلمان پیش‌بینی شده، در نظر بگیریم، میانگین حقوق معلمان حدود شانزده میلیون تومان خواهد بود.

در حال حاضر میانگین حقوق معلمان هفت و نیم میلیون تومان است؛ یعنی در هم‌ترازی هشتاد درصدی، افزایش هشت و نیم میلیونی برای همه‌ی معلمان قابل‌تصور است. با این محاسبات حدود هفتاد و هفت هزار میلیارد تومان برای بودجه‌ی رتبه‌بندی در نظر گرفته شده. در مقایسه با دویست هزار میلیارد تومانی که آن‌ها در نظر گرفته‌اند، می‌شود حدود یک سوم. با توجه به این که این لایحه به جای اول فرورودن از اول مهر اجرایی می‌شود، این مبلغ به نصف نیز می‌رسد، اما مشکل این است که منابع پایداری را برای تامین بودجه‌ی رتبه‌بندی در نظر نگرفته‌اند و می‌خواهند منابع را از طریق فروش اموال، اوراق مناقصه و سهام تامین کنند. با توجه به اتفاقی که در دولت قبل در بورس افتاد، این احتمال کم است که بتوانند چنین اعتباری را از این موارد تامین کنند. اصلی‌ترین خواسته‌ی معلمان این است که منابع پایداری را برای رتبه‌بندی معلمان در نظر بگیرند.

■ لایحه‌ی رتبه‌بندی در صحن علنی مجلس مطرح و بحث‌های مختلفی در خصوص بودجه‌بندی آن عنوان شده. نظر شما چیست؟ در این باره اطلاعاتی دارید؟

ما در خصوص رتبه‌بندی با دو رویکرد مواجهیم. هنوز معلوم نیست که این طرح رتبه‌بندی به صورت هشتاد درصدی اجرا می‌شود یا

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

فقط ضریب حقوقی معلمان را افزایش بدهند. زیرساخت مشکلات اصلی فرهنگیان از نظر حقوق و مزایا عدم پایداری دولت به قوانین موجود برای تامین حقوق معلمان است. این قوانین وجود دارد و نیاز به تصویب قانون جدید نیست و می‌تواند بر اساس آن‌ها حقوقشان را تامین کنند. اگر همین قوانینی که قبلاً تصویب شده -مثلاً قانون مدیریت خدمات کشوری- از ابتدا اجرا می‌شد، خیلی از مشکلات معیشتی فرهنگیان حل می‌شد. نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دستگاه‌های اجرایی مبتنی بر ارزش‌یابی عوامل شغلی آن‌هاست. اگر این قانون اجرایی می‌شد، همه‌ی مستمری‌بگیران و بازنشستگان و شاغلان شامل این مزایا می‌شدند و این باعث میشد پایه‌ی حقوق معلمان ساختار اصلی خود را پیدا کند. این ضعفی است که معلمان نسبت به سایر نهادها دارند که در ابتدای گفت‌وگو اشاره کردم. اگر این قوانین را قاعده‌مند اجرایی می‌کردند و تفاوت‌ها را ایجاد نمی‌کردند، نیازی به طرح رتبه‌بندی نبود. یکی از طرح‌هایی که می‌تواند اجرا شود، این است که بیست‌درصد به حقوق معلمان نسبت به سایر کارکنان اضافه کنند؛ یعنی معادل‌سازی رتبه‌بندی. در چند سال گذشته هر بار که رتبه‌بندی اجرا شده، به صورت

ظاهری به اجرا در آمده؛ یعنی ضریب‌هایی را به حقوق معلمان اضافه کرده و بعد به نوعی اسم آن را «بخشی از اجرای رتبه‌بندی» گذاشته‌اند.

■ از سال ۱۳۹۲ مسئله‌ی رتبه‌بندی مطرح است، اما دولت گذشته در انجام آن حتی در زمانی که مجلس را با خود همراه داشت، ناموفق بود. چرا؟

دولت احمدی‌نژاد در روزهای آخر لایحه‌ی رتبه‌بندی را به نوعی در کاسه‌ی دولت جدید گذاشت، بدون این‌که اعتباراتی برای آن در نظر بگیرد. دولت روحانی نیز طی هشت سالی که روی کار بود، این لایحه را به روزهای آخر کشاند؛ اگرچه برخی همکاران نظرات متفاوتی دارند و بیان میکنند که آقای نوبخت اعتبارات لازم و محل اعتبارات را در نظر گرفته و تعیین کرده بود، اما در واقع ایشان هم آن را به روزهای آخر موکول کرد و این روند آن‌قدر ادامه پیدا کرد که کار به دولت جدید رسید. دولت جدید هم علناً اعلام می‌کند بودجه‌ای در اختیار ندارد که این طرح را اجرایی کند که این مهم‌ترین بخش آن است. اگر هنوز به صورت رسمی‌تر در برابر این بودجه نایستاده‌اند و از دستور کار خارجش نکرده‌اند، به دلیل این است که لایحه‌ی رتبه‌بندی در مجلس به صورت دو شوری بوده و امکان استرداد آن به دولت نیست؛ یعنی دولت نمی‌تواند این لایحه را پس بگیرد.

■ با این تفصیل، بحث رتبه‌بندی و فوق‌العاده به درگیری سیاسی میان دولت‌ها بدل شده و قربانی این درگیری معلمان و اقشار ضعیف مالی‌اند. هر دولتی که دوره‌اش تمام می‌شود، آن را به دولت بعدی پاس می‌دهد که به لحاظ سیاسی با آن هماهنگ نیست. به نظر شما این فهم درست است؟

بله؛ کاملاً درست است. بعضی از اتفاقاتی که در دولت قبل رخ داد، ممکن است خیلی اخلاق‌مدارانه نباشد و دولت جدید را در

تنگنا قرار دهد، اما مشکل، پاس‌دادن دولت‌ها به همدیگر است. بالاخره باید این مسئله حل شود و بودجه‌ای که برای رتبه‌بندی در نظر می‌گیرند، از محل تامین اعتباری با منبع ثابتی باشد؛ یعنی هر ساله بتوان از آن منبع این رقم بودجه‌ی رتبه‌بندی را تامین کرد. یک بودجه‌ی شناور و ماده‌ای که منابع تامین آن هنوز مشخص نیست، این ابهام را به وجود می‌آورد که هر لحظه ممکن است این را کامل اجرا نکنند؛ یعنی امسال بخشی را اجرا کنند و سال دیگر بخشی دیگر را یا از آن کسر کنند. این مشکلی است که دولت‌ها مرتب با پاس‌دادن به سال‌های بعد و دولت‌های بعد به نوعی مانع اجرای آن می‌شوند.

■ لایحه تغییرات زیادی داشته. درصدهای مختلفی هم برای آن مطرح شده و خروجی هم نداشته. آیا در واقع دلیل آن همین شناور بودن و مشخص نبودن منابع پایدار آن است؟

واقعیت این است که ماده‌ی شصت‌وهشت بند ده قانون خدمات کشوری کمی غیرواقعی منتشر شده. فوق‌العاده‌ی شغل در اختیار دولت است که تا ضریب پنجاه‌درصد به فوق‌العاده‌ی بیست‌وپنج‌درصد از نیروهای خدماتی خود اضافه کند. سال ۹۵ دولت با توجه به میزان اعتباری که داشت، سقف آن را سی‌وپنج‌درصد قرار داد؛ یعنی حداقل در پنج سال گذشته پنجاه‌درصد نبوده، چون در اختیار دولت بوده و برای بیست‌وپنج‌درصد نهادها در نظر گرفته شده. این ماده این اختیار را به دولت می‌دهد که این را به سی‌وپنج‌درصد از نیروهای خدماتی بدهد. دولت این سی‌وپنج‌درصد را به بعضی از نهادها تخصیص داد و برای آموزش و پرورش بیست‌ویک تا بیست‌وپنج‌درصد در نظر گرفت؛ اگرچه برای بالابردن آن از دوازده تا سی‌درصد قول مساعد داده بودند. بعد این را برای نومعلم‌ها تعدیل کردند، چون نومعلم‌ها (معلم‌های جدید) مورد ظلم مضاعف واقع می‌شدند. این ضریب بیست‌وپنج‌درصد برای کسی که سی سال سابقه‌ی کار دارد، حدود سه میلیون تومان می‌شود، اما این رقم برای یک نومعلم حدود سیصد الی چهارصد هزار تومان است، چون برای نومعلم‌ها ضریب‌های پایین‌تری استفاده و آن را تعدیل کردند؛ در واقع ضریب پنجاه‌درصد وجود ندارد. این قانون برای بیست‌وپنج‌درصد از معلمان و تا سقف پنجاه‌درصد تعیین شده و به هیچ نهادی پنجاه‌درصد اضافه نشده. مطلبی در بعضی رسانه‌ها منتشر شد که برای بعضی نهادها پنجاه‌درصد پرداخت شده و برای بعضی نهادها مانند آموزش و پرورش سقف بیست‌وپنج‌درصد در نظر گرفته‌اند. واقعیت این است که برای همه‌ی نهادها سی‌وپنج‌درصد است. اعتراض معلمان این است که بر چه اساسی برای فرهنگیان این سی‌وپنج‌درصد در نظر گرفته نشده.

■ سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی عنوان کرده یکی از موضوعاتی که امروز در سطح جامعه برای بهانه‌گیری به دولت در جهت ناکارآمدی مطرح می‌شود، همین اجرای طرح لایحه‌ی رتبه‌بندی معلمان است که اگر بخواهد

صلاح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



دقیق اجرا شود، صد و چهل و پنج هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که دولت قبل برای آن پنج هزار میلیارد تومان در نظر گرفته بود. شما به رقم هفتاد و هفت هزار میلیارد تومان اشاره کردید. چرا دولت قبل فقط پنج هزار میلیارد تومان برای این امر در نظر گرفت؟

دولت قبل برای تامین بودجه‌ی رتبه‌بندی، یک بودجه‌ی شناور را به جای بودجه‌ی مشخص در نظر گرفت که قرار بود از محل فروش اموال تأمین شود و نشد. بر اساس آمار سیصد و هشتاد هزار معلم رتبه‌ی عالی دارند، صد و چهل هزار نفر رتبه‌ی خبره دارند، نود و دو هزار نفر رتبه‌ی ارشد دارند، شصت هزار نفر رتبه‌ی پایه دارند و هفتاد هزار نفر هم رتبه‌ی مقدماتی دارند. مجموع این‌ها تعداد نیروی انسانی‌ای است که در آموزش و پرورش رتبه‌ی شغلی خدمات کشوری دارند و این تعداد مشمول طرح رتبه‌بندی می‌شوند. بودجه‌ای که برای رتبه‌بندی این تعداد نیروی انسانی در یک سال نیاز است، همان رقم هفتاد و هفت هزار میلیارد تومان است. رقم‌هایی که کمیسیون آموزش یا رئیس سازمان برنامه و بودجه بیان کرده‌اند، برای نشان دادن بزرگی کار است نه واقعیت موجود. ■ بسیاری از معلمان معتقدند که فوق‌العاده‌ی ویژه اساساً برای همه‌ی کارکنان ویژه اجرا شده، اما با این حال منتش را به عنوان رتبه‌بندی سر معلمان گذاشتند و تازه همین هم ناقص اجرا شده. نظر شما در این خصوص چیست؟

عرض کردم که فوق‌العاده‌ی ویژه را تا سی و پنج درصد به خیلی از ادارات تخصیص دادند و خیلی از ادارات از این مزایا برخوردار شده‌اند. مجموعه‌ای که کمترین سهم را در فوق‌العاده‌ی ویژه داشته، جامعه‌ی معلمان است، اما متأسفانه هر نوع افزایشی در آموزش و پرورش بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای دارد. در نهادهای دیگر افزایش حقوق چند میلیونی را بدون هیچ بازتاب رسانه‌ای شاهدیم، اما کوچک‌ترین تغییر حقوقی - برای مثال اگر پنجاه هزار تومان عیدی به معلمان داده‌اند - بارها در رسانه‌ها به آن اشاره شده. به نوعی خواسته یا ناخواسته عاقدانه جامعه را در برابر معلمان قرار می‌دهند که به نظر بنده خواسته و آگاهانه است، چون هر نوع افزایش حقوق را بزرگ می‌کنند. رقم در ذهن کسی نمی‌ماند که چه مقدار افزایش داشته، اما همین که افزایش پیدا کرد، این در فضای رسانه باز تولید می‌شود. به نوعی تقابلی بین جامعه و معلمان به وجود آورده‌اند که خوشبختانه در سال‌های اخیر با دسترسی معلمان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تعدیل شده، اما هم‌چنان وجود دارد و مردم به صورت عامه در برابر معلمان قرار می‌گیرند.

■ وضعیت معیشتی معلمان بسیار بغرنج است؛ به گونه‌ای که دست‌مزد یک معلم آزاد یا خرید خدمتی، طبق برآوردها از یک‌چهارم خط فقر هم پایین‌تر است. با این وضعیت آیا واقعاً می‌شود توقع داشت که چنین معلمی بتواند با انگیزه کار کند؟ معلمان که مشمول قانون کارند (مانند معلمان آزاد و معلمان مدارس غیرانتفاعی)، مورد ظلم مضاعفی واقع می‌شوند. این معلمان کارفرمای خصوصی دارند، اما طبق قانون کار از حقوق و مزایای کمتری برخوردارند. آن‌ها مورد ظلم مضاعف کارفرمایان هم واقع

میشوند، چون قراردادهای ساعتی دارند، نه تمام‌وقت. در قراردادهای ساعتی اگر بیمه شوند، بخش زیادی از پولشان از حقوقشان کسر می‌شود و به بیمه برمی‌گردد؛ به جای این که کارفرما آن را پرداخت کند. این واقعیت برای بخش زیادی از معلمان آزاد وجود دارد. معلمان آزاد معلمان شریفی‌اند و صادقانه تلاش می‌کنند، اما وقتی وضعیت معیشتی روز به روز آن‌ها را بیشتر در تنگنا قرار می‌دهد، این امر بی‌شک تأثیر مستقیمی در روند آموزش خواهد داشت؛ اگرچه اساس خصوصی‌سازی و کالایی کردن آموزش آن را به قهقرا می‌برد و طبقاتی می‌کند. از طرف دیگر نیروهای غیرمتخصصی را به خاطر نیاز به کار در مدارس خصوصی و حتی دولتی به عنوان نیروهای آزاد به خدمت می‌گیرند که طبیعی است به آموزش لطمه بزنند.

■ آقای لطفی، شما سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیانید. نظر شورای هماهنگی در این خصوص چیست؟

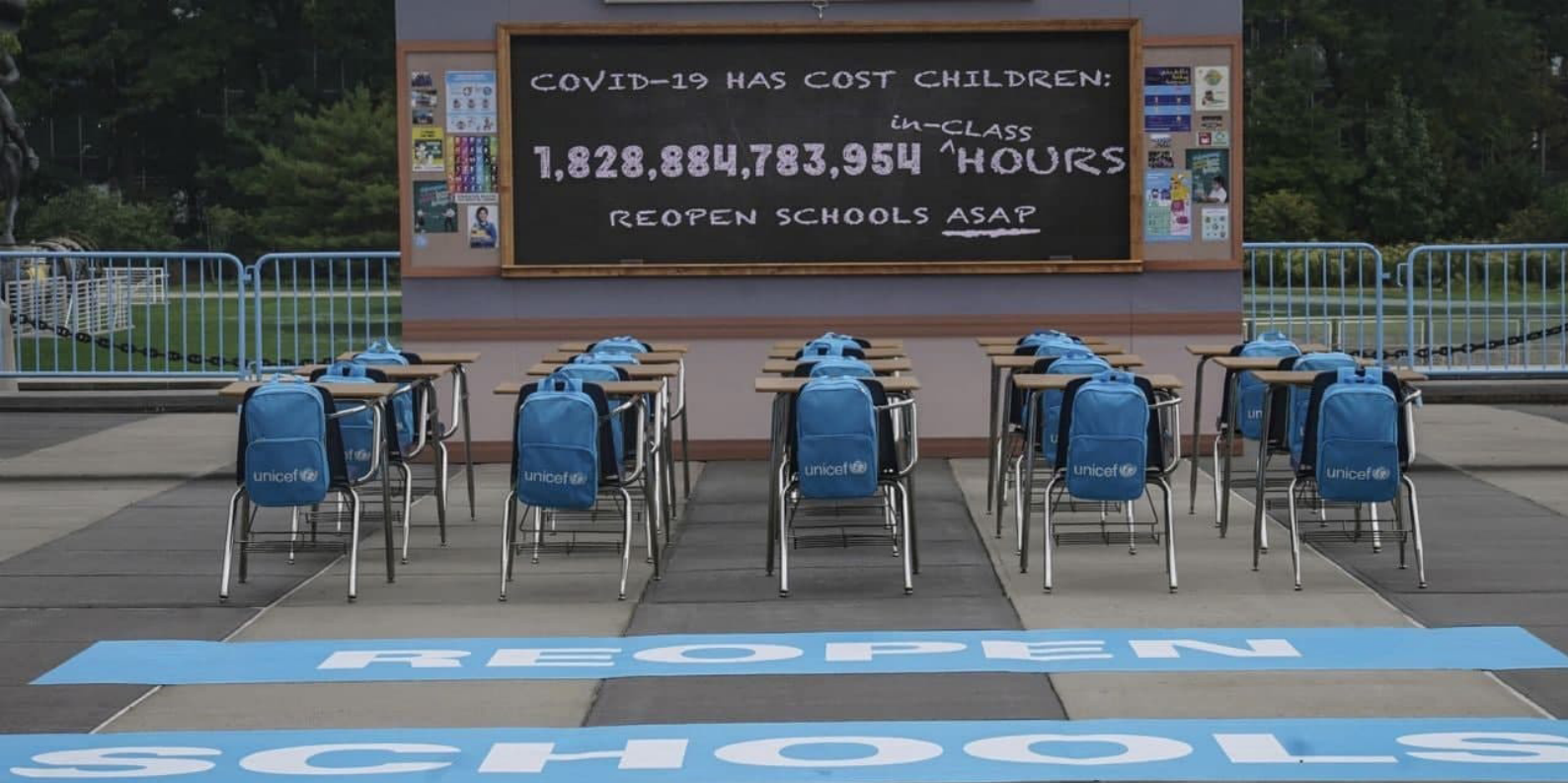
شورا اخیراً در بیانیه‌ای که منتشر شده، تأکید کرده اگر تا مهرماه بخشی از مطالبات معلمان برطرف نشود، وارد کنش‌های میدانی می‌شود؛ یعنی برای برگزاری تجمعات اعتراضی در سراسر کشور فراخوان خواهد داد و احتمالاً درخواست اعتصاب معلمان و شرکت نکردن در کلاس‌های مجازی را خواهد کرد. شورا بارها طی نامه‌نگاری‌ها و طومارها و رای‌زنی‌ها مطالبات مشخص جامعه‌ی معلمان را به مسئولان ذی‌ربط (هم کمیسیون آموزش و هم رئیس سازمان برنامه و بودجه و هم به دستگاه قضایی) فرستاده؛ نتیجتاً راهی جز کنش‌های میدانی برای تشکلهای صنفی باقی نمی‌ماند و شاهد اعتراضات میدانی با فراخوان شورای هماهنگی خواهیم بود.

■ به اعتراضات میدانی اشاره کردید. در حال حاضر معلمان را داریم که تجمع کردند. آیا اساساً این‌ها با رتبه‌بندی مخالفند؟ دلیل چیست؟

نه؛ مخالف نیستند. خوشبختانه برای اولین بار در کشور نو معلمان جوان وارد کنش‌های میدانی شده‌اند و عملاً اعتراضات را هدایت و به نوعی رهبری می‌کنند. این معلمان کم‌ترین میزان حقوق و بیش‌ترین نیاز مالی را دارند. مسکن و نیازهای عادی زندگی‌شان تأمین نشده و از حقوق و مزایای خیلی کمی هم برخوردارند. افزایش حقوق برای نو معلمان نسبت به معلمان که سابقه‌ی خدمت بیشتری دارند، کمتر است. این معلمان موافق رتبه‌بندی‌اند، اما در عین حال با اصلاح پایه‌ی حقوقشان نیز موافقت؛ یعنی طبق قانون خدمات کشوری ابتدا پایه‌ی حقوقی آن‌ها به حد مطلوبی برسد تا بر اساس طرح رتبه‌بندی نیز بتوانند از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار شوند. خوشبختانه دامنه‌ی اعتراضات آن‌ها به صورت کشوری و گسترده است؛ یعنی از شهرهای کوچک تا بزرگ‌ترین شهرها به این اعتراضات پیوسته‌اند. اعتراضات آن‌ها خودجوش است و خودشان آن را کنترل و رهبری می‌کنند، اما تشکلهای صنفی و شورای هماهنگی در هر حال از تمام مطالبات آن‌ها حمایت کرده‌اند.

■ با سپاس از وقتی که در اختیار «خط صلح» قرار دادید.

ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵



کمپین یونیسف در مقر سازمان ملل در نیویورک همزمان با اجلاس سران که خواستار بازگشایی مدارس توسط دولت‌ها شده است. عکس از بروکلین اسپکتروم نیوز

فرهنگی

■ در ضرورت و فوریت بازگشایی حضوری مدارس



احمد مدادی
کارشناس آموزش بین‌الملل

جهان را نگران و آشفته ساخته، نتایجی است که از تجزیه و تحلیل دیتاهای آموزشی در دوره‌ی کرونا به دست آورده‌اند؛ به گونه‌ای که به گفته‌ی مسئول بخش آموزش بانک جهانی، بحران کرونا تمام پیشرفت‌های جهانی در آموزش و سوادآموزی در دو دهه‌ی گذشته را از بین برده و شاخص‌های آماری آموزش به شکل نگران‌کننده‌ای منفی شده‌اند و دستاوردهای دو دهه‌ی گذشته در معرض بحران و خطر قرار دارند (۳).

از فروردین ۹۹ تا شهریور ۱۴۰۰ تحصیل حدود هشتصد و هفتاد میلیون دانش‌آموز در کشورهای مختلف جهان دچار اختلال شده؛ به طوری که صد و شصت و هشت میلیون دانش‌آموز در سال تحصیلی گذشته بخشی یا تمام سال تحصیلی گذشته را در مدرسه نبوده‌اند. طبق آخرین آمار سازمان یونسکو هنوز بیست و هفت درصد از کشورها شامل ایران به بسته‌ماندن مدارس ادامه می‌دهند. متوسط بسته‌ماندن مدارس در دنیا هفتاد و شش روز بوده، در حالی که این آمار در خاورمیانه و شرق آسیا به حدود دویست روز می‌رسد. از جمله بخش‌های جالب توجه آمار این است که حدود صد و چهل میلیون دانش‌آموز کلاس‌اولی هنوز نتوانسته‌اند مدرسه را ببینند. آماری از این دست چه چیز مهمی را نشان می‌دهد؟

عدالت آموزشی قربانی بزرگ بسته‌ماندن مدارس

آموزش آنلاین و بسته‌ماندن طولانی مدت مدارس حرکت جهانی به سمت عدالت آموزشی را مختل کرده و جهان آموزش پس از کرونا ناعادلانه‌تر از قبل شده. دسترسی به آموزش‌های ابتدایی و اولیه برای خانواده‌های کم‌درآمد یا فقیر سخت‌تر و تلاش‌ها برای بازگرداندن دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل متوقف شده. در سال تحصیلی گذشته حدود بیست و نه درصد از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی جهان تحت پوشش آموزش آنلاین قرار نگرفته‌اند. در ایران نیز طبق گفته‌ی مسئولان حدود سی درصد از دانش‌آموزان از پوشش تحصیلی مفید و موثر بازمانده‌اند. اما گسترش بی‌عدالتی آموزشی تنها مختص دانش‌آموزانی نیست

آیا مدارس باید در سال تحصیلی حضوری باشد یا آنلاین؟ این سوال مهم و سراسر این روزهاست که نه تنها خانواده‌ها و دانش‌آموزان و معلمان در ایران، بلکه تمام دولت‌ها و سازمان مهم بین‌المللی در پی پاسخ آن هستند. سوالی که در ابتدا خیلی ساده به نظر می‌رسد و عموماً در یکی-دو جمله و دقیقه پاسخی برای آن پیدا می‌کنند، اما واقعیت این است که این سوال شاید پیچیده‌ترین، پرهزینه‌ترین و یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که جهان آموزش در یک صد سال گذشته در سراسر جهان با آن روبه‌رو بوده است.

با بحرانی که کرونا در جان آموزش انداخته، چه باید کرد؟ بحرانی که به گفته‌ی بانک جهانی مهم‌ترین بحران آموزشی جهان در صد سال اخیر (۱) یا به قول نخست‌وزیر شیلی یک زلزله‌ی سهمگین در آموزش بوده است.

اواخر مردادماه امسال سه ارگان اصلی متولی آموزش در دنیا یعنی یونسکو، یونیسف و بانک جهانی طی یک اطلاعیه‌ی مهم مشترک از تمام دولت‌ها خواستند که هرچه سریع‌تر و در اولین فرصت ممکن مدارس را به شکل حضوری بازگشایی کنند و حتی گام را از این هم فراتر گذاشتند و تصریح کردند که سیستم‌های آموزشی نیازی ندارند برای بازگشایی منتظر تکمیل واکسیناسیون معلمان یا پوشش جامع واکسن بمانند.

آمار چه می‌گوید؟ (۲)

چیزی که کارشناسان سازمان‌های بین‌المللی متولی آموزش در

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

که از پوشش تحصیلی آموزش آنلاین بازمانده‌اند. وضعیت عدالت آموزشی و دسترسی به آموزش با کیفیت در میان دانش‌آموزانی که به آموزش آنلاین هم دسترسی داشته‌اند، نگران‌کننده است. طبق آخرین تحقیقات بانک جهانی، در دوره‌ی کرونا درصد کودکان ده‌ساله‌ای که نمی‌توانند یک متن ساده را بخوانند و بفهمند، در کل دنیا حدود ده درصد افزایش پیدا کرده و از پنجاه و سه درصد به شصت و سه درصد رسیده است.

مطالعات انجام‌شده از افت شدید کیفیت آموزشی، به ویژه در آموزش دولتی حکایت دارد. مطابق تحقیقات انجام‌شده در سائوپائولوی برزیل دانش‌آموزان در سال تحصیلی گذشته فقط بیست و هفت درصد از مطالبی را که قرار بوده تدریس شود، یاد گرفته‌اند. طبق یک تحقیق دیگر در شیلی در بین دانش‌آموزان کلاس‌های ششم تا دوازدهم، میزان یادگیری خواندن و نوشتن شصت درصد و میزان یادگیری سرفصل‌های تدریس‌شده‌ی درس ریاضی بین بیست و هفت تا چهل و هفت درصد بوده است.

آماري از ارزیابی پایان سال تحصیلی گذشته در ایران منتشر نشده، اما مشاهدات و بررسی‌های میدانی معلمان نشان می‌دهد که وضعیت ارزیابی پیشرفت تحصیلی در ایران نیز نگران‌کننده است.

بسته ماندن مدارس به چه قیمتی؟

آمار و شاخص‌های مربوط به پوشش تحصیلی یا افت کیفیت آموزش تنها عوارض بسته‌ماندن مدارس نیستند. اگرچه بسیاری از آمارها هنوز دقیقاً مشخص نشده یا منتشر نشده یا تحقیقات علمی به مرحله‌ی انتشار نرسیده، اما شواهد و گزارش‌های پراکنده و گاه حتی رسمی زیادی از مشکلات و بحران‌هایی منتشر شده که مستقیماً با بسته‌ماندن مدارس و جاماندن از چرخه‌ی آموزش در ارتباطند.

افزایش مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان به قدری گسترده بوده که در بیانیه‌ی مشترک سه ارگان بین‌المللی هم ابراز نگرانی شده. گزارش‌های غیررسمی از افزایش تعداد خودکشی دانش‌آموزان ایرانی منتشر شده؛ علاوه بر آن افزایش تعداد کودکان کار و ازدواج کودکان دختر از عواقب خارج‌شدن دانش‌آموزان از چرخه‌ی پوشش تحصیلی است.

افزایش شکاف دیجیتال بین گروه‌های درآمدی مختلف و در پی آن افزایش شکاف جنسیتی در جهان آموزش از جمله دغدغه‌های این روزهای کارشناسان آموزش بین‌الملل است؛ بحران‌هایی که حل آن‌ها شاید به سال‌ها زمان نیاز داشته باشد.

آیا بازگشایی مدارس به گسترش کرونا می‌انجامد؟

اوایل همه‌گیری کرونا پیش‌بینی‌ها این بود که مدارس می‌توانند کانون‌های تکثیر و گسترش کرونا باشند. بر اساس پیش‌بینی متخصصان و برای جلوگیری از بحرانی که ابعاد و عواقب آن اوایل مشخص نبود، تعطیلی مدارس از جمله اولین اقداماتی بود که بسیاری از دولت‌ها و کشورها انجام دادند. با شروع واکسیناسیون یونسکو و یونسف از دولت‌ها خواستند که معلمان را در اولویت دریافت واکسیناسیون قرار دهند، اما طبق گزارش مرکز پیگیری تاثیر کرونا بر آموزش تنها نیمی از کشورهای جهان این اولویت را برای معلمان قائل شدند. ایران نیز هرچند دیر به جمع این کشورها پیوست، اما در تابستان گذشته موفقیت نسبتاً خوبی در واکسیناسیون معلمان داشته.

با گذشت حدود بیست ماه نتایج تحقیقات مراکز معتبر علمی و پزشکی تصویر متفاوتی را پیش روی سیاست‌گذاران آموزشی قرار

می‌دهد که تا حد زیادی با تصور اولیه متفاوت است. طبق تحقیقات علمی مرکز کنترل بیماری‌های واگیردار اروپا (۴) ریسک ابتلا به بیماری در مدارس بیش‌تر از خانه و سایر بخش‌های جامعه نیست. تحقیقات متعدد دیگری در اروپا، آمریکا و آلمان نشان می‌دهد که برآوردهای اولیه از تاثیر مدارس در گسترش ویروس - حتی در جاهایی که واکسیناسیون کامل انجام شده - دقیق و واقعی نبوده است.

راه حل: مدارس را باز کنید!

راه‌حل پیشنهادی توسط کارشناسان به همین روشنی و صراحت است. لحظه‌ای در بازگشایی حضوری مدارس تعلل نکنید! اما بانک جهانی، یونسکو و یونسف این درخواست اقدام فوری را به همراه پیشنهادهای در دو بخش ارائه کرده‌اند که می‌توان آن را بازگشایی مسئولانه‌ی مدارس توسط دولت‌ها و متولیان بخش غیردولتی خواند.

راه‌حل: مدارس را این‌گونه باز کنید!

برای کاهش و مدیریت ریسک بازگشایی حضوری مدارس باید اقدامات ضروری انجام گیرد. از جمله مواردی که در چارچوب کاری یونسف برای بازگشایی مدارس آمده:

- رعایت فاصله‌ی اجتماعی در کلاس‌های درس
- اجباری بودن و در دسترس بودن ماسک برای معلمان و دانش‌آموزان
- در دسترس بودن مواد ضدعفونی‌کننده‌ی دست‌ها در تمام اتاق‌ها و ساختمان‌ها
- تعبیه و راه‌اندازی سیستم تهویه‌ی مناسب در کلاس‌هایی که فاقد هواکشی مناسبند
- انجام تست‌های کرونا به شکل متناوب
- شروع بازگشایی مدارس ابتدایی با توجه به گسترش پایین ویروس در سنین کم.
- راه‌حل: فرصت‌های آموزشی ازدست‌رفته را این‌گونه جبران کنید!
- در بیانیه‌ی سه نهاد مهم بین‌المللی بر این سه مورد به عنوان محورهایی که باید در آموزش پساکرونا به آن‌ها پرداخت، تاکید شده:
- بازبینی در برنامه‌های درسی و آموزشی برای پوشش‌دادن به نیازهای تمام دانش‌آموزان
- کمک به دانش‌آموزان برای جبران عقب‌ماندگی تحصیلی
- حمایت از معلمان برای استفاده از آموزش دیجیتال.

پانوشته‌ها:

۱. ساودرا، جیمی، هزینه‌ی عظیم و در عین حال نامرئی تعطیلی مدارس، وبلاگ بانک جهانی، ۲۶ آگوست ۲۰۲۱.
۲. آمار استفاده شده در این یادداشت، از آمار و دیتای یونسکو، یونسف و بانک جهانی گرفته شده است. برای اطلاعات بیش‌تر بنگرید به: پاسخ سیستم‌های آموزشی به کووید-۱۹ (مختصر)، وبسایت یونسف، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱
- و
- وبسایت ردیاب جهانی بازایی سیستم‌های آموزشی در عصر کووید-۱۹.
۳. ساودرا، جیمی، هزینه‌ی عظیم و در عین حال نامرئی تعطیلی مدارس، وبلاگ بانک جهانی، ۲۶ آگوست ۲۰۲۱.
۴. کووید-۱۹ و کودکان و نقش محیط‌های مدرسه در انتقال ویروس، مرکز کنترل بیماری‌های واگیردار اروپا.



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

□ معرفی کتاب «گره»

با نگاهی به ازدواج زود هنگام در ایران



رایحه مظفریان
نویسنده و پژوهشگر

ازدواج زود هنگام در همه‌ی نقاط جهان دیده می‌شود و به هیچ عنوان نوظهور نیست. آن‌چه در رابطه با این موضوع نوظهور است، آشکار شدن ابعاد مختلف و تأثیرگذار ازدواج کودکان بر جامعه‌ی بشری است. این پاسخ به این سؤال است که چرا بعد از گذشت قرن‌ها که کودکان ازدواج را تجربه کرده‌اند، امروز و در قرن بیست و یک جامعه‌ی جهانی به شدت مقابل این عمل ایستاده.

در همه‌ی نقاط جهان دلایل متعدد، غیرمشابه و گوناگونی وجود دارد که منجر به ازدواج در سنین پایین برای پسران و دختران می‌شود. عوامل گوناگونی وجود دارد که هم‌چنان به این عمل قوت می‌بخشد و سبب تداوم ازدواج کودکان می‌شود. از سوی دیگر ازدواج زود هنگام مقوله‌ای کلی است که با خود عوارض، عواقب و پدیده‌های دیگری به همراه می‌آورد. از این رو بهتر است به مقوله‌ی ازدواج زود هنگام هم‌چون یک چرخه‌ی زیستی نگاه شود. هنگامی که کودکی ازدواج میکند، چرخه یا گردونه‌ای به راه می‌افتد که در آن ابتدا فرد باید به دنبال حفظ کیان خانواده باشد، فرزندآوری کند و خود را برای تأمین نیازهای آتی خانواده‌ی نو تشکیل آماده کند؛ هم‌چنین در این شرایط ممکن است سختی‌های دیگری نیز پیش پای کودک گذارده شود؛ مانند فوت همسر، ترک اجباری خانه، طلاق و نظایر آن.

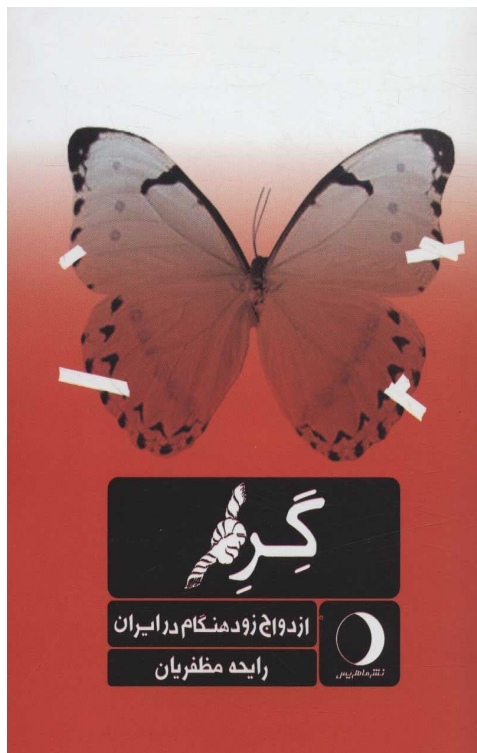
جامعه‌ی جهانی ازدواج کودکان را نوعی خشونت و تجاوز تلقی میکند. بسیاری از سازمانهای جهانی معتقدند که ازدواج کودکان ممکن است به خشونت‌های زود هنگام

جسمی و جنسی، بهره‌کشی، قاچاق انسان و... منجر شود یا همین دلایل از عوامل وقوع آن باشند.

سال‌ها پیش که شاید هنوز یک دهه هم از آن نگذشته، نجوایی نسبت به موضوع ازدواج کودکان در ایران سرگرفت. از آن تاریخ تا امروز تعداد زیادی پایان‌نامه و پژوهش و کتاب نگاشته شده و مسئولان رده‌بالای کشوری و رسانه‌ها متوجه میزان اهمیت این موضوع و حقوق کودکان شده‌اند؛ اگرچه مبحث ازدواج زود هنگام تنها یک موضوع از دهه‌ها موضوع در حوزه‌ی حقوق کودکان است، اما به تنهایی جوانب بسیاری از زندگی کودکان را در بر می‌گیرد. کتاب «گره» تلاش دارد بدون توجه به وضعیت سایر کشورها در خصوص ازدواج‌های زود هنگام و با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر ایران تغییرات آماری و حقوقی در این عرصه را به تصویر بکشد. با وجود آن‌که در سال‌های اخیر بیش از گذشته نسبت به این آسیب دوران کودکی صحبت می‌شود، اما هم‌چنان نقاط کوری باقی‌ست

که وظیفه‌ی گشودن پنجره‌ی آن‌ها به همت آیندگان بستگی دارد. در مراجعه‌ای به نگارنده، او فردی از روستاهای آذربایجان شرقی است که تجربه‌ی شخصی خود را روایت کرده. او که با نزدیکان و خانواده‌ی خود درباری علل اشتیاق افراد روستایش به ازدواج زود هنگام دخترانشان به گفت‌وگو نشسته بود، در پاسخ به دلایل آنان ناتوان مانده بود. زنان روستا اکثراً زود ازدواج کرده و در سن سی و پنج سالگی دارای نوه بودند. دختر بچه‌های تازه متاهل شده طبق روال سابق هم‌چنان هر روز صبح به مدرسه می‌رفتند و مادرانشان به دلیل ناتوانی، کوچکی جثه و کم‌سن و سال بودن دخترانشان صبح تا ظهر امورات منزل آن‌ها را رتق و فتق می‌کردند و مادران نیز هنگام بازگشت دختران از مدرسه به خانه‌ی خود بازمی‌گشتند. ترس از نیافتن بخت مناسب خانواده‌ها را به ازدواج دختران مشتاق‌تر نشان می‌داد. فرد راوی این‌طور ادامه می‌دهد که بارها علت در مخاطره‌بودن کودکانشان را برای خانواده‌ها توضیح می‌دادم، اما هر بار خانواده‌ها زنان نسل‌های گذشته را مثال می‌زدند. مادران نسل‌های قبل که به همین شیوه ازدواج کرده‌اند، فرزنداندار شده‌اند، زنده مانده‌اند و از زندگی خود راضی‌اند. چگونه می‌توان جامعه‌ای با این نگاه را متقاعد کرد؟ نقش پژوهش‌گران در تغییر روند جامعه به سمت اصلاح چیست؟ چگونه می‌توان دست‌آورد سال‌ها مطالعه‌ی پژوهشی و اثرات مخرب ازدواج زود هنگام بر اکثر کودکان را به والدین آن‌ها آموخت؟ والدینی که از فقر فرهنگی و اقتصادی و هراس از آینده‌ی فرزندان‌شان اعتماد را در تجربه‌های مشابه خود یافته‌اند. والدین ترجیح می‌دهند کودکان‌شان به جای تحصیل و آینده‌ی شغلی نامطمئن، به جای برچسب خوردن و هرگز ازدواج نکردن، به جای داشتن روحیه‌ای سالم و کودکی کردن پا در همان مسیری بگذرانند که پیشینیانشان طرح‌ریزی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد در عصر کنونی نیز پرسش‌هایی هم‌چنان به قوت خود باقی‌ست و ازدواج کودکان را باید به عنوان مطرح‌ترین گره در مسائل مربوط به حقوق کودکان در نظر گرفت. تا زمانی که این مسأله‌ی مغفول‌مانده حل نشود، صحبت از حقوق کودک در کشور ما دشوار است. نگارنده تلاش کرده پرسش‌های تاریخی مطرح‌شده را در شرایط معاصر کنونی کشور مجدداً مطرح کند و با ارائه‌ی مستندات، آمارها و مصاحبه‌های منتشرشده‌ی مسئولان در سال‌های اخیر پلی میان گذشته و حال ایجاد کند. از نگاه نگارنده موضوع ازدواج کودکان به صورت ناگهانی وارد فرهنگ ایران نشده و به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه تلاش در زمینه‌ی اصلاح فرهنگی نیز کم‌رنگ نخواهد شد؛ چراکه حتی از دید سفرنامه‌نویسان نیز پنهان نمانده. نویسندگان معاصر برای نسل‌های آینده حکم سفرنامه‌نویسان را دارند؛ آیندگان می‌خوانند و درباره‌ی گذشته به قضاوت می‌نشینند. زمان اکنون امانتی‌ست در دست برای آیندگان. اگر تصویری واقع‌بینانه از اکنون ارائه نشود، آیندگان چگونه می‌توانند قضاوتی منصفانه در خصوص این امانت داشته باشند؟



صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال دوازدهم، مهر ۱۴۰۰
شماره ۱۲۵

خط صلح

ماهنامه‌ی حقوقی اجتماعی خط صلح
شماره ۱۲۵ - مهر ۱۴۰۰ - سال دوازدهم

ISBN 978-1-7332858-1-0

9 0000 >



9 781733 285810